



مکتبہ اہل سنت دہلی

پیشرویت

پیشرویت اور توحید کا فلسفہ امام زمانہؑ

پہلا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بامداد بشریت

نویسنده:

محمد جواد مروّجی طبسی

ناشر چاپی:

مسجد مقدّس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	بامداد بشریت
۹	مشخصات کتاب
۹	پیشگفتار
۱۰	بخش اول: اعتقاد به مهدویت
۱۰	مقدمه
۱۰	پرسش ۱
۱۱	پرسش ۲
۱۲	پرسش ۳
۱۲	پرسش ۴
۱۳	پرسش ۵
۱۴	بخش دوم: میلاد منجی بشریت
۱۴	مقدمه
۱۵	پرسش ۶
۱۶	پرسش ۷
۱۷	پرسش ۸
۱۸	پرسش ۹
۱۸	پرسش ۱۰
۱۹	بخش سوم: راز طول عمر
۱۹	مقدمه
۱۹	پرسش ۱۱
۲۰	پرسش ۱۲
۲۰	بخش چهارم: فلسفه غیبت

۲۰	مقدمه
۲۱	پرسش ۱۳
۲۱	پرسش ۱۴
۲۳	پرسش ۱۵
۲۵	پرسش ۱۶
۲۶	بخش پنجم: نشانه‌های ظهور
۲۶	مقدمه
۲۶	پرسش ۱۷
۲۶	پرسش ۱۸
۲۷	پرسش ۱۹
۲۷	پرسش ۲۰
۲۸	پرسش ۲۱
۲۹	پرسش ۲۲
۳۰	بخش ششم: ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام
۳۰	مقدمه
۳۰	پرسش ۲۳
۳۱	پرسش ۲۴
۳۲	پرسش ۲۵
۳۲	پرسش ۲۶
۳۳	پرسش ۲۷
۳۴	پرسش ۲۸
۳۵	پرسش ۲۹
۳۷	بخش هفتم: دولت جهانی حضرت مهدی علیه السلام
۳۷	مقدمه

۳۷	پرسش ۳۰
۳۸	پرسش ۳۱
۳۸	پرسش ۳۲
۳۹	پرسش ۳۳
۴۰	پرسش ۳۴
۴۱	پرسش ۳۵
۴۲	پرسش ۳۶
۴۳	پرسش ۳۷
۴۴	پرسش ۳۸
۴۴	پرسش ۳۹
۴۴	پرسش ۴۰
۴۵	بخش هشتم: یاران حضرت مهدی علیه السلام در دوران غیبت و حضور
۴۵	مقدمه
۴۵	پرسش ۴۱
۴۶	پرسش ۴۲
۴۷	پرسش ۴۳
۴۸	پرسش ۴۴
۵۰	بخش نهم: دشمنان حضرت مهدی علیه السلام
۵۰	مقدمه
۵۰	پرسش ۴۵
۵۱	پرسش ۴۶
۵۲	فهرست منابع
۵۳	فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران
۵۴	پی نوشت ها

۵۴ ----- ۱ تا ۱۳۸

۵۵ ----- ۱۳۹ تا ۲۹۱

۵۷ ----- ۲۹۲ تا ۳۴۱

بامداد بشریت

مشخصات کتاب

سرشناسه: طبسی محمدجواد، ۱۳۳۱ - عنوان و نام پدیدآور: بامداد بشریت: مجموعه‌ای از پرسش‌ها و پاسخ‌ها پیرامون امام زمان (عج) / محمد جواد مروجی طبسی. مشخصات نشر: قم مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۳. مشخصات ظاهری: ۱۶۰، ۵ ص. شابک: ۷۰۰۰ ریال؛ ۱۱۰۰۰ ریال: چاپ چهارم: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۸۴-۲۰-۵؛ ۱۱۰۰۰ ریال: چاپ سوم: ۹۶۴-۹۶۴-۸۴۸۴-۲۰-۱ یادداشت: چاپ قبلی: انتشارات بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱. یادداشت: چاپ چهارم: ۱۳۸۶. یادداشت: چاپ سوم: ۱۳۸۶. یادداشت: کتابنامه ص [۱۵۴]-۱۵۷؛ همچنین به صورت زیرنویس موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - یاوران موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - پرسش‌ها و پاسخ‌ها موضوع: مهدویت - انتظار موضوع: مهدویت - جنبه‌های قرآنی موضوع: موعود گرایی شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم). واحد پژوهش رده بندی کنگره: BP۲۲۴/ط۲۳ب۲ ۱۳۸۳ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۳-۹۶۸۶

پیشگفتار

هر مکتب و نظامی برای تبیین اصول و مبانی اعتقادی و آرمانی خود، نیازمند تبلیغات است و از این راه، به گسترش حیطه نفوذ خود دست می‌یابد. در طول تاریخ، تنها اندیشه‌هایی به جا مانده و به دست نسل‌های بعد رسیده است که از بهترین، مؤثرترین و پر نفوذترین شیوه‌های پیام‌رسانی برخوردار بوده‌اند. در دنیای کنونی که همه چیز در اثر پیشرفت تمدن بشری چهره خود را تغییر داده و رشد چشمگیری یافته، تبلیغات از شیوه «سنتی» خارج و به یک دانش تبدیل شده است. امروز دانشکده‌ها و سازمان‌های بزرگ و پیچیده که دارای بودجه‌های عظیم هستند، در راستای کار آمدی تبلیغات در زمینه‌های مختلف تجاری، سیاسی و عقیدتی، مشغول فعالیت هستند. اربابان رسانه‌های تبلیغاتی در جهان با استفاده از پیشرفته‌ترین ابزار، به تبلیغ فرهنگ استعماری خویش و حمله به باورهای کهن مخاطبان خود می‌پردازند. اکنون مرزبانان مرزهای عقیدتی برای پاسداری از فرهنگ اسلامی، نیازمند استفاده از ابزارهای نوین اطلاع‌رسانی و آگاهی از آخرین داده‌های اطلاعاتی هستند. در شرایط کنونی که مردم انقلابی ایران با الهام از مکتب‌رهایی بخش اسلام، جامعه‌ای نوین بر اساس اندیشه‌های اسلامی بنا نهاده‌اند و تلاش گسترده‌ای را برای احیای ارزش‌های دینی آغاز کرده‌اند، شایسته است دانشمندان مسلمان با تمام توان خویش، به پیرایش اندیشه‌ها بپردازند و اسلام ناب محمدی را معرفی کنند. سوگمندها باید بپذیریم که بسیاری از خرافه‌ها و باورهای غلط هنوز ریشه در ذهن مردم مسلمان دارد. وظیفه دانشمندان است که شبهات را پاسخ بگویند و چهره حقیقی دین را به تصویر بکشند. کتاب حاضر درباره پیشوای دوازدهم شیعه، مصلح بزرگ جهان، امام مهدی (عج) است. مسئله مهدویت از ناب‌ترین اندیشه‌های اسلامی و برگرفته از قرآن است. قرآن مجید در چند آیه، نوید داده است که نیکان و پارسایان بر سراسر جهان حاکم خواهند شد و پیشوایی جهان به مستضعفان خواهد رسید. پیامبر اسلام و ائمه - علیهم السلام - که مفسران قرآن و بازگو کنندگان حقایق آن هستند، ویژگی‌های حکومت صالحان و مستضعفان به پیشوایی امام مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را به تفصیل بیان داشته‌اند و مردم را به آمادگی برای تشکیل آن حکومت که تجسم مدینه فاضله اسلامی است، فرا خوانده‌اند و انتظار آن را برترین عبادات دانسته‌اند. حکومت حضرت مهدی علیه السلام کاخ‌های ستم را نابود می‌سازد و عدالت را بر جهان حاکم می‌کند. حکومت حضرت مهدی علیه السلام به پیرایش اندیشه‌ها از کفر و شرک می‌پردازد و امنیت و صلح را بر جهان حاکم می‌سازد. حضرت مهدی علیه السلام که مردم را هدایت و رهبری می‌کند، مظهر عبودیت خدا و نمونه‌اعلای انسان کامل است. مهدی آل محمد علیهم السلام پیشوایی از تبار پاک

پیامبر صلی الله علیه و آله و از نسل پاکان و صالحان است. پدران نسل در نسل، از پیشوایان حق و عدالت بودند و لحظه‌ای در راه دفاع از حقوق مستضعفان درنگ نکرده و سرانجام هم به سبب عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، به دست جلّادان روزگار به شهادت رسیدند. مهدی موعود - عجل الله تعالی فرجه الشریف - وارث آن خون‌های پاک و مقدس است. او می‌آید تا انتقام خون‌های به ناحق ریخته را بگیرد. سال‌ها پیش، برای بازشناسی این مرد آسمانی، دست به کار شدم و مطالبی را که در طول سالیان دراز از استادان دانشمند و پارسا، به ویژه معلّم و مربّی و پدر بزرگوارم، آیت الله حاج شیخ محمد رضا طبسی رحمه الله، آموخته و در جلسات گوناگون، برای جوانان بازگو کرده بودم، با بازنگری دوباره و افزودن مطالب دیگری به صورت پرسش و پاسخ در آوردم. امید دارم این تلاش ناچیز در پیشگاه امام عصر - ارواحنا له الفداء - پذیرفته گردد. حوزه علمیه قم محمّد جواد مروّجی طبسی

بخش اول: اعتقاد به مهدویت

مقدمه

یکی از باورهای پاک نهاد و مسلم که در کتاب‌های مقدّس و آسمانی بدان اشاره شده، اعتقاد به ظهور مصلحی جهانی است که در سایه حکومت او، تمام مردم جهان به آرامش واقعی می‌رسند. همه پیروان کتاب‌های آسمانی در انتظار ظهور مردی هستند که به ستم‌ها پایان می‌بخشد و صلح و صفا را در جهان حاکم می‌سازد. همه مستضعفان در انتظار ظهور مصلح جهانی هستند. اعتقاد به منجی جهان اختصاص به پیروان ادیان آسمانی ندارد. انسان در فطرت خویش خواهان ظهور مصلحی است که از نیرویی غیبی و الهی برخوردار باشد و بتواند حکومتی بر پایه عدل بنا نهد. امروزه برخی از فرمانروایان ستمگر تمام تلاششان این است که خود را چنین فردی معرفی نمایند، تا به خیال خود، بر آن عقیده فطری مردم جامه عمل بپوشانند. آنان در این راستا، با لشکرکشی به کشورهای ضعیف و کشتار مردم بی‌دفاع، خود را مدافع حقوق بشر قلمداد می‌کنند. در این بخش به چند پرسش مهم درباره اعتقاد به منجی جهان پاسخ داده می‌شود.

پرسش ۱

آیا در کتاب‌های آسمانی، به مسأله ظهور منجی جهان اشاره‌ای شده است یا اینکه این عقیده اختصاص به مسلمانان دارد؟ پاسخ این عقیده اختصاص به مسلمانان ندارد، بلکه تمام ادیان و کتاب‌های الهی - و برخی آیین‌ها - مژده داده‌اند که منجی جهان در فرجام تاریخ خواهد رسید و جهان را پر از عدل و داد خواهد ساخت. در قرآن آمده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (۱)؛ در زبور، بعد از ذکر نوشتیم: بندگانشایسته‌ام وارث حکومت زمین خواهند شد. مفسّران قرآن در تفسیر واژه «ذکر» اختلاف نظر دارند؛ برخی گفته‌اند به تمام کتاب‌های آسمانی که از سوی خداوند بر پیامبران نازل گشته است، ذکر گفته می‌شود. (۲) برخی دیگر گفته‌اند: مراد از ذکر، تورات است. (۳) بنابراین، کتاب‌های آسمانی مژده داده‌اند که سرانجام صالحان و بندگانشایسته خداوند، به فرمانروایی جهان خواهند رسید. استاد حکیمی می‌نویسد: «از روزگاران کهن، داستان ظهور مصلح در آخر الزمان، اصلی اساسی بوده است. پیشینیان بشر، پیوسته آنها به یادها می‌آوردند. اکنون نیز پس از گذشت قرن‌ها، در خلال یادگارهای انسان‌های قدیم، آثاری هست که ما را به گفته بالا رهنمون می‌کند». (۴) یکی از دانشمندان معاصر می‌نویسد: «اصولاً فتوریسیم، یعنی اعتقاد به دوره آخر الزمان و انتظار ظهور منجی، عقیده‌ای است که در کیش‌های آسمانی یهودیت، زردشتی و مسیحیت در سه مذهب عمده آن: کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس. و مدّعیان نبوت عموماً، و دین مقدس اسلام خصوصاً، به مثابه یک اصل مسلم قبول شده است و درباره آن در مباحث تئولوژیک مذاهب آسمانی، رشته تئولوژی بیبلیکال کاملاً شرح و بسط

داده شده است» (۵) استاد حکیمی می‌نویسد: «در کتاب‌ها و آثار زردشت و زردشتی درباره آخر الزمان و ظهور موعود مطالب بسیاری آمده، از جمله در این کتاب‌ها: کتاب اوستا، کتاب زند، کتاب جاماسب نامه، داتستان دینیک، کتاب زرتشت نامه. و نیز در کتاب‌های تحریف شده یهودیت و عهد عتیق همانند: کتاب دانیال پیامبر. کتاب حجی پیامبر، کتاب صفتیای پیامبر، همچنین در کتاب‌های مسیحیت همانند: انجیل متی، انجیل لوقا، انجیل مرقس، انجیل برنابا و مکاشفات یوحنا، ضمن توجه به تحریف شدن آنها، از منجی موعود سخن به میان آمده است» (۶) بدون تردید، اگر این کتاب‌ها تحریف نشده بود، مطالب روشن‌تر و بیشتری درباره مصلح جهانی در آنها دیده می‌شد، این در حالی است که اگر در کتاب‌های آسمانی گذشته، هیچ نام و نشانی از موعود نبود، باز هم می‌گفتیم: خداوند در تمام کتاب‌ها از مهدی موعود سخن گفته است، زیرا در قرآن مجید تصریح کرده که در کتاب‌های آسمانی از منجی بشر سخن گفته است.

پرسش ۲

آیا مهدویت در قرآن کریم مطرح شده است؟ پاسخ ۱ - قرآن، منبع اصلی همه معارف و قوانین اسلامی است و در حقیقت، به منزله قانون اساسی همه قوانین اسلامی است. همان‌گونه که در قانون اساسی هر کشور، اصول و اهداف و مسؤولیت‌های ارگان‌ها و نهادها به صورت کلی و بدون شرح و توضیح کامل ثبت شده و شرح و تبیین آن به عهده قانون‌های عادی است، در قرآن نیز برخی از معارف اسلامی به صورت کلی و مجمل بیان شده و تفسیر و توضیح آن برعهده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نهاده شده است. در مورد مهدویت نیز چنین است. ریشه اصلی این تفکر، قرآن است که در چند آیه، نابودی ستم را پیش‌بینی کرده و پیروزی پارسایان، صالحان و مستضعفان را نوید داده و فرجام کار را از آن پرهیزکاران دانسته و بشارت داده که در پایان جهان، نیکوکاران حاکم خواهند شد. در تفسیر این آیات، روایات فراوانی از پیامبر و ائمه - علیهم السلام - نقل شده است که بنابر آنها، حکومت امام مهدی علیه السلام در آخر الزمان همان حکومت مستضعفان و صالحان است که در قرآن، بشارت به آن داده شده است. خداوند در سید و شصت و پنج آیه که در هشتاد سوره آمده است، به صورت کلی درباره مهدویت سخن گفته است. بیش از پانصد روایت از پیامبر و ائمه - علیهم السلام - در تفسیر این آیات (۷) نقل شده است. از باب نمونه، به چند آیه و روایت بسنده می‌کنیم: الف) «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (۸)؛ ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم. سلمان فارسی رحمه الله گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند هیچ پیامبر و رسولی را نفرستاد، مگر آنکه برای او دوازده نقیب قرار داد. پس نام یازده امام را شمرد و فرمود: سپس فرزندش، محمد بن الحسن المهدی - عجل الله فرجه الشریف - است که به امر پروردگار قیام می‌کند» (۹) ب) «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث حکومت زمین خواهند شد. در تفسیر این آیه، محمد بن عبد الله بن حسن از امام باقر علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود: «مراد از آیه، قائم آل محمد علیهم السلام و یارانش می‌باشند» (۱۰) ج) «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ...» (۱۱) و یا کسی که دعای مضطر و گرفتار را اجابت می‌کند هنگامی که او را می‌خواند، و بلا و سختی را برطرف می‌سازد و شما را خلفای زمین قرار می‌دهد... امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه، ضمن حدیث مفصلی، سخنرانی امام عصر - ارواحنا له الفداء - را در موقع ظهور در مکه بیان می‌فرماید: «اولین کسی که با او بیعت می‌کند، جبرئیل است و سپس بیش از سیصد نفر با او بیعت خواهند نمود» (۱۲)

۲ - این پرسش اختصاص به مهدویت ندارد بلکه درباره خصوصیات و جزئیات بیشتر احکام اسلامی همانند نماز، روزه و زکات نیز مطرح است، چون در هیچ جای قرآن از شمار رکعات نمازهای پنج‌گانه یا شرایط و وجوب زکات و روزه، سخن به میان نیامده است.

پرسش ۳

آیا اعتقاد به مهدویت اختصاص به شیعه دارد؟ پاسخ همان گونه که در مقدمه گذشت، اعتقاد به ظهور مصلح جهانی، اعتقادی است قرآنی و بدین جهت، همه مسلمانان، اعم از شیعه و سنی، معتقدند که منجی جهان در فرجام تاریخ، ظهور خواهد کرد. اعتقاد به ظهور مصلح گیتی جزو اندیشه‌های اساسی مسلمانان به شمار می‌رود. شیعیان بنابر روایات بسیاری که از پیامبر و امامان معصوم - علیهم السلام - نقل شده است، مهدی علیه السلام را دوازدهمین پیشوای خود می‌دانند. آنها معتقدند که او از سلاله پاک فاطمه زهرا علیها السلام و نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است. به جهت این باور عمیق است که شیعه در راه حفظ و بزرگداشت این اصل، تلاش‌های فراوانی کرده است. دانشمندان شیعه در طول تاریخ، به مرزبانی این باور پاک برخاستند و از جنبه‌های گوناگون علمی، روایی، تفسیری و کلامی، به تحلیل آن پرداختند و کتاب‌های بسیار ارزشمندی نوشتند. این تلاش‌ها پیش از آن که امام مهدی علیه السلام متولد شود، آغاز شد و تاکنون ادامه دارد. فرهیختگان سنی نیز از دیرباز توجه خاصی به این مسئله داشته‌اند و در کتاب‌های خود فصلی را به آن اختصاص داده و روایات نبوی را همراه اسناد و مدارک آن ذکر کرده‌اند. اهل تسنن حدود چهارصد روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره مهدی موعود - عجل الله فرجه الشریف - نقل کرده‌اند. روایاتی که شیعه و سنی از پیامبر و سایر معصومین - علیهم السلام - نقل کرده‌اند، حدود شش هزار حدیث است. (۱۳) اسامی تعدادی از کتاب‌های علمای سنی که بخشی از مباحث خود را به مهدویت اختصاص داده‌اند، چنین است: ۱. مسند احمد ۳/۳۶۲. مسند ابویعلی ۲/۲۷۴۲. سنن ترمذی ۴/۵۰۵. سنن ابوداود ۴/۱۰۷. سنن ابن ماجه ۲/۱۳۶۸. حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین ۴/۵۷۷. ابن الصباغ مالکی در الفصول المهمه ص ۲۷۳. قندوزی حنفی در ینابیع الموده ص ۲۴۱. شبلنجی در نور الأبصار ص ۱۸۶. ابن الصبان مصری در اسعاف الراغبین ص ۱۴۰. نگری در دستور العلماء ۳/۲۹۱. ابن خلکان در تاریخ خود ۲/۴۵۱. ابن الاثیر در نهاییه ۱/۱۷۴. محمد بن طلحه در مطالب السؤل، باب ۱۲. سبط ابن جوزی در تذکره الخواص ص ۳۷۸. سید احمد زینی دحلان در فتوحات ص ۳۲۲. ابن حجر هیثمی در الصواعق المحرقة ص ۲۰۵. طبری در ذخائر العقبی ص ۱۳۶ و صدها تن از نویسندگان اهل سنت به ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام و چگونگی ظهور آن حضرت پرداخته‌اند. (۱۴) برخی از علمای اهل تسنن کتاب‌های مستقلاً درباره حضرت مهدی علیه السلام نوشته‌اند که به نام برخی از کتاب‌ها بسنده می‌کنیم: ۱. البرهان؛ علامه متقی هندی ۲. تحدیق النظر؛ محمد بن عبد العزیز ۳. تلخیص البیان؛ ابن کمال باشا ۴. العرف الوردی؛ جلال الدین سیوطی ۵. العطر الوردی؛ محمد بن محمد حسینی ۶. عقد الدرر؛ یوسف بن یحیی شافعی ۷. علامات المهدی؛ جلال الدین سیوطی ۸. فرائد (فوائد) الفکر؛ مرعی بن یوسف حنبلی ۹. القطر الشهیدی؛ شهاب الدین حلوانی ۱۰. القول المختصر؛ احمد بن علی هیثمی ۱۱. المشرب الوردی؛ ملا سلطان حنفی ۱۲. مناقب المهدی؛ ابونعیم اصفهانی ۱۳. نعت المهدی؛ ابونعیم اصفهانی ۱۴. البیان؛ محمد بن یوسف گنجی شافعی بدین سان، روشن شد که باورداشت قیام مردی از سلاله فاطمه علیها السلام در آخر الزمان و نابودی ستم به دست توانای او، تنها خاص شیعه نیست، بلکه باوری است عمومی که همه مسلمانان به آن اعتراف دارند، حتی یک باور و اعتقاد جهانی و عمومی است که در میان همه مذاهب و مکتب‌های جهان بوده و تاکنون نیز باقی است. همه مکتب‌های بشری، ظهور مصلح بزرگ در آخر الزمان را به پیروان خود بشارت داده‌اند، حتی مکتب‌های الحادی، رسیدن به جامعه بی طبقه که در آن آثاری از نابرابری اجتماعی وجود نداشته باشد، را نوید داده‌اند. با این همه، اصالت و والایی این اندیشه، آن گونه که در اسلام، به ویژه در مذهب شیعه، شرح و تبیین شده و فلسفه آن بیان گشته، در هیچ مکتبی انجام نشده است.

پرسش ۴

آیا نامی از امام مهدی علیه السلام در صحاح سته آمده است؟ پاسخ الف) در تمام صحاح سته، به جز صحیح بخاری، نام امام مهدی علیه السلام وجود داشت، نام حضرت مهدی علیه السلام و سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله درباره آن حضرت در کتاب‌های صحیح ترمذی (۱۵)، سنن ابن ماجه (۱۶) و سنن ابوداود (۱۷) که الان در دسترس است، موجود می‌باشد؛ ولی در کتاب‌های صحیح مسلم و سنن نسائی حذف گردیده است. شاهد بر اینکه این احادیث قبلاً در صحیح مسلم بوده، آن است که ابن حجر عسقلانی در الصواعق المحرقة (۱۸)، ابن الصبان در اسعاف الراغیین (۱۹)، متقی هندی در کنز العمال (۲۰)، و حمزوی در مشارق الأنوار (۲۱)، حدیث «المهدی حق و هو من ولد فاطمة علیها السلام» را از کتاب صحیح مسلم نقل کرده‌اند، اما چنین حدیثی در نسخه فعلی صحیح مسلم که در دسترس همگان است، موجود نمی‌باشد. و شاهد بر اینکه سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله درباره حضرت مهدی علیه السلام در سنن نسائی هم وجود داشت، این است که سلمی در عقد الدرر (۲۲)، حدیث «المهدی منی...» را از کتاب سنن نسائی نقل کرده است و ابن الصبان (۲۳) عبد المحسن عبّاد (۲۴)، ابن حجر عسقلانی (۲۵)، حمزوی (۲۶) و شیخ منصور علی ناصف (۲۷)، حدیث «المهدی حق و هو من ولد فاطمه علیها السلام» را از نسائی نقل کرده‌اند. حال، خود قضاوت کنید: یا این چند نفر، به دروغ مطلبی را از صحیح مسلم و سنن نسائی نقل کرده‌اند و یا این دو کتاب دستخوش حذف گردیده است. ب) در نسخه‌های فعلی صحیح مسلم، گرچه نامی از امام مهدی علیه السلام برده نشده است، اما دو حدیث در مورد آمدن خلیفه‌ای در آخر الزمان (۲۸) و نزول حضرت عیسی علیه السلام از آسمان (۲۹) و نماز خواندنش پشت سر آن خلیفه، ذکر شده است. که باید پرسید: این خلیفه کیست که پیامبر اولوا العزم پشت سر او نماز می‌خواند؟ آیا او غیر از مهدی علیه السلام است؟! ج) اشکال عمده‌ای که بر بخاری و مسلم وارد است، این است که آنها مبنایی را که برای نقل روایت از یک راوی پذیرفته‌اند و بنابر آن مبنا به نقل حدیث راویان در کتاب‌های خود پرداخته‌اند، در همه جا رعایت نکرده‌اند و بسیاری از روایات را که نقل آنها سازگار با آن مبنا بود، نیاورده‌اند. حاکم نیشابوری - م ۴۰۵ ه. ق - در کتاب خود، احادیثی که مبنای بخاری و مسلم برای نقل حدیث، در آنها وجود داشت، اما آنان آن احادیث را ذکر نکرده بودند، گرد آورده و در پایان هر حدیث، این اصطلاح را به کار برده است: «هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین ولم یخرجاه؛ این حدیث بر مبنای شیخین (بخاری و مسلم) صحیح است، ولی آنان این حدیث را نقل نکرده‌اند». از جمله احادیثی که بر مبنای بخاری و مسلم در حدیث، صحیح بود و باید آنان بر مبنای خویش در نقل حدیث، آن را نقل می‌کردند، مربوط به امام مهدی علیه السلام می‌باشد که از باب نمونه به پنج روایت اشاره می‌کنیم: ۱. «المهدی منّا رجلٌ من أهل البيت». (۳۰) ۲. «نحن ولد عبد المطلب... والمهدی». (۳۱) ۳. «المهدی منی أجلی الجبهه أفنی الأنف». (۳۲) ۴. «... ثم یخرج رجل من عترتی». (۳۳) ۵. «إذا رأیتم الریایات السود فإنّ فیها خلیفه الله المهدی». (۳۴) د) بنابر نظر اهل سنت: صحیح ترمذی، سنن ابن ماجه و سنن ابوداود از صحاح سته‌اند. حال که احادیث مهدی علیه السلام در این کتاب‌ها آمده است، بنابراین، احادیث حضرت مهدی علیه السلام در صحاح اهل سنت آمده است. لزومی ندارد که حدیث حضرت مهدی علیه السلام در بقیه صحاح موجود باشد. مگر احادیث دیگر در همه کتاب‌های صحاح موجود است. ابن تیمیه که گستاخی‌های فراوانی نسبت به شیعه نموده است، درباره احادیث حضرت مهدی علیه السلام می‌نویسد: «إنّ الأحادیث التي یحتج بها علی خروج المهدیّ أحادیث صحیحه رواه أبوداود والترمذی وأحمد وغیرهم من حدیث ابن مسعود وغیره (۳۵)؛ روایاتی که بر خروج امام مهدی علیه السلام استدلال می‌شود، احادیثی هستند صحیح که ابوداود و ترمذی و احمد و غیر آنها از طریق ابن مسعود و دیگران آنها را نقل کرده‌اند». بخاری گرچه در صحیح خود، احادیث مهدی را نیاورده، اما در تاریخ خود، در چند مورد نام امام مهدی علیه السلام را ذکر کرده است. او در تاریخ خود، این حدیث را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «المهدی منّا أهل البيت» (۳۶). وی در همان کتاب به حدیث: «المهدی حق من ولد فاطمة» اشاره می‌کند. (۳۷)

چرا امام مهدی علیه السلام را بشناسیم؟ پاسخ به روایات بسیاری در کتاب‌های شیعه و اهل تسنن برخورد می‌کنیم که در آنها مسلمانان موظف شده‌اند تا امام زمان خود را بشناسند و از او پیروی بنمایند. بیشتر دانشمندان اهل سنت منظور از امام زمان در این روایات را خلفا و زمامداران دانسته‌اند. شیعه بر این باور است که منظور از امام زمان در روایات، امامان معصوم علیهم السلام هستند. بدین جهت شیعه لزوم شناخت مهدی را جزئی از همین شناخت کلی نسبت به دوازده امام می‌داند. سلمان فارسی گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: امامان پس از من، دوازده نفر هستند. همه آنها از قریش می‌باشند... بدانید که اینان عترت من هستند و از گوشت و خون من می‌باشند. چرا برخی از مردم مرا درباره آنان آزار می‌دهند؟ خداوند شفاعت مرا نصیب آنها نکند. (۳۸) امام حسن علیه السلام فرمود: امامان پس از رسول خدا، دوازده نفر هستند. نه نفر از آنها از نسل برادرم، حسین می‌باشند، مهدی این امت از آنهاست. (۳۹) پس از بیان اصل ضرورت وجود امامان، به بیان وظیفه مسلمانان در برابر آنها و اینکه چرا باید مسلمانان امام خویش را در هر زمانی بشناسند، می‌پردازیم. به چند دلیل باید امام مهدی علیه السلام را بشناسیم: الف. جلوگیری از انحراف و گمراهی ضرورت شناخت حضرت مهدی - ارواحنا فداه - وقتی احساس می‌شود که انسان‌ها در اثر فاصله گرفتن از امام خود، به فساد و گمراهی کشیده شوند که برای رهایی از این دام خطرناک، راهی جز پیروی از امام نخواهد بود. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «امام، حجّت بندگان است، هر که او را رها کند، گمراه می‌شود و هر که همراه او باشد، نجات می‌یابد و رستگار می‌شود». (۴۰) ابوجعفر عمری، اولین نایب امام زمان علیه السلام به ابوعلی محمد بن همام این گونه نوشته است: «اللهم عرّفنی نفسک، فإنّک إن لم تعرّفنی نفسک لم أعرف رسولک. اللهم عرّفنی رسولک، فإنّک إن لم تعرّفنی رسولک لم أعرف حجّتک، اللهم عرّفنی حجّتک، فإنّک إن لم تعرّفنی حجّتک ضللت عن دینی؛ خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر خود را به من نشناسانی، رسولت را نخواهم شناخت. خدایا! رسولت را به من بشناسان و گرنه حجّتت را نخواهم شناخت. خدایا! حجّتت را به من بشناسان و گرنه، از دین خود گمراه خواهم شد». (۴۱) ب. جلوگیری از بطلان عمل (قبولی اعمال) پذیرش و قبولی اعمال و جلوگیری از بطلان عمل، در گرو پذیرفتن ولایت امامان معصوم علیهم السلام است. امام باقر علیه السلام به زراره فرمود: «اسلام بر پنج چیز بنا نهاده شده: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت». زراره می‌گوید عرض کردم: کدام یک از آنها برتر است؟ امام علیه السلام فرمود: «ولایت؛ زیرا کلید و حاکم و راهنمای آنها است. اگر مردی شب تا صبح را به نماز و روز خود را به روزه سپری کند و تمام ثروت خود را صدقه بدهد و همه ساله به حج برود، اما ولی خدا را نشناخته باشد تا از او پیروی نماید، و تمام کارهایش به راهنمایی او نباشد، هرگز نزد خداوند اجر و ثوابی ندارد و از اهل ایمان نخواهد بود». (۴۲) ج. رسیدن به حیات معنوی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ای مردم! هر که بخواهد در زندگی همانند من باشد و مانند من بمیرد، ولایت علی علیه السلام را بپذیرد و از امامان پس از او پیروی کند». (۴۳) د. برای فرار از مرگ جاهلیت در روایاتی که مورد پذیرش شیعه و اهل سنت است، تصریح شده که هر کس امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت از دنیا می‌رود. امام باقر علیه السلام نیز فرمود: «هر کس بمیرد و امامی نداشته باشد، مرگ او مرگ جاهلیت است و هیچ کس در این جهت معذور نیست تا امام خود را بشناسد». (۴۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من أنکر من القائم ولدی فی زمان غیبه فمات، فقد مات میتة جاهلیة» (۴۵)؛ هر کس منکر قائم از فرزندانم در زمان غیبتش بشود و در همان حال بمیرد، قطعاً به مرگ جاهلیت مرده است». منظور از مرگ جاهلیت این است که آنها نیز همانند افرادی که پیش از اسلام در حال شرک و کفر مُردند، می‌میرند.

بخش دوم: میلاد منجی بشریت

خلفای عباسی همانند فرعونیان، برای جلوگیری از ولادت منجی جهان، به تلاش‌های گسترده‌ای دست زدند، از جمله اینکه امام حسن عسکری علیه السلام را به زندان انداختند. آن حضرت بیشترین روزهای دوران امامت خویش را در زندان خلفای جور عباسی به سر برد. گاهی خلفای بنی عباس دست به اقدام‌های خطرناکی علیه امام حسن عسکری علیه السلام می‌زدند، اما حوادثی پیش می‌آمد که آنها را از کشتن امام منصرف می‌کرد. تمام تلاش‌های مذبحانه آنان بی‌نتیجه ماند و سرانجام منجی جهان در روز نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه.ق در شرایطی بسیار حساس پا به صحنه گیتی نهاد و دنیا را به نور جمالش روشن ساخت. نامش، نام مبارک حضرت محمدصلی الله علیه وآله و کنیه‌اش هم کنیه اوست. بقیة الله، حجة الله، مهدی و قائم آل محمد از لقب‌های منجی جهان است. امام حسن عسکری علیه السلام برای حفظ جان فرزندش، او را از دید جاسوسان حکومت پنهان نگه می‌داشت. گاهی حضرت مهدی علیه السلام به دستور پدر در جلسات وی حاضر می‌گشت و لب به سخن می‌گشود، تا شیعیان بدانند که دوازدهمین امام به دنیا آمده است. به اعتقاد تمام دانشمندان شیعه و بسیاری از دانشمندان سنی، حضرت مهدی علیه السلام به دنیا آمده و هم‌اکنون در پس پرده غیبت است. این غیبت با رحلت پدر بزرگوارش در سال ۲۶۰ ه.ق آغاز گردید و هم‌اکنون ادامه دارد.

پرسش ۶

آیا به نظر اهل سنت، امام مهدی علیه السلام متولد شده است؟ پاسخ در مورد ولادت امام عصر - ارواحنا له الفداء - بین اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد. گروهی از آنها با نظر شیعه موافقت و اعتقاد دارند که امام مهدی علیه السلام فرزند امام عسکری علیه السلام است و سال ۲۵۵ ه.ق در سامراء متولد شده است. این گروه از علمای سنی که تعداد آنها کم نیست، تصریح کرده‌اند که حضرت مهدی علیه السلام متولد شده است. چون ذکر نام آنها و ایراد بخشی از گفته‌هایشان در این باره، از حوصله این کتاب بیرون است، به ذکر چند نمونه از سخنان آنان بسنده می‌کنیم: ۱. ابن الصباغ مالکی در الفصول المهمة می‌نویسد: «ابوالقاسم محمد بن الحسن در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه.ق در شهر «سر من رأی» به دنیا آمد». (۴۶) او درباره علت پنهان نگه داشتن تولد امام از عموم مردم، می‌نویسد: «ابومحمد، فرزندش حجّت قائم منتظر را برای بنیان‌گذاری حکومت حق جانشین خویش ساخت و میلادش را از مردمان مخفی و امرش را پوشیده ساخت؛ چون شرایط زمان و ترس از سلطان و دستگیری شیعیان و حبس و زجر آنان، چنین اقتضا می‌کرد». (۴۷) ۲. گنجی شافعی در البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام، ضمن آنکه تولد امام مهدی علیه السلام را مسلم دانسته است، برای پاسخ‌گویی به شبهات کسانی که منکر زنده بودن آن حضرت شده‌اند، در کتاب خود فصلی گشوده است با عنوان (مهدی از هنگام غیبتش تاکنون زنده است) و با دلیل‌های شیوا، سخنان افرادی که منکر زنده بودن حضرت مهدی علیه السلام هستند، را رد کرده است. وی می‌نویسد: «چه امتناعی از زنده بودن مهدی وجود دارد، در حالی که عیسی و یاس و خضر که از اولیای خدا هستند، هنوز زنده می‌باشند و دجال و ابلیس که از دشمنان خدا می‌باشند، هنوز زنده می‌باشند؟! چه شده است که بر زنده بودن آنها اتفاق نظر دارند، اما زنده بودن مهدی را منکرند؟! من به گونه‌ای زنده بودن هر یک از آنان را بیان می‌کنم که برای هیچ عاقلی جای انکار زنده بودن مهدی باقی نماند». (۴۸) ۳. سبط ابن الجوزی حنفی در تذکره الخواص می‌نویسد: «از جمله اولاد او (امام حسن عسکری علیه السلام) محمد است، او محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب - علیهم السلام - و کنیه‌اش ابو عبد الله و ابوالقاسم است و او جانشین امام، صاحب الزمان علیه السلام، قائم و آخر است و او آخر امامان می‌باشد». (۴۹) مرحوم آیت الله شیخ محمد رضا طوسی - پدر نگارنده - پس از آنکه نام چهل نفر از بزرگان اهل سنت را بنابر نقل کشف الأستار - نوشته محدث نوری رحمه الله - یادآوری می‌کند، می‌فرماید: «من نیز پس از تتبع در کتاب‌های آنها، بر نام بیست نفر دیگر دست یافتم که همه آنها قائل به ولادت امام مهدی علیه السلام هستند. این افراد عبارتند از: ۱. مولی حسین کاشفی در روضه الأحاب ۲. ابن خلکان در تاریخ خود ۳. حافظ بیهقی شافعی در شعب الإیمان ۴.

سید احمد زینی دحلان در الفتوحات الإسلامیه ۵. ابن حجر در الصواعق المحرقة ۶. ابن الاثیر در الکامل فی التاریخ ۷. ابوالفداء در تاریخ خود ۸. احمد نگری در دستور العلماء ۹. یاقوت حموی در معجم البلدان ۱۰. شبرای در الاتحاف بحب الأشراف ۱۱. حمزوی در مشارق الأنوار ۱۲. ذهبی در دول الإسلام ۱۳. یافعی در مرآة الجنان ۱۴. شیخ عبد الوهاب در کشف الغمّه ۱۵. ابن سعد در الطبقات الكبرى ۱۶. شمس الدین قاضی مالکی در تاریخ الخمیس ۱۷. ملّا علی متقی در البرهان ۱۸. جمال الدین در روضه الأحاب ۱۹. قرمانی در اخبار الدول ۲۰. علامه ابن الصبان در اسعاف الراغیین (۵۰) با این بیان، روشن شد که ولادت مهدی آل محمّد علیهم السلام از قطعیات تاریخ است، و شیعه و سنی تاریخ دقیق میلاد مسعود آن حضرت را بیان کرده‌اند. گروهی از دانشمندان اهل سنت بر این باورند که امام مهدی علیه السلام هنوز متولّد نشده است و در آخر الزمان به دنیا می‌آید. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه خویش در شرح فرمایش علی علیه السلام که می‌فرماید: «بأبی ابن خیرة الإمام» می‌نویسد: «امامیه گمان می‌برند منظور کلام حضرت، امام دوازدهم آنهاست که فرزند کنیزی به نام نرگس است، ولی اصحاب ما گمان دارند که وی مردی فاطمی است و در آینده از کنیزی متولّد می‌شود. او خواهد آمد و زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود، پس از آنکه پر از ستم شده باشد. او از ستمگران انتقام می‌گیرد و آنها را به شدیدترین عقوبت‌ها می‌رساند.» (۵۱) گرچه این اولین و آخرین لغزشی نیست که از ابن ابی الحدید سر زده است؛ زیرا وی در بسیاری از مسائل دچار شک و تردید گشته و بر خلاف واقع و نظر اکثر دانشمندان، اظهار نظر کرده است، کجاست آن کنیزی که حضرت مهدی علیه السلام از او متولّد می‌شود؟! در حال حاضر کنیز از کجا پیدا می‌شود، چه رسد به زمان آینده؟! از سوی دیگر، چگونه ممکن است آن همه روایات که به اتفاق شیعه و سنی، درباره مهدی علیه السلام وارد شده است، به شخص گمنامی که معلوم نیست فرزند کیست و در چه زمانی متولّد می‌شود، منطبق کنیم و به گفته گنجی شافعی: «به سبب اینکه از طول عمر آن حضرت فرار کرده باشیم، اصل ولادت امام را منکر شویم؟!».

پرسش ۷

آیا کسی امام زمان علیه السلام را در دوران کودکی اش دیده؟ پاسخ افراد زیادی امام زمان علیه السلام را پیش از غیبت آن حضرت، دیده‌اند. این عدّه به حدّی زیاد هستند که مرحوم سید هاشم بحرانی را واداشت تا کتابی در این باره به نام «تبصرة الولیّ فیمن رأى القائم المهدیّ» بنگارد. در اینجا به ذکر نام برخی از آنان بسنده می‌کنیم: ۱ - حکیمه حکیمه دختر امام جواد و عمّه امام حسن عسکری علیهما السلام در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه. ق در خانه امام بود و هنگام تولّد حضرت مهدی علیه السلام حضور داشت و چشمش به جمال دلربای او افتاد. (۵۲) ۲ - احمد بن اسحاق وی می‌گوید: روزی به خدمت امام عسکری علیه السلام رسیدم، قصد داشتم از جانشینش پرسم. آن حضرت پیش از آنکه در این باره از او سؤال کنم، فرمود: «ای احمد بن اسحاق! خداوند متعال از هنگامی که آدم را آفرید تا روز قیامت، هرگز زمین را از حجّت خالی نگذاشته و نمی‌گذارد. به برکت وجود مقدّس امام و حجّت است که بلاها از زمین بیرون می‌رود و باران می‌بارد...». احمد بن اسحاق می‌گوید: عرض کردم: یا بن رسول الله! امام و جانشین شما کیست؟ آن حضرت داخل اتاق شد، سپس در حالی که کودک سه ساله‌ای را که همانند ماه شب چهارده بود و او را بر شانه گرفته بود، خارج شد و فرمود: «احمد! اگر تو نزد خدا و امامان، گرامی نبودی، هرگز فرزندم را به تو نشان نمی‌دادم.» (۵۳) ۳ - یعقوب بن منقوش وی می‌گوید: خدمت ابومحمّد حسن بن علی عسکری علیه السلام رسیدم. آن حضرت بر سکوی خانه نشسته بود و در سمت راست وی اتاقی بود که پرده‌ای آن را پوشانده بود. به حضرت عرض کردم: مولای من! وارث امامت شما کیست؟ امام فرمود: پرده را کنار بزن. یعقوب بن منقوش می‌گوید: «آن را کنار زدم. نوجوانی به قامت پنج و جب که حدود هشت یا ده سال بود، بیرون آمد. او پیشانی درخشان، چهره‌ای نورانی، چشمانی براق، کتف‌های ستبر، زانوهای برگشته، خالی بر گونه راست و گیسوانی مجعد داشت. کودک آمد و روی زانوی ابومحمد نشست. آن حضرت به من فرمود: این پیشوا و امام شماست...» (۵۴) ۴ - نسیم،

خدمتکار امام حسن عسکری علیه السلام ۵ - ماریه، خدمتکار امام حسن عسکری علیه السلام ۶ - ابوغانم، پیشکار امام حسن عسکری علیه السلام ۷ - ابوعلی خیزرانی ۸ - حسن بن منذر ۹ - معاویه بن حکیم ۱۰ - کامل بن ابراهیم ۱۱ - سعد بن عبد الله اشعری (۵۵) / امام حسن عسکری علیه السلام در یکی از روزهای ملاقات با مردم، فرزند خود را به چهل نفر که به دیدارش آمده بودند، نشان داد. (۵۶)

پرسش ۸

چرا امام حسن عسکری علیه السلام فرزندش را از مردم پنهان کرد؟ پاسخ خلفای عباسی، به ویژه معتز و مهدی و معتمد، از میلاد فرزندى که بنیان ستم را ویران خواهد کرد، بر حکومت خود بیمناک و هراسان بودند. آنان به شدت امام حسن عسکری علیه السلام را زیر نظر قرار داده بودند. از این رو، همان کاری را کردند که فرعون برای جلوگیری از تولد موسی علیه السلام انجام داد. آنان مزدوران خود را می‌گماردند تا خانه‌های بنی هاشم، به ویژه خانه امام حسن عسکری علیه السلام را زیر نظر داشته باشند. خلفای عباسی تلاش فراوان نمودند تا امام حسن عسکری علیه السلام را به قتل برسانند. خلفای عباسی بارها سعی کردند حضرت مهدی علیه السلام را پیدا کنند و به قتل برسانند. اینکه به چند نمونه از این اقدامات اشاره می‌کنیم: ۱ - تلاش برای کشتن امام حسن عسکری علیه السلام هنگامی که حضرت حجت علیه السلام متولد گردید، امام عسکری علیه السلام فرمود: «ستمکاران پنداشتند مرا می‌کشند و نسل امامت را قطع می‌کنند. آنها قدرت خداوند را چگونه یافته‌اند؟!». (۵۷) ۲ - بازرسی خانه امام حسن عسکری علیه السلام هنوز لحظاتی از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام نگذشته بود که خانه آن حضرت از طرف معتمد عباسی به محاصره درآمد. مأموران حکومت به بازرسی دقیق خانه امام علیه السلام و جستجوی فرزندش پرداختند. آنان زنان قابله را احضار نمودند تا کنیزان باردار را بیابند. قابله‌ای گفت: فلان کنیز باردار است. کنیز را در اتاقی بازداشت کردند و نگهبانان مسلح از زنان را مأمور کردند تا هنگام زایمان آن کنیز، مراقب او باشند. (۵۸) ۳ - گزارش جعفر و دستگیری صیقل پس از گزارش جعفر، مبنی بر اینکه فرزند خردسالی در خانه امام حسن عسکری علیه السلام وجود دارد. بار دیگر معتمد برآشفست و خدمت گزاران خود را فرستاد که صیقل، کنیز امام حسن عسکری علیه السلام را پیدا کنند و از او بخواهند تا طفل را به آنها نشان دهد. صیقل وجود چنان فرزندى را انکار کرد. او برای آنکه وجود مقدس امام عصر - ارواحنا فداه - را از گزند خطر برهاند، به آنان گفت: من از امام حسن عسکری علیه السلام باردارم. آنان تصمیم گرفتند صیقل را در خانه‌ای زندانی کنند تا فرزندش را به دنیا بیاورد، تا پس از ولادت او را بکشند، ناگاه با مرگ عبد الله بن یحیی، وزیر خلیفه مواجه شدند. از طرفی، صاحب الزنج در بصره خروج کرد و اوضاع مملکت برآشفست. صیقل از این موقعیت استفاده کرد و به خانه خود بازگشت. (۵۹) ۴ - اعزام نیرو برای کشتن امام زمان علیه السلام رشیق می‌گوید: معتضد، خلیفه عباسی مرا همراه دو نفر دیگر احضار کرد و به ما دستور داد تا هر یک، دو اسب با خود برداریم و به سرعت، به سامرا برویم. او نشانی خانه امام حسن عسکری علیه السلام را به ما داد و گفت: وقتی که به در خانه می‌رسید، غلام سیاهی آنجا نشسته است. داخل خانه شوید و هر که را در آنجا دیدید، سر او را برای من بیاورید. رشیق می‌گوید: به دنبال دستور او، راهی شهر سامرا شدیم. چون به خانه امام حسن عسکری علیه السلام رسیدیم، غلام سیاهی در دهلیز خانه نشسته بود. از او پرسیدم: آیا کسی در این خانه هست؟ گفت: صاحبش، و دیگر هیچ اعتنایی به ما نمود. چون داخل خانه شدیم، از تمیز بودن آن بسیار در شگفت ماندیم و به روی خود، پرده‌ای را آویزان دیدیم که هرگز شبیه و مانندش تاکنون ندیده بودیم، پرده را کنار زدیم. حجره بزرگی در نظرمان جلوه کرد. دریایی آبی در میان حجره نمایان بود و در منتهای حجره، حصیری روی آب گسترده و بر روی آن حصیر، مردی مشغول نماز بود و هیچ توجهی به ما نمی‌کرد. احمد بن عبد الله به قصد انجام مأموریت، پا در حجره گذاشت که در آب فرو رفت و پس از دست و پا زدن زیاد، دست دراز کرد و ما او را از آب بیرون کشیدیم که ناگاه از هوش

رفت و پس از ساعتی به هوش آمد. همسفر ما تصمیم گرفت پیش رود، که حالش همانند احمد بن عبد الله شد. به ناچار، زبان عذرخواهی را گشوده، گفتیم: از خدا و از تو ای مقرب در گاه خدا! معذرت می‌خواهم، به خدا سوگند! نمی‌دانستیم که نزد چه کسی می‌آییم و اکنون توبه می‌کنیم. او به سخنان ما توجهی ننمود و مشغول خواندن نماز شد. چون چنین دیدیم، به طرف معتضد برگشتیم. معتضد به نگهبانان سپرده بود که هر وقت ما برگشتیم، از ورودمان جلوگیری نکنند. نیمه شب بود که نزد معتضد رفتیم و ماجرا را گفتیم. او از ما پرسید: آیا پیش از آنکه به اینجا برسید، با فرد دیگری در این باره صحبت کرده‌اید؟ گفتیم: نه. معتضد گفت: اگر کسی از این ماجرا باخبر شود، همه شما را خواهم کشت. از این رو، ما از ترس کشته شدن، تا او زنده بود، جرأت نداشتیم این ماجرا را نقل کنیم. (۶۰) امام صادق علیه السلام به گروهی که به ملاقاتش رفته بودند، چنین فرمود: «بنی امیه و بنی عباس وقتی فهمیدند زوال ملکشان به دست توانای قائم ما خواهد بود، با ما دشمنی نموده و شمشیرهای خود را برای کشتن ما به کار بردند.» (۶۱)

پرسش ۹

آیا در زمان غیبت می‌توان حضرت مهدی علیه السلام را دید؟ پاسخ آری... امام زمان علیه السلام روی همین کره خاکی زندگی می‌کند و در بین همین مردم است. مردم او را می‌بینند، اما او را نمی‌شناسند. تنها پارسایان می‌توانند امام زمان علیه السلام را بشناسند. گاه نیز حضرت مهدی علیه السلام خود را به کسی که او را دیده است، معرفی می‌کند. علی بن مهزیار، اسماعیل هرقلی، محمّد بن عیسی بحرینی، مقدّس اردبیلی، علامه بحر العلوم و ده‌ها نفر دیگر از پارسایان، به صراحت گفته‌اند، که به خدمت امام زمان علیه السلام رسیده‌اند. آنان مطالبی نیز از آن حضرت نقل کرده‌اند. (۶۲) اگر فرضاً در بخشی از این ملاقات‌ها تردید کنیم. در همه آنها که نمی‌توان تردید کرد. امام زمان علیه السلام در پایان غیبت صغری، نامه‌ای به آخرین نایب خود، علی بن محمد سمری نوشت و او را از سپری شدن روزهای آخر عمرش باخبر ساخت و به وی دستور داد که هرگز فردی را پس از خود به عنوان نایب تعیین نکند؛ زیرا غیبت کبری شروع خواهد شد. در بخشی از آن نامه آمده است: «وسیّاتی من شیعی من یدعی المشاهده، ألا فمن ادعی المشاهده قبل خروج السفیانی والصحیّه، فهو کذاب مفتر (۶۳)؛ و به زودی برخی از شیعیان من می‌آیند که ادعای مشاهده مرا می‌نمایند. آگاه باشید! هر کس پیش از خروج سفیانی و رسیدن به صحیحه آسمانی، ادعای مشاهده نماید، دروغگو و افترا زننده است.» علامه مجلسی رحمه الله می‌نویسد: «شاید مراد امام زمان علیه السلام این باشد که کسی نمی‌تواند به عنوان نایب خاص، آن حضرت را ملاقات کند.» (۶۴) شاید حضرت مهدی علیه السلام با این نامه می‌خواست جلوی توطئه دشمنان را بگیرد که بعدها افرادی بازی خورده به بهانه اینکه خدمت امام زمان علیه السلام رسیده‌اند و آن حضرت دستورهایی به آنان داده و معارفی برای آنان گفته است، احکام خدا را نابد کنند.

پرسش ۱۰

آیا می‌توان امام زمان علیه السلام را در خواب دید؟ پاسخ در پاسخ باید گفت که نه تنها چنین چیزی ممکن است، بلکه واقعیت هم دارد؛ چرا که شیطان هرگز به صورت پیامبر و معصومان - علیهم السلام - در نمی‌آید. و دلیل آن وجود روایات و خواب‌هایی است که یاران پیامبر و معصومان - علیهم السلام - پس از شهادتشان آنها را در خواب دیده‌اند و پس از بازگویی خدمت امام دیگر، مورد تأیید قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام در تأیید این گونه خواب‌ها فرموده است: «پدرم از جدّم از پدرش از رسول خدا - علیهم السلام - نقل کرده که فرمود: من رآنی فی منامه، فقد رآنی، فإنّ الشیطان لا- یتمثّل فی صورتی ولا فی صورۀ أحدٍ من أوصیائی ولا- فی صورۀ أحدٍ من شیعتهم؛ هر کس مرا در خواب ببیند، به یقین مرا دیده است؛ زیرا شیطان نه بصورت من و نه به

صورت یکی از اوصیای من و نه به صورت یکی از پیروان آنان ظاهر می‌شود». (۶۵) علامه مجلسی رحمه الله در شرح و تفسیر این حدیث می‌فرماید: «و این خبر دلالت دارد که هرگز شیطان به صورت پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام، بلکه در صورت و شکل آنها ظاهر نمی‌گردد. سپس اضافه می‌کند که شاید مراد از شیعیان همان شیعیان و پیروان خالص آنها، همانند، سلمان و ابوذر... باشد». (۶۶) شیخ صدوق رحمه الله می‌نویسد: «در اخبار صحیحه از ائمه ما - علیهم السلام - روایت شده هر فردی پیامبر یا یکی از امامان را در خواب ببیند که وارد شهر یا روستایی شده است، ورود آنها امتیث آن شهر و روستا را از آنچه که از آن می‌ترسند، در پی خواهد داشت، و همچنین به آرزوهایشان خواهند رسید». (۶۷) آیا خواب غیر معصوم حجت است؟ در پرسش و پاسخ پیشین روشن شد که امکان دیدن رسول خدا و یا یکی از معصومین علیهم السلام در خواب وجود دارد، با این بیان اگر کسی پیامبر یا امام را در خواب دید و سخنی و یا حکم و یا دستوری به او داد، آیا لازم الاجرا است یا نه؟ پاسخ می‌دهیم: این احکام نسبت به خود پیامبر و امام لازم الاجرا است اما نسبت به غیر معصوم حجت نیست و لازم الاجرا نبوده است. از باب مثال عرض می‌کنیم: قرآن مجید خواب حضرت ابراهیم علیه السلام را بیان می‌کند که وی خواب دیده فرزند خود اسماعیل را ذبح می‌کند، به فردای آن روز دست به چنین کاری می‌زند، که خداوند قوچ بزرگی را برای پیامبرش فرستاده تا آن قوچ را به جای فرزندش ذبح کند. و یا اینکه امام حسین علیه السلام به عبد الله بن جعفر که تلاش زیادی برای بازگشت امام حسین علیه السلام می‌کرد، فرمود: «اِنِّی رأیت رسول الله فی منامی و امری بأمراً لا بدّ أن أنتهی إلیه؛ همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم، مرا دستوری داد که در حال انجام آن مأموریت هستم». عبد الله پرسید: آن خواب چیست؟ حضرت فرمود: «تاکنون آن را برای کسی نگفته‌ام و از این پس هم برای کسی نخواهم گفت، تا خدای را ملاقات کنم». (۶۸) و با این بیان می‌توان گفت: خواب معصوم حجت است و اگر پیامی در خواب داشته باشد، به آن عمل خواهد کرد. اما نسبت به غیر معصوم که هر یک از ما مردم را شامل خواهد شد، خواب حجت نبوده و اگر پیامی در او باشد، لازم الاجرا نمی‌باشد.

بخش سوم: راز طول عمر

مقدمه

بر اساس روایات صحیح، امام عصر - ارواحنا له الفداء - در سال ۲۵۵ ه. ق متولد شد. بنابراین اکنون ۱۱۶۶ سال از عمر شریف و پر برکت آن حضرت می‌گذرد. عمر طولانی ایشان موجب شده که سؤالاتی در ذهن برخی به وجود بیاید که آیا چنین عمر طولانی‌ای ممکن است؟ و آیا در بین پیامبران و سایر مردم سابقه دارد یا نه؟ این بخش به سؤالات فوق پاسخ می‌دهد.

پرسش ۱۱

مگر ممکن است انسانی این اندازه عمر کند؟ پاسخ عمر طولانی محال نیست، غیر عادی است. غیر عادی به حوادثی گفته می‌شود که وقوعش محال نیست، اما بسیار کم اتفاق می‌افتد. شفای بیماران صعب‌العلاج به وسیله دعا و توسل به امام معصوم، یا سقوط یک انسان از نقطه بسیار بلند و آسیب ندیدن وی را نمی‌توان محال پنداشت. طولانی بودن عمر امام زمان علیه السلام نیز محال نیست، ولی غیر عادی است؛ همان‌گونه که معجزات پیامبران و کرامات امامان معصوم علیهم السلام غیر عادی‌اند. علم پزشکی هنوز نتوانسته است راز مرگ را کشف کند و یا عمر طولانی را نفی کند. عقل بشری نمی‌تواند زمانی برای عمر انسان معین کند. امروز دانشمندان غرب به این نکته پی برده‌اند که بشر ممکن است صدها سال عمر کند. دکتر گیلورد امریکایی می‌نویسد: «امروز علم پزشکی به کمک علم تغذیه، قیود و حدود عمر را از سر راه بشر برداشته و امروز برخلاف اجداد و پدرانمان، می‌توانیم امیدوار باشیم

که می‌توانیم عمر طولانی بکنیم» (۶۹) همچنین دکتر ژرژ - که از اساتید دانشگاه هال در آلمان است - یک گیاه را - که آن را در زبان لاتین «سپروولنیا مسکتا» می‌نامند و این گیاه بر پشت مگس‌های آبی می‌روید و بیش از دو هفته عمر نمی‌کند. - مورد آزمایش قرار داد و آن را در شرایط خاصی پرورش داد تا بالاخره عمر این گیاه را که دو هفته بیش نبود، به شش سال رسانید. این آزمایش مانند آن است که ما عمر انسانی را از وضع کنونی به ۱۰۹۲۰ سال برسانیم. (۷۰) اکنون به محضر قرآن می‌رویم و آیاتی از آن را درباره عمر طولانی ذکر می‌کنیم: ۰۱ خداوند به شیطان فرمود: «فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» (۷۱)؛ تو از مهلت یافته‌گانی تا روز و وقت معینی. بنابراین شیطان که پیش از انسان آفریده شد، اکنون زنده است. ۰۲ قرآن درباره حضرت نوح علیه السلام می‌فرماید: «فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا» (۷۲)؛ و او در میان آنان ۹۵۰ سال درنگ کرد. حضرت نوح علیه السلام ۹۵۰ سال به ارشاد قوم خود پرداخت. بنابراین، عمر او بیش از این است. ۰۳ قرآن مجید درباره حضرت یونس علیه السلام می‌فرماید: «فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ * لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (۷۳)؛ اگر یونس از جمله تسبیح‌کنندگان نبود، تا روز قیامت در شکم آن ماهی گرفتار می‌شد. با توجه به اینکه زمان روز قیامت برای کسی روشن نیست، معلوم می‌شود که مسئله طول عمر از نظر قرآن پذیرفته شده است.

پرسش ۱۲

آیا طول عمر، پیش از امام زمان علیه السلام سابقه داشت؟ پاسخ مسئله طول عمر یکی از مسلمات تاریخ بشری است. در کتاب‌ها به نام‌های افراد بسیاری برخورد می‌کنیم که عمری بسیار طولانی داشته‌اند. طول عمر اختصاص به نیکان ندارد. بسیاری از ستمگران نیز عمر طولانی داشته‌اند. شداد بن عاد حدود ۹۰۰ سال عمر کرد. عمر بن عامر، زهیر بن عباب، ابن هبل بن عبد الله، مستوعر بن ربیع، درید بن زید، و قس بن ساعده، به ترتیب ۸۰۰، ۳۰۰، ۶۰۰، ۳۳۰، ۴۵۰ و ۶۰۰ سال عمر کردند. (۷۴) در بین صالحان پیش از اسلام، لقمان بن عاد ۳۵۰۰ سال عمر کرد. (۷۵) و در بین صالحان پس از اسلام، علی بن عثمان (ابن ابی‌الدنیا) ۳۰۹ سال عمر کرد. مسئله طول عمر در بین پیامبران آسمانی، امری طبیعی و بسیار عادی بود، چنان‌که در بسیاری از روایات بدان اشاره شده است. حضرت نوح علیه السلام ۱۰۰۰ - ۱۴۰۰ یا ۱۴۵۰ یا ۱۴۷۰ یا ۲۳۰۰ یا ۲۵۰۰ - سال عمر کرد. قرآن تصریح کرده است که آن حضرت ۹۵۰ سال به ارشاد قوم خود مشغول بود. این عمر طولانی برای پیامبران دیگر نیز به اثبات رسیده است، مثلاً حضرت آدم ۹۳۰ سال، حضرت سلیمان ۷۱۲ - یا ۱۰۰۰ سال - شیث ۹۲۰ سال و هود ۶۷۰ سال عمر کرد - صلوات الله علیهم أجمعین - . برخی پیامبران مانند الیاس، ادریس، عیسی و خضر - علیهم السلام - تاکنون زنده هستند و هزاران سال از عمر شریفشان می‌گذرد. (۷۶) بنابراین، مسئله طول عمر انسان‌ها امری طبیعی است و اختصاص به گروهی خاص ندارد. برخی از بزرگان از جمله آیت الله شیخ محمد رضا طبسی (پدر نگارنده) کتاب‌هایی در این باره نوشته‌اند.

بخش چهارم: فلسفه غیبت

مقدمه

خداوند بنا بر علت‌ها و مصلحت‌هایی که خود می‌داند و بسیاری از آنها بر ما پوشیده است، آخرین ذخیره خود را در پس پرده غیبت نگه داشته است، تا روزی حکومت این جهان را در اختیارش قرار دهد و او را وارث زمین گرداند. برخی می‌پرسند: علل این غیبت چیست؟ آیا پیش از امام زمان علیه السلام، چنین اتفاقاتی رخ داده است؟ معنای انتظار فرج که در روایات به آن اشاره شده است، چیست؟ آثار آن چیست؟ در این بخش، به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهیم:

پرسش ۱۳

آیا چنین غیبتی پیش از امام زمان علیه السلام وجود داشته؟ پاسخ مسئله غیبت یکی از اسرار الهی است و اختصاص به حضرت حجت علیه السلام ندارد. برخی از پیامبران آسمانی نیز غیبت داشتند. آدم ابوالبشر، نوح، ادریس، صالح، ابراهیم، یوسف، موسی، شعیب، اسماعیل، الیاس، سلیمان، لوط، دانیال، عزیر، عیسی، و پیامبر بزرگوار اسلام - صلوات الله علیهم اجمعین - غیبت‌های کوتاه مدتی داشتند. برخی نیز اکنون در پس پرده غیبت به سر می‌برند. صالح علیه السلام مدتی از قوم خود غایب شد. پس از بازگشت آن حضرت، مردم سه دسته شدند: گروهی منکر (پیامبری) او شدند. گروهی در شک و تردید به سر بردند. گروهی نیز به عهد و پیمان خود وفادار ماندند. ادریس علیه السلام پس از بیست سال مبارزه با طاغوت زمان خود، از دید پیروان خود غایب شد. او پیش از غیبت، به ده نفر که پیرو او بودند، فرمود: «نفرین کرده‌ام که بر این شهر باران نبارد. شما از اینجا بیرون بروید». الیاس علیه السلام هفت سال به بیابان‌ها و دشت‌ها رفت و از قوم خود پنهان شد. موسی علیه السلام بیست و هشت سال و نیز دانیال علیه السلام نود سال غایب گشتند. (۷۷)

پرسش ۱۴

فلسفه غیبت امام زمان علیه السلام چیست؟ پاسخ مسئله غیبت امام زمان علیه السلام یکی از اسرار الهی است که تاکنون کسی جز معصومین علیهم السلام نتوانسته است به راز آن پی ببرد. دانش بشر توان پی بردن به رازهای آفرینش هستی را ندارد. از این رو از هنگامی که مسئله غیبت مطرح گردید، با اینکه هنوز حضرت مهدی علیه السلام متولد نشده بود، مردم در این باره سؤال‌های زیادی از پیامبر و معصومین - علیهم السلام - نمودند، اما هرگز به علت آن پی نبردند؛ چون آنها اجازه افشای این راز را نداشتند. عبد الله بن فضل هاشمی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «به ناچار، برای صاحب این امر غیبتی خواهد بود که هر انسان بی ایمانی به شک و تردید خواهد افتاد». عرض کردم: فدایت کردم! برای چه؟ حضرت فرمود: «به جهت امری که اجازه افشای آن را ندارم». عرض کردم: حکمت این غیبت چیست؟ فرمود: «حکمت غیبت همان است که در غیبت‌های گذشته رخ داده است». سپس افزود: «این راز هرگز روشن نمی‌گردد، مگر پس از ظهور؛ همان گونه که حکمت سوراخ شدن کشتی و کشته شدن آن کودک و ساخته شدن دیوار به دست خضر علیه السلام برای موسی علیه السلام روشن نشد، مگر پس از جدایی آن دو یار همسفر. ای فضل! این امری از سوی خدا، سرّی از اسرار الهی و رازی است از رازهای پنهان پروردگار. اگر خداوند را حکیم بدانیم، گواهی می‌دهیم که تمام کارهایش از روی حکمت است؛ اگر چه حکمتش برای ما روشن نباشد». (۷۸) با اینکه معصومین علیهم السلام مأمور نبودند که مردم را به علت اصلی غیبت آگاه سازند. اما گاهی به برخی از حکمت‌های غیبت اشاره نموده‌اند، که به چند نمونه بسنده می‌کنیم: ۱ - جاری شدن سنت‌های پیامبران در او خداوند نسبت به پیامبران، سنت‌هایی برقرار کرده بود که می‌بایست شبیه آنها در مورد قائم آل محمد علیهم السلام نیز جاری شود. یکی از سنت‌ها، مسئله غیبت پیامبران بود. می‌بایست پیامبران به امر خداوند، بنابر علت‌ها و مصلحت‌هایی، مدتی از مردم فاصله بگیرند. این غیبت‌ها گاهی کوتاه مدت و گاهی طولانی بود، در امت اسلامی این مسئله به امام زمان علیه السلام اختصاص یافت. سدید صیرفی می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «برای قائم ما دو غیبت می‌باشد که زمانش به طول می‌انجامد». صیرفی می‌گوید: عرض کردم: چرا؟ آن حضرت فرمود: «خواست خدا چنین است که سنت‌های سایر پیامبران نسبت به غیبتشان درباره او اجرا شود... خداوند می‌فرماید: «الترکبن طبقاً عن طبق» (۷۹)؛ همه شما پیوسته از حالی به حالی دیگر منتقل می‌شوید (تا به کمال برسید). آنچه که بر سر امت‌های پیشین آمده است، بر سر این امت نیز خواهد آمد و این سنت تغییرناپذیر است». (۸۰) ۲ - امتحان شیعیان شاید یکی از مهم‌ترین حکمت‌های غیبت امام عصر - ارواحنا له

الفداء - این باشد که شیعیان می‌بایست در دوران غیبت امامشان، مورد آزمایش قرار گیرند، آزمایشی بسیار سخت و دشوار که خالص را از ناخالص و خوب را از بد جدا می‌کند. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «به خدا سوگند! آنچه گردن‌های خود را به سوی او کشیده‌اید، نخواهید دید تا اینکه مورد آزمایش قرار بگیرید و از هم جدا شوید». (۸۱) امام باقر علیه السلام در جواب جابر جعفی که پرسیده بود: چه وقت فرج شما خواهد رسید؟ فرمود: «هیئات! فرج ما نخواهد بود تا آنکه تصفیه شوید. پس تصفیه شوید، - و سه مرتبه این جمله را تکرار کرد و فرمود: - تا آنکه خوب و بد از هم جدا شوند». (۸۲) ۳ - تنبیه مردم بسیاری از مردم، قدرشناس نعمت‌های خداوند نیستند، بلکه کفران نعمت هم می‌کنند. سنت خدا این است که اگر مردم ناسپاسی می‌کردند و به نعمت‌های او کفر می‌ورزیدند، آنها را تنبیه می‌کند. بهترین راه تأدیب این افراد گرفتن نعمت از آنهاست که موجب می‌شود بیدار شوند و با تغییر راه و روش خود، آن نعمت از دست رفته را از خداوند درخواست کنند و چه نعمتی عظیم‌تر و بابرکت‌تر از وجود پیامبر و معصومین - علیهم السلام - بود که در طول ۲۷۳ سال از آغاز بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله تا شهادت امام عسکری علیه السلام بین مردم بودند، ولی مردم قدر آن را ندانستند و خداوند این نعمت را از آنان گرفت. حکومت‌های ستمگر با آنها جنگیدند، آنها را به زندان انداختند، توهین کردند و یکی را پس از دیگری به شهادت رساندند. اگر مردم آن روز، قدرشناس این نعمت‌ها بودند، امروز ما در هجران امام عزیزمان نمی‌سوختیم. حال که چنین شده است، باید شب و روز به دنبال این نعمت بزرگ الهی باشیم، تا خداوند این هدیه را بار دیگر به ما برگرداند و از نعمت وجودش، در ایام ظهور بهره‌مند شویم. مروان انباری گوید: حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمود: «اگر خداوند حضور ما را در نزد مردمی کراهت داشته باشد، ما را از آنها جدا می‌سازد». (۸۳) ۴ - بیعت کسی به عهده‌اش نباشد حدود ده روایت از معصومین علیهم السلام صادر شده است که حکمت غیبت امام عصر - ارواحنا له الفداء - را این می‌داند که بیعتی از سوی مردم بر عهده آن حضرت نباشد. اگر آن حضرت بدون آماده بودن شرایط ظهور کند، یا باید تابع دولتی باشد و یا کشته خواهد شد. بدین جهت آن حضرت قدرتمندانه ظهور خواهد کرد و در برابر هیچ دولتی خضوع و خشوع نخواهد کرد، بلکه با قدرت بر تمام قدرت‌های غاصب و فاسد غلبه پیدا کند. علی بن حسن فضال گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمود: «گویا می‌بینم که شیعیان پس از مفقود شدن سومین فرزندم، به دنبال او خواهند گشت، اما او را پیدا نمی‌کنند». عرض کردم: برای چه؟ ای فرزند رسول خدا! فرمود: «چون امامشان از آنها غایب می‌شود». گفتم: برای چه؟ فرمود: «تا بیعت کسی هنگام ظهور به عهده‌اش نباشد». (۸۴) ۵ - بیم کشته شدن در چند روایت از امام باقر و امام صادق علیهما السلام آمده است که یکی از حکمت‌های غیبت امام زمان علیه السلام، بیم کشته شدن آن حضرت است. زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «برای آن جوان - حضرت مهدی علیه السلام - غیبتی پیش از ظهورش می‌باشد». گفتم: برای چه؟ فرمود: «می‌ترسد و سپس به شکم مبارک خود اشاره فرمود». زراره گفت: یعنی از کشته شدن. (۸۵) سؤال: مگر سایر امامان معصوم علیهم السلام با اینکه در معرض خطر کشته شدن بودند، بدون هیچ ترس و وحشتی، بین مردم زندگی نمی‌کردند؟! پاسخ: برای امامان معصوم علیهم السلام چون شرایط قیام فراهم نبود، در اندیشه قیام علیه خلیفه وقت نبودند، بلکه در انتظار دولت حضرت مهدی علیه السلام بودند. این عقیده با اینکه ضروری به فرمانروایان وقت نمی‌رسانید، موجب شد که آنان امامان را زندانی کنند و سرانجام آنها را به شهادت برسانند. ولی وضعیت حضرت صاحب الزمان علیه السلام چنین نیست؛ زیرا آن حضرت با شمشیر قیام می‌کند و صاحبان قدرت را از اریکه قدرت به زیر می‌کشاند و با برچیدن بساط ظلم و جور، زمین را پر از عدل و داد می‌کند. پس ممکن نیست که آن حضرت آزادانه در بین مردم زندگی کند و هیچ قدرتی مزاحم او نشود. از سوی دیگر، اگر امامی کشته می‌شد، امام دیگری جانشین او می‌شد، اما اگر امام زمان علیه السلام کشته می‌شد جانشینی نداشت. از این رو، غیبت او امری است لازم و واجب. شهادت و کشته شدن در راه خدا، یکی از افتخارات معصومین است و امام زمان علیه السلام نیز سرانجام به شهادت خواهد رسید و در این بحثی نیست، اما باید دید علت ترس او چیست؟ ۱. اگر آن حضرت کشته می‌شد، زمین خالی از حجت می‌ماند. ۲. اگر آن حضرت کشته می‌شد، حکومت

عدل جهانی بدون رهبر می‌ماند. دشمن برای کشتن امام زمان علیه السلام تلاش فراوانی کرد. ابوخالد کابلی می‌گوید: از امام باقر علیه السلام درخواست کردم نام امام زمان علیه السلام را به من بگوید، تا او را بشناسم. آن حضرت فرمود: «ای ابوخالد! اگر فرزندان فاطمه او را بشناسند، بر کشتن و قطعه قطعه شدن او حریص خواهند بود». (۸۶) امام صادق علیه السلام به جمعی که در خدمتش بودند، به همین مطلب اشاره کرد و فرمود: «بنی امیه و بنی عباس وقتی فهمیدند زوال ملکشان بر دست توانای قائم ما - عَجَلُ اللَّهِ فرجه الشریف - خواهد بود، با ما دشمنی کردند و شمشیرهایشان را برای کشتن ما به کار بردند تا نسل ما را قطع نمایند، به این امید که قائم ما را کشته باشند». (۸۷) ۶ - خالی شدن صلب کافران از مؤمنان امام مهدی علیه السلام با دشمنان خدا هیچ گونه سازشی نخواهد کرد، بلکه همه آنها را به قتل خواهد رساند. از این رو، اراده خدا بر این است که غیبت آن حضرت طول بکشد تا تمام مؤمنانی که می‌باید متولد شوند، به دنیا بیایند. از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چرا امیر المؤمنین علی علیه السلام با مخالفان اول خود جنگ نکرد؟ آن حضرت فرمود: «به جهت یک آیه در کتاب خدا که می‌فرماید: «لَوْ تَرَيُوا لَعَذَابَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (۸۸)؛ اگر مؤمنان و کافران (در مکه) از هم جدا می‌شدند، کافران را عذاب دردناکی می‌کردیم». راوی گوید: عرض کردم: مقصود از تزییل چیست؟ آن حضرت فرمود: «ودیعه‌های مؤمنانی است که در اصلاب کفار بوده‌اند. قائم علیه السلام نیز چنین می‌کند. او ظهور نمی‌کند تا اینکه تمام ودیعه‌های خداوند در صلب‌ها بیرون بیایند. پس هر گاه تمام آن ودیعه‌ها خارج شدند، آن حضرت ظهور می‌کند، بر دشمنان خدا مسلط می‌گردد و همه آنها را به قتل می‌رساند». (۸۹)

پرسش ۱۵

چرا باید برای ظهور امام زمان علیه السلام زمینه‌سازی کرد؟ پاسخ این روشن است که هر انقلاب که ابعاد آن شناخته شود و یا با شکست روبرو نشود، نیاز به زمینه‌سازی دارد، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام اگرچه محکوم به شکست نمی‌باشد، اما برای اینکه ابعاد آن برای همگان روشن شود، بدین جهت باید پیشاپیش برای آن زمینه‌سازی کرد. البته این زمینه‌سازی از قرآن شروع شده سپس پیامبر و ائمه معصومین - علیهم السلام - به ابعاد آن پرداخته‌اند. قرآن مجید در چند آیه وراثت صالحان را نسبت به زمین نوید داده و همچنین حکومت روی زمین را که در آینده به آنها واگذار خواهد کرد، و فرموده: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (۹۰)؛ پس از تورات، در زبور نوشتیم که وارث نهایی زمین بندگان نیکوکار من خواهند بود. و فرموده: «وَوَرِثَ الْأَرْضَ مَنْ عَلَى الدِّينِ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجَعَلَهُمْ الْوَارِثِينَ» (۹۱)؛ ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم. و فرموده: «وَعِدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَحْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...» (۹۲)؛ خداوند به مؤمنان و شایسته کاران وعده داده است که آنان را جانشینان زمین قرار دهد، دینی که برای آنها آن پسندیده است و مستقر سازد، و دوران خوف آنان را تبدیل به امنیت نماید و بدون ترس و واهمه‌ای خدای خویش را بپرستند و اطاعت غیر خدا را گردن نهند. بدین جهت مردم را به فکر واداشته که این صالحان کیانند که هم وارث زمین خواهند بود و هم حکومت را به دست می‌گیرند و اسلام را فراگیر و جهانی نموده و بدون ترس و وحشت، در امنیت کامل به عبادت پردازند. بدین جهت در این فکر خواهند بود که آیا تاکنون چنین حادثه‌ای رخ داده یا نه، و آیا چنین حکومتی روی کره زمین برقرار شده است یا نه؟ و به دنبال طرح این آیات از سوی خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله از همان نخست مسلمانان را به حکومتی جهانی به رهبری یکی از فرزندان او که همانا هم‌کینه‌اش بوده، خبر داده است. (۹۳) و روایات فراوانی که از وی نقل شده، مردم و مسلمانان را به این چهره مقدس و این حکومت الهی آشنا ساخته و معصومان با تبیین مسائل بیشتری به تمام ابعاد آن پرداخته‌اند، به گونه‌ای که تمام احادیث اسلامی درباره امام مهدی علیه السلام با زمینه‌سازی حکومت آن حضرت کاملاً مرتبط است. چگونه زمینه‌سازی می‌کنیم؟ و ما نیز

وظیفه داریم که زمینه ظهور را فراهم کنیم و این زمینه‌ها فراوان است که به برخی از آنها بسنده می‌کنیم: ۱ - شناختن و شناساندن ولی عصر علیه السلام مسئله شناخت امام زمان علیه السلام از مسائل ارزشمند است که به تعبیر روایات، اگر کسی امام زمان خویش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است. (۹۴) و شناخت بقیة الله بدین جهت است که اگر او را نشناسیم، نه تنها عمل ما باطل است، بلکه منحرف و گمراه خواهیم شد. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «امام، حجت بندگان است، هر کس او را رها کند، گمراه می‌شود و هر کس با او باشد، نجات می‌یابد و رستگار می‌شود». (۹۵) بدین جهت در دعا می‌خوانیم: «خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من نشناسانی، رسولت را نخواهم شناخت. خدایا! رسولت را به من بشناسان، و گرنه حجت را نخواهم شناخت. خدایا! حجت را به من بشناسان، و گرنه از دین خود گمراه خواهم شد». ۲ - مبارزه با انحرافات و کجروی‌ها پیش از این گفتیم که یکی از حکمت‌های غیبت امام علیه السلام وجود گناهی است که به آن در جامعه دامن زده می‌شود و مبارزه با گناهان زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر - ارواحنا له الفداء - می‌باشد؛ چرا که یکی از اهداف بسیار مهم امام، مبارزه با انحرافات و کجروی‌ها و نابودی مفسد است. امام می‌آید تا به ظلم و ستم پایان داده و عدل و داد را روی زمین بگستراند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «یملأ الله به الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً». (۹۶) بنابراین، اگر بخواهیم زمینه ظهور را فراهم کرده باشیم، باید به کمک امام شتافته و در این کار، با او همگام شویم. ممکن است برخی با سکوت و بی‌تفاوتی خود، در برابر انحرافات و مفسد اجتماعی، چنین فکر کنند که باید به مفسد دامن زد و یا حداقل سکوت کرد تا مفسد در جامعه صد چندان شود، تا بر اثر زیاد شدن آن، امام ظهور کند، در حالی که این نظریه و اندیشه - چنانکه عرض شد - کاملاً غلط و بی‌اساس است، زیرا حضرت پس از آمدن زمین را پُر از عدل و داد می‌کند، نه اینکه تا زمین پر از جور و ظلم نشده، امام نخواهد آمد. و دلیلش این است که زمین به اندازه کافی پُر از ظلم و جور شده است، بنابراین چرا امام نمی‌آید؟! ۳ - تبیین اهداف امام مسئله دیگری که زمینه‌ساز ظهور امام زمان علیه السلام می‌باشد، اینکه پس از شناخت و معرفت به امام عصر - ارواحنا فداء - ، اهداف آن حضرت را بررسی و مورد مطالعه قرار دهیم. ویژگی‌های حکومت و امتیاز آن از سایر حکومت‌های پیشین، همچنین بدانیم حکومتی که در قرآن بدان اشاره شده است و خداوند از آن خبر داده و پیامبران پیشگویی کرده‌اند، با تمام حکومت‌ها تفاوت اساسی خواهد داشت، حکومت جهانی و الهی، حکومت حاکمیت دین و قرآن و اهل بیت علیهم السلام است، حکومت برقراری امنیت جهانی، حکومت بسط عدالت و حکومت حاکمیت اخلاق و ارزش‌های انسانی است. امام می‌آید تا اهداف پیاده نشده تمام انبیای الهی را به انجام برساند. امام می‌آید تا عالی‌ترین مظاهر یک حکومت مترقی را به نمایش بگذارد. امام می‌آید تا بشر را به کمال واقعی خود برساند. و خلاصه، کاری که امام می‌کند، تاکنون بر دست هیچ پیامبر و یا حاکمی در جهان، در طول تاریخ صورت نگرفته است. او می‌آید تا به تمام آن خواسته‌ها جامه عمل بپوشاند. اعتقاد به این مسائل سبب می‌شود که برای رسیدن به چنین حکومتی تلاش ورزیم، موانع را از سر راه برداریم و دیگران را تشویق و ترغیب کنیم و همین کارها، ایجاد زمینه‌ها می‌باشد. ۴ - انتظار فرج از دیگر موارد زمینه‌سازی ظهور امام زمان علیه السلام انتظار فرج است، انتظاری که پیامبر و معصومین علیهم السلام ما را به آن دعوت کرده‌اند، انتظاری که در روایات، از آن، به عنوان برترین اعمال و بهترین عبادت مؤمنان شمرده شده است، انتظاری که به قول امام صادق علیه السلام: «اگر شخصی در حال انتظار بمیرد، شهید خواهد بود، اگرچه در رختخواب هم مرده باشد». (۹۷) ۵ - شناخت وظایف و عمل به آن بزرگان ما بر اساس روایات و احادیث و سفارش پیامبر و ائمه معصومین - علیهم السلام - وظایفی را برای مردم در حال غیبت کبری بیان کرده‌اند، که هر یک از آنها، خود زمینه‌ساز ظهور مهدی موعود علیه السلام خواهد بود. مرحوم محدث قمی به چند مورد از آنها اشاره کرده است: ۱. مهموم بودن برای آن جناب در ایام غیبت. ۲. دعا کردن برای حفظ وجود مبارک امام عصر - ارواحنا له الفداء - از شرّ شیاطین انس و جنّ و طلب تعجیل فرج و نصرت و ظفر و غلبه او بر کفار و ملحدین و منافقین. ۳. صدقه دادن در حدّ توان، برای حفظ وجود مبارک امام زمان علیه السلام. ۴. بجا آوردن حج به نیابت از امام عصر - ارواحنا له الفداء - چنانکه در

گذشته میان شیعه مرسوم بوده است. ۵. برخاستن از برای تعظیم شنیدن نام مبارک آن حضرت، به ویژه نام مبارک قائم - عجل الله فرجه الشریف - . ۶. تضرع و درخواست از خداوند، برای حفظ دین و ایمان از دستبرد شیاطین و رهایی از شبهات. ۷. استمداد و استعانت و استغاثه به آن جناب، در هنگام سختی‌ها و گرفتاری‌ها و بیماری‌ها و شبهات و فتنه‌ها. (۹۸)

پرسش ۱۶

انتظار فرج چیست؟ پاسخ به استناد روایات، یکی از وظایف مسلم مردم در دوران غیبت کبری، انتظار فرج است؛ انتظار برای تحقق حکومت موعود الهی. علامه محمّد باقر مجلسی رحمه الله بخشی از کتاب بحار الأنوار را به همین وظیفه اختصاص داده و هفتاد روایت از معصومین علیهم السلام را در این باره ذکر کرده است. در روایات آمده است: «انتظار فرج برترین اعمال و بهترین عبادت مؤمن است. منتظران بهترین مردم زمان هستند. منتظران مانند کسانی هستند که در راه خدا شمشیر زده و در خون خود غلطیده‌اند. منتظران مانند کسانی هستند که در کنار امام زمان علیه السلام به شهادت رسیده‌اند و به آنان اجر هزار شهید مانند شهدای بدر داده می‌شود. منتظران از برخی شهدای بدر و اُخُد بهترند و خداوند راه روزی را بر ایشان باز می‌نماید و آنان را در زمره اولیای الهی قرار خواهد داد که هیچ ترس و وحشتی در آنها نیست». (۹۹) انتظار چیست؟ چرا انتظار این همه مورد سفارش اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته است؟ چرا این مسأله همواره مورد تهاجم حملات ناجوانمردانه دشمنان اسلام و معارف ناب محمّدی قرار گرفته است، به طوری که گاهی آن را نتیجه و زاییده فکر عده‌ای ترسو و بی‌منطق دانسته و گاهی به توجیه و تفسیر آن به میل خود پرداخته‌اند. برخی با برداشت غلط از مفهوم انتظار، گمان می‌کنند که باید به هر وسیله ممکن به ظهور امام عصر علیه السلام سرعت بخشید، گرچه به ترویج کفر و بی‌دینی و فساد و فحشا در بین مردم باشد. برخی نیز بر این باورند که در برابر انحرافات و مفاسد باید بی‌تفاوت بود، تا فساد همه جا را بگیرد و در نتیجه امام زمان علیه السلام ظهور کند. دامن زدن به برداشت‌های غلط از مفهوم انتظار، گناهی نابخشودنی است. امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: «هر شخصی که در حال انتظار بمیرد، شهید خواهد بود، اگر چه در رختخواب هم مرده باشد». (۱۰۰) چگونه می‌توان پذیرفت که فردی به ترویج فساد کمک کند و اجر شهید را ببرد؟! چگونه ممکن است فردی نسبت به منکرات بی‌تفاوت باشد و اجر شهید را ببرد؟ چگونه انسان بی‌تفاوت و کسی که فساد و ستم را گسترش می‌دهد، می‌تواند مصداق کسی باشد که در کنار حضرت حجّت - ارواحنا له الفداء - در راه خدا شمشیر زده و در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله جهاد و رزم نموده و در کنارش به شهادت رسیده است؟! اگر انتظار فرج عامل محرّکی برای تجدید نظر فردی و اجتماعی نبود، هرگز چنین روایاتی درباره‌اش صادر نمی‌گردید. آیت الله مکارم شیرازی برای روشن شدن مفهوم انتظار و آثار سازنده آن، می‌فرماید: «ارتشی که در انتظار جهاد آزادی بخش به سر می‌برد، حتماً به حالت آماده‌باش کامل در می‌آید، سلاحی که برای چنین میدان نبردی شایسته است، به دست می‌آورد، سلاح‌های موجود را اصلاح می‌کند، سنگرهای لازم را می‌سازد، آمادگی رزمی نفرات خود را بالا می‌برد، روحیه افراد خود را تقویت می‌کند و شعله عشق و شوق را برای چنان مبارزه‌ای در دل فرد سربازانش زنده نگه می‌دارد. ارتشی که دارای چنین آمادگی نیست، هرگز در انتظار به سر نمی‌برد و اگر بگوید، دروغ می‌گوید». (۱۰۱) وی می‌نویسد: «کسانی که انتظار یک مصلح جهانی را می‌کشند، انتظار انقلاب و دگرگونی و تحوّلی را دارند که وسیع‌ترین و اساسی‌ترین انقلاب‌های انسانی در طول تاریخ بشر روی کره زمین است». (۱۰۲) حقیقت انتظار از دو عنصر نفی و اثبات ترکیب یافته است، نفی یعنی از بین بردن نابسامانی‌های موجود و عواملی که موجب اختلاف و از هم پاشیدگی می‌باشد، و اثبات یعنی جانشین کردن عوامل رشد و ترقّی جای آنها. باید خود را اصلاح کنیم و اندیشه‌هایمان را از کج نظری، حسادت، کینه و صدها عیب دیگر برهانیم؛ چون اگر این عیب‌ها در ما باشد، چگونه می‌توانیم منتظر تحوّلی باشیم که اساس آن مبارزه با همه آن عیب‌هاست و سرانجام دامن ما را خواهد گرفت. علاوه بر اصلاح خویش، باید در پی اصلاح جامعه هم باشیم.

باید اصلاح جامعه را جدی بگیریم، تا مشمول آیه مبارکه «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (۱۰۳) شویم.

بخش پنجم: نشانه‌های ظهور

مقدمه

وجود مدعیان مهدویت در عصر معصومین علیهم السلام و پس از آن، ضرورت پیشگویی بیان علائم و نشانه‌های ظهور مهدی آل محمد علیهم السلام را از طرف معصومین علیهم السلام صد چندان کرد، چون اگر این نشانه‌ها بیان نمی‌شد، ما هر روز شاهد مدعیان مهدویت بودیم. مدعیان مهدویت باعث گمراهی بسیاری از مسلمانان شدند. نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام سبب شد تا از شمار مدعیان مهدویت کاسته شود. نشانه‌های ظهور کدامند؟ آیا تاکنون آنها به وقوع پیوسته‌اند؟ در این بخش، به این پرسش‌ها پاسخ داده خواهد شد.

پرسش ۱۷

آیا اوضاع جهان پیش از ظهور، پیش‌بینی شده؟ پاسخ در احادیث فراوانی، پیشگویی‌های بسیاری درباره اوضاع جهان پیش از ظهور امام زمان علیه السلام شده است، تمام آنها حاکی از آن است که دنیا پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام به کانون وحشت و بدبختی مبدل خواهد شد و مردم دچار سردرگمی، حیرت و گرفتاری‌هایی می‌شوند که هرگز از آنها رهایی نمی‌یابند. جهان پیش از ظهور آن حضرت، دچار جنگ‌های بسیار سخت و ویران کننده خواهد شد، به گونه‌ای که همه ملت‌ها با یکدیگر درگیر می‌شوند. بنابر روایات، در این جنگ‌ها از هر هفت نفر، پنج نفرشان کشته می‌شود، یهودیان و مسیحیان با هم به دشمنی برمی‌خیزند و در نابودی یکدیگر از هیچ تلاشی دست برنمی‌دارند. طغیان تمام شهرها و کشورها را فرا می‌گیرد. شورش‌های پی در پی بر موج وحشت می‌افزاید. بیشتر دانشمندان و پاسداران دین در اثر امر به معروف و نهی از منکر، به قتل می‌رسند. شرق و غرب با هم می‌جنگند (۱۰۴) و عرب و عجم با یکدیگر اختلاف پیدا می‌کنند. (۱۰۵) از سوی دیگر، تأثیر این اختلافات و جنگ‌های خانمان‌سوز، چیزی جز قحطی و بیچارگی و فقر و بدبختی نخواهد داشت. حمله ملخ‌ها به مزارع، رعد و برق و طوفان موجب ویرانی شهرها و روستاها می‌شود. بیماری‌های بدون درمان همانند طاعون (۱۰۶) و دیگر بیماری‌های ناشناخته، هر روز عده‌ای را به کام مرگ می‌فرستد. مردم فرسنگ‌ها از معارف اسلامی و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام فاصله خواهند گرفت. بنابر روایات، بازار دین رونق خود را از دست می‌دهد، مردم نماز را به دست فراموشی خواهند سپرد، در امانت خیانت می‌کنند، دروغ را حلال خواهند شمرد، رباخواری دامن بیشتر مردم را فرا می‌گیرد، رشوه خواری زیاد می‌شود، مردم دین را به دنیا خواهند فروخت، مردم به ستم کردن افتخار می‌کنند. پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام حاکمان فاجر، وزیران ظالم، سرشناسان خائن و قاریان قرآن، فاسق هستند... دروغگو را تصدیق می‌کنند و خائن را امین می‌شمرند، زنان خود را شبیه مردان و مردان خود را شبیه زنان می‌کنند. (۱۰۷)

پرسش ۱۸

با توجه به فراگیری ظلم و ستم در سراسر جهان چرا امام زمان علیه السلام ظهور نمی‌کند؟ پاسخ بسیاری بر این باورند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: هرگاه دنیا پر از ظلم شد، مهدی علیه السلام خواهد آمد، در حالی که این پندار غلط است و هرگز پیامبر چنین چیزی نفرموده، بلکه آن حضرت فرموده است: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجورًا» (۱۰۸)؛ خداوند به

ظهور حضرت مهدی علیه السلام، زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، پس از آنکه پر از ظلم و جور شده است». بنا بر حدیث فوق، هرگاه امام مهدی علیه السلام بیاید، زمین را پر از عدل و داد می‌کند، نه اینکه هرگاه پر از ظلم و جور شد، امام زمان علیه السلام خواهد آمد. بهترین دلیل بر اینکه ظهور امام زمان علیه السلام در گرو فراوانی ظلم و فساد نیست، این است که اکنون ظلم و فساد و بی‌عدالتی همه جا را فرا گرفته است. اگر ظهور امام زمان علیه السلام در گرو فراگیر شدن ظلم و فساد در جهان باشد، سال‌ها پیش باید امام زمان علیه السلام ظهور می‌کرد. حضرت آیت الله مکارم شیرازی در بحث انگیزه پیدایش مذهب که در شب‌های پنج‌شنبه ایراد می‌فرمود، اظهار داشت: «فساد هدف نیست. آمادگی هدف است. برخلاف آنچه بعضی تصور می‌کنند، آنچه برای تسریع ظهور مصلح جهانی لازم است، وجود ظلم و فساد در سراسر زمین نیست، بلکه یک آمادگی و تشنگی لازم است. البته نمی‌توان انکار کرد که افزایش ظلم و فساد یکی از علل آمادگی و تشنگی خواهد بود، چه اینکه وقتی مردم جهان ثمره تلخ و شوم تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها را بچشند، ناراحت می‌شوند و در جستجوی یک طریق اصلاح و یافتن یک مصلح جهانی گام برمی‌دارند». در نتیجه، باید گفت: هسته اصلی زمینه برای ظهور، آمادگی و آگاهی از عواقب وضع نابسامان امروز دنیا است، نه این که وجود ظلم و فساد هدف اصلی باشد.

پرسش ۱۹

با اینکه بسیاری از علائم به وقوع پیوسته است، چرا امام زمان علیه السلام ظهور نمی‌کند؟ پاسخ موارد یاد شده که از زبان معصومین علیهم السلام بیان شده است، نشانه‌ای بیش نیستند، آنها علائم ظهور هستند، نه علت ظهور، در روایات برخی از نشانه‌های ظهور امام زمان علیه السلام به عنوان نشانه‌های حتمی معروف شده است، همانند: خروج سفیانی و کشته شدن جوانی از آل محمد بین رکن و مقام. اگر نشانه‌های حتمی ظاهر شود، بدون شک امام زمان علیه السلام ظهور خواهد کرد، اما هنوز آن علائم به وقوع نپیوسته است.

پرسش ۲۰

نشانه‌های ظهور کدامند؟ پاسخ ۱ - خروج سفیانی سفیانی از فرزندان خالد بن یزید بن ابی سفیان (۱۰۹) است و در دمشق، از محلی به نام وادی یابس قیام می‌کند. او با رعب و وحشتی که در دل‌های مردم به وجود می‌آورد، سبب می‌شود هر که پرچم آنها را از دور ببیند، پا به فرار بگذارد. (۱۱۰) سفیانی به بسیاری از شهرها، از جمله کوفه، بصره و مدینه هجوم می‌برد و دست به کشتار وسیعی می‌زند. وی حرمت‌های اسلامی را یکی پس از دیگری، از بین می‌برد. او به کشتن دانشمندان و آتش زدن قرآن‌ها می‌پردازد. مساجد را خراب می‌کند. حرام را حلال می‌شمرد، هرگز از ظلم و ستم دست برنمی‌دارد و روز به روز بر فسق و فجور و طغیان و تمرد افزوده می‌شود. سفیانی با کینه‌ای که با آل پیامبر دارد، هر فردی را که نامش محمد، احمد، علی، جعفر، حمزه، حسن، حسین، فاطمه، زینب، رقیه، امّ کلثوم و خدیجه باشد، به قتل می‌رساند. (۱۱۱) این وضعیت تا ظهور امام زمان علیه السلام ادامه پیدا می‌کند. ۲ - کشته شدن نفس زکیه نوجوانی از آل محمد علیهم السلام به نام محمد بن حسن که معروف به نفس زکیه است، بین رکن و مقام در مسجد الحرام کشته می‌شود. (۱۱۲) ۳ - ندای آسمانی از سوی جبرئیل در شب جمعه بیست و سوم رمضان، فریاد جبرئیل از آسمان شنیده می‌شود. امام باقر علیه السلام فرمود: «منادی از آسمان به نام حضرت قائم - عجل الله فرجه الشریف - فریاد می‌زند که به گوش تمام اهل مشرق و مغرب خواهد رسید، به گونه‌ای که هیچ انسان خفته‌ای در خواب نمی‌ماند و وحشت‌زده از خواب بیدار می‌شود و هیچ ایستاده‌ای نمی‌باشد، مگر آنکه خواهد نشست و نه نشسته‌ای، مگر آنکه از جای برمی‌خیزد». (۱۱۳) ۴ - فرو رفتگی در بیداء امام صادق علیه السلام چهارمین علامت حتمی را «خسف» در محلی بین مکه و مدینه، به نام بیداء دانسته است. امام باقر علیه

السلام ضمن حدیث مفصلی به جابر می‌فرماید: «وقتی سپاه اعزامی سفیانی به بیداء می‌رسد، ناگهان از آسمان ندا می‌رسد: ای بیداء! در خود فرو ببر آنچه از این سپاه است! پس همه به زمین فرو می‌روند. جز سه نفر که خداوند صورت‌هایشان را به پشت سر برمی‌گرداند». (۱۱۴) ۵ - قیام یمانی امام صادق علیه السلام فرمود: «خراسانی، سفیانی و یمانی در یک سال، در یک ماه و در یک روز قیام می‌کنند و هیچ پرچمی هدایتگر از پرچم یمانی نیست، زیرا مردم را به سوی حق هدایت می‌کند». (۱۱۵) ۶ - اختلاف فرزندان عباس ثمالی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: امام باقر علیه السلام فرمود: «خروج سفیانی از نشانه‌های حتمی است». امام صادق علیه السلام به من فرمود: «آری، و اختلاف فرزندان عباس از علائم حتمیه می‌باشد». (۱۱۶) ۷ - نمایان شدن دستی در آسمان امام صادق علیه السلام فرمود: «وکفّ تطلع من السماء من المحتوم» (۱۱۷)؛ و دستی که در آسمان ظاهر می‌گردد، از جمله امور و نشانه‌های حتمی پیش از ظهور است». همچنین به نشانه‌های دیگری برخورد می‌کنیم که در روایات، جزو نشانه‌های ظهور شمرده شده، اما هرگز از آنها تعبیر به حتمی نشده است. محدّث قمی رحمه الله درباره این گونه علائم می‌نویسد: «و اما علامات غیر حتمیه: پس آنها بسیار است، بعضی ظاهر شده و بعضی هنوز واقع نشده و ما در اینجا به بعضی از آنها، به نحو اجمال اشاره می‌کنیم: ۱. خراب شدن دیوار مسجد کوفه ۲. جاری شدن نهری از شط فرات در کوچه‌های کوفه ۳. آباد شدن شهر کوفه بعد از خراب شدن آن ۴. آب درآوردن دریای نجف ۵. جاری شدن نهری از فرات به غری که نجف اشرف باشد ۶. ظاهر شدن ستاره دنباله‌دار در نزدیکی ستاره جدی ۷. ظاهر شدن قحطی شدید پیش از ظهور ۸. وقوع زلزله و طاعون شدید در بسیاری از شهرها ۹. کشتار بیوح، یعنی کشتار بسیاری که آرام نمی‌گیرد. ۱۰. خراب شدن مسجد برائا ۱۱. ظاهر شدن آتش در سمت مشرق زمین که تا سه یا هفت روز، در میان آسمان دیده می‌شود که باعث تعجب و ترس باشد. ۱۲. ظاهر شدن سرخی شدیدی که در آسمان پهن می‌شود. ۱۳. آمدن باران شدید در ماه جمادی الثانی و رجب که مانند آن دیده نشده. ۱۴. طلوع ستاره‌ای از مشرق که مانند ماه درخشش داشته و چشم‌ها را خیره کند. ۱۵. فرو گرفتن ظلمت کفر و فسوق و گناهان که تمام جهان را به کام خود می‌گیرد». (۱۱۸)

پرسش ۲۱

آیا بین نشانه‌های حتمی و ظهور امام، فاصله زمانی تعیین شده است؟ پاسخ ۱ - کمتر از یک سال بنا بر روایات، بین آمدن سفیانی و ظهور امام یک سال فاصله نیست. امام باقر علیه السلام فرمود: «سفیانی و قائم علیه السلام در یک سال هستند». (۱۱۹) در روایت آمده است: «اگر سفیانی بر پنج شهر حکومت کرد، از همان روز تا نه ماه حساب کنید، پس امام مهدی علیه السلام ظهور می‌کند». (۱۲۰) ۲ - پانزده شب بین کشته شدن نفس زکیه و ظهور امام زمان علیه السلام، پانزده شب فاصله است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لیس بین قیام قائم آل محمد علیهم السلام و بین قتل النفس الزکیة إلا خمسة عشر لیلۃ». (۱۲۱) ۳ - دو شب پیش از ظهور عبد الأعلى حلبی گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «برای صاحب این امر غیبتی در برخی از این درّه‌ها می‌باشد. سپس دست خود را به طرف کوه ذی طوی اشاره نمود. دو شب پیش از ظهور، پیشکار آن حضرت با عده‌ای از یاران ملاقات می‌کند و می‌گوید: عده شما به چند نفر رسیده است؟ می‌گویند: چهل نفر. به آنها می‌گوید: چه می‌کنید که اگر صاحب خود را ملاقات کنید؟ پاسخ می‌دهند: اگر ما را به سوی کوه‌ها ببرد، همراه او خواهیم بود. در شب بعد، ده نفر از آنها را به انتخاب خودشان، به حضور امام مهدی علیه السلام می‌برد، حضرت پس از ملاقات با آنها، وعده شب آینده را می‌دهد». (۱۲۲) ۴ - فاصله بسیار کم امام صادق علیه السلام فرمود: «إذا رأیتم علامه فی السماء ناراً عظیمة من قبل المشرق، تطلع لیال فعدّها فرج الناس وهی قدام القائم بقلیل (۱۲۳)؛ اگر علامتی در آسمان از سوی مشرق دیدید که آتشی بسیار عظیم و در چند شب پیاپی در طرف مشرق پدیدار خواهد شد. پس از آن فرج مردم خواهد بود و این آتش بیش از آمدن حضرت قائم علیه السلام خواهد بود، به فاصله بسیار کم.

پرسش ۲۲

آیا ایرانیان در دوران غیبت و هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام نقشی دارند؟ پاسخ از دیگر نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام، تلاش گسترده ایرانیان مسلمان در دوران غیبت کبری است. در روایات، از تلاش گسترده ایرانیان برای تشکیل حکومت حضرت مهدی علیه السلام بسیار تجلیل شده است، این تلاش‌ها عبارتند از: ۱ - حمایت همه‌جانبه از اسلام در روایات آمده است: «ایرانیان تنها گروهی هستند که در زمان غربت اسلام، از دین و قرآن پاسداری می‌کنند». عبایه بن عبد الله اسدی گوید: روز جمعه‌ای در محضر علی علیه السلام نشسته بودم و ایشان بر فراز منبر نشسته بود و خطبه می‌خواند، ابن صوحان نیز حضور داشت. اشعث آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! این سرخ پوستان - مقصودش ایرانیانی بود که ساکن کوفه بودند و به حمراء شهرت داشتند - از توجه ویژه‌ای که به آنها می‌کنی، بر ما مسلط گشته‌اند. امیر مؤمنان علیه السلام که از سخنان اشعث به خشم آمده بود، فرمود: «امروز درباره عرب چیزی را روشن کنم که پیش از این پنهان بود». پس فرمود: «چه کسی سخن ما را درباره ظلم این انسان‌های راحت طلب و سبک مغز، منصفانه می‌پذیرد که شب‌ها را تا صبح روی فرش‌های خود می‌غلتنند، آن‌گاه بیش من آمده و درباره گروهی که پیوسته به یاد خدا بوده و هستند، طعنه می‌زنند و دستور داده تا آنها را از کنار خود برانم و بدین وسیله در صف ظالمین قرار گیرم. قسم به آنکه دانه را شکافت و بنده را آفرید، از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: به خدا قسم! اینان در آینده به خاطر پذیرش دین، بر سر شما خواهند کوبید! چنان که در روزهای نخست برای پذیرش اسلام با آنها به مقابله پرداختید». (۱۲۴)

ایرانیان را در زمان معصومین علیهم السلام با عناوین فرس، اعاجم، موالی، بنو الحمراء، قوم سلمان و چند عنوان دیگر می‌شناختند. در روایات، گاه از ایرانیان با عناوین اهل خراسان، اهل قم، اهل طالقان و دیگر شهرهای مشهور ایران در آن دوره یاد می‌کردند. در روایات، از مردمی با عنوان «اهل مشرق» سخن گفته شده است که بنابر نظر بسیاری، منظور از آنها مردم ایران هستند. نکته دیگر این است که اشعث بن قیس و عده‌ای که از گروه خوارج و دشمن علی علیه السلام بودند، همیشه از حضور ایرانیان در کنار علی علیه السلام ناراحت بودند و پیوسته تلاش می‌کردند تا حضرت علی علیه السلام آنان را رها سازد. ۲ - زمینه‌سازان حکومت مهدی علیه السلام ایرانیان بر اساس وظیفه دینی خود، تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام با دشمنان اسلام در دو جبهه به جنگ خواهند پرداخت. این نبرد از قم شروع می‌شود و با قیام مردم خراسان با پرچم‌های سیاه و درگیری خونین آنان با سفیانی پایان می‌یابد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «سیأتی زمان تکون قم وأهلها حجّة علی الخلائق وذلك فی زمان غیبة قائمنا الی ظهوره (۱۲۵)؛ زمانی فرا می‌رسد که قم و ساکنان آن حجّت‌های تمام آفریده‌ها می‌شوند و همانا این کار در زمان غیبت است و تا ظهور قائم ما ادامه خواهد داشت. بنابر این روایت، این نهضت علمی و جهاد بزرگ فرهنگی، پیش از غیبت است و تا ظهور قائم ما ادامه خواهد داشت. صدای اسلام ناب که زمینه‌ساز دولت کریمه مهدی علیه السلام است، از قم به گوش جهانیان خواهد رسید، آن‌گونه که همه ساکنان کره زمین با اسلام آشنا خواهند شد. در بسیاری از روایات آمده است که اهل مشرق (اهل خراسان)، «اصحاب الرايات السود» زمینه‌ساز حکومت حضرت مهدی علیه السلام هستند. ابن طاووس رحمه الله در ملاحم نوشته است: «لشکر سفیانی به بلاد مشرق رفته و پس از جنگی سخت، عده‌ای با پرچم‌های سیاهی که با خود دارند، برای یاری حضرت مهدی علیه السلام از خراسان حرکت کرده و در پی حضرت خواهند بود تا با او بیعت کنند». (۱۲۶) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «یخرج ناس من المشرق، فیوطون للمهدی سلطانه (۱۲۷)؛ گروهی از مشرق قیام می‌کنند و زمینه حکومت مهدی علیه السلام را فراهم می‌کنند. در روایات دیگری آمده است: «صاحبان پرچم‌های سیاه که از خراسان حرکت می‌کنند، کمترین خوف و وحشتی از کسی یا چیزی ندارند و به راه خود ادامه می‌دهند تا پرچم‌های خود را در ایلیا (۱۲۸) بفرزاند». (۱۲۹) در برخی روایات، به جای ایلیا، نام بیت المقدس ذکر شده است، روشن است که برافراشته شدن پرچم‌های مردم خراسان در بیت المقدس بدون غلبه بر یهودیان غاصب به هیچ وجه امکان‌پذیر نخواهد بود. ۳ - سپاهیان پا در رکاب در روایات آمده است: «بیشترین یاران مهدی آل محمد علیهم السلام را ایرانیان

تشکیل می‌دهند. بسیاری از یاران حضرت مهدی علیه السلام از اهالی مرو رود، مرو، طوس، مغان، جابروان، قومس، اصطخر، فاریاب، طالقان، سجستان، نیشابور، طبرستان، قم، گرگان، اهواز، سیراف، ری و کرمان هستند». (۱۳۰) امیر مؤمنان علیه السلام درباره طالقان فرمود: «خوشا به حال طالقان! زیرا برای خداوند - عزوجل - در آنجا گنج‌هایی ذخیره شده است که هرگز از جنس طلا و نقره نمی‌باشند. در آنجا مردانی هستند که خدا را به حق شناختند، و اینان یاران مهدی علیه السلام در آخر الزمان می‌باشند». (۱۳۱) همچنین در روایات، درباره مردم طالقان آمده است: «این گنج‌ها دلاور مردانی هستند اهل جنگ و جهاد که شهادت در راه خدا را دوست می‌دارند و پیوسته ادعا می‌کنند که خدا شهادت را روزی آنان قرار دهد، شعار خود را «یا لثارات الحسین» می‌دانند، خداوند به وسیله آنها امام حق را پیروز می‌گرداند». (۱۳۲) و از امام صادق علیه السلام سؤال شد: منظور از آیه «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ» - اسراء ۵ - چه کسانی هستند؟ آن حضرت فرمود: «هم واللّه اهل قم، هم واللّه اهل قم، هم واللّه اهل قم». (۱۳۳) ۴ - آموزگاران قرآن در دولت کریمه اصیغ بن نباته گوید: حضرت علی علیه السلام فرمود: «گویا چادرهای عجم را می‌بینم که در مسجد کوفه برپا شده و در ایام حکومت امام مهدی علیه السلام قرآن را همان گونه که نازل شده است، به مردم یاد می‌دهند». (۱۳۴) آیا افتخاری بالاتر از این هست که ایرانیان در دولت کریمه مهدی علیه السلام جزو معلمان قرآن به حساب آیند؟! بخش ششم: ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام

بخش ششم: ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام

مقدمه

چهره مقدّس و ملکوتی امام مهدی علیه السلام آنقدر روشن و تابناک است که هیچ نیازی به تعریف و توصیف ما ندارد. او روشن‌تر از آفتاب و درخشان‌تر از ماه در آسمان تاریک است. در این شخصیت عظیم، ویژگی‌هایی است که به عللی، در سایر امامان معصوم نمی‌باشد. این بخش درباره بیان این ویژگی‌ها است:

پرسش ۲۳

چرا هنگام شنیدن نام قائم آل محمد - عجل الله فرجه الشریف - از جا برمی‌خیزیم؟ پاسخ این سیره پسندیده شیعیان جهان که همچنان ادامه دارد، بدون شک از ائمه معصومین علیهم السلام به دست ما رسیده است. میرزا حسین نوری رحمه الله در این باره می‌نویسد: «بعضی از دانشمندان نقل کرده‌اند که این مطلب را از عالم متبحر، سید عبد الله سبط محدّث جزائری؛ سؤال کردند، آن مرحوم در بعضی از تصانیف خود، جواب داد: در خبری از امام صادق علیه السلام نقل شده که روزی در مجلس آن حضرت علیه السلام نام مبارک قائم آل محمد علیهم السلام برده شد و امام علیه السلام به جهت تعظیم و احترام، از جای برخاست». (۱۳۵) و نیز در روایت آمده است: «روزی شاعر معروف اهل بیت، دعبل خزاعی خدمت امام رضاعلیه السلام رسیده و اشعارش را قرائت کرد. وقتی به ابیاتی که درباره امام زمان علیه السلام (۱۳۶) سروده بود رسید، امام رضاعلیه السلام دست خود را بر سر گذارد و به احترام از جای برخاست (۱۳۷) و سپس فرمود: ای خزاعی! بدان که روح القدس این دو بیت را بر زبانت جاری ساخته است». در روایتی دیگر آمده است: «آن حضرت به دعبل فرمود: خداوند دیدن او را به تو روزی کند و با او محشور گرداند. آن حضرت صد دینار به او عطا کرد». (۱۳۸) میرزای نوری رحمه الله اضافه می‌کند: «روایت شده که وقتی نام حضرت حجّه بن الحسن علیه السلام در مجلس امام رضاعلیه السلام برده شد، آن حضرت از جای برخاست و دو دست مبارکش را روی سرش گذاشت و فرمود: «اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه». (۱۳۹) از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چرا هنگام شنیدن نام امام زمان علیه السلام، از جای خود برمی‌خیزیم؟

فرمود: «چون غیبت حضرت مهدی علیه السلام طولانی است، از شدت محبتی که به دوستان خود دارد، هر زمان که شخصی آن را یاد کند، نگاهی به او می‌نماید و سزاوار است که یاد کننده به جهت احترام و تعظیم، از جای خود برخیزد. هنگامی که مولای خویش او را به نظر مهر و عطف نگاه می‌کند، پس از جای خود برخیزد و از خدای متعال تعجیل فرج او را بخواهد». (۱۴۰) برخی از بزرگان در خصوص این موضوع کتاب‌هایی نوشته‌اند و این کار را یک امر مستحب مؤکد دانسته‌اند، از جمله آیت الله طوسی که رساله «السيف المشتهر في استحباب القيام عند سماع القائم المنتظر» نوشته‌اند.

پرسش ۲۴

آیا بردن نام امام زمان علیه السلام حرام است؟ پاسخ علامه مجلسی رحمه الله سیزده روایت را از نه امام معصوم علیهم السلام ذکر کرده است که در آنها معصومین فرموده‌اند: «نام امام زمان علیه السلام برده نشود». امیر مؤمنان علیه السلام در پاسخ عمر بن خطاب که پرسیده بود: نام امام زمان علیه السلام چیست؟ فرمود: «نام او را نمی‌توانم ببرم، چون پیامبر صلی الله علیه و آله از من پیمان گرفته، و این نام در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله به ودیعت گذاشته شده است». (۱۴۱) امام باقر علیه السلام به ابو خالد کابلی فرمود: «از من سؤالی کردی که تاکنون اگر به کسی گفته بودم، به تو نیز پاسخ می‌دادم». (۱۴۲) امام صادق علیه السلام فرمود: «بر شما جایز نیست که نامش را ببرید». (۱۴۳) امام کاظم علیه السلام فرمود: «جایز نیست نامش را ببرید، تا خداوند او را ظاهر گرداند». (۱۴۴) امام زمان علیه السلام نیز فرمود: «از رحمت خدا دور باد، کسی که نام مرا در اجتماع مردم ببرد!». (۱۴۵) با در نظر گرفتن روایات یاد شده، باید دید نظر اهل بیت و هدف آنها درباره بردن نام امام زمان علیه السلام چیست. آیا سخنان امامان معصوم علیهم السلام اختصاص به زمان خاص و شرایط خاصی دارد؟ بزرگان همانند شیخ صدوق رحمه الله (۱۴۶) و علامه مجلسی قدس سره به استناد همین روایات، از بردن نام صریح امام زمان علیه السلام نهی کرده‌اند. علامه مجلسی قدس سره در شرح روایت امام کاظم علیه السلام فرموده است: «این تحدید (تا خداوند او را ظاهر گرداند) به روشنی دلالت می‌کند که هرگز این نهی مربوط به دوران غیبت صغری نمی‌شود که برخی به آن استناد جسته‌اند». (۱۴۷) در برخی از روایات که به روایات ائمه اثنی عشر علیهم السلام معروف هستند، به ویژه روایتی که جابر بن عبد الله انصاری از فاطمه زهرا علیها السلام نقل می‌کند (معروف به حدیث لوح) (۱۴۸) نام‌های دوازده امام برده شده است، که از جمله آنها نام صریح امام زمان علیه السلام است. همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از بردن نام‌های یازده امام، به سلمان فارسی می‌فرماید: «ثم ابنه محمد بن الحسن المهدي القائم بشمر الله». (۱۴۹) و نیز امام حسن عسکری علیه السلام به نام صریح فرزند خود اشاره می‌کند. (۱۵۰) شاید منع امامان معصوم علیهم السلام از بردن نام امام زمان علیه السلام مربوط به دوران خاصی بود که معصومین علیهم السلام می‌خواستند با خودداری از بردن نام حضرت مهدی علیه السلام، پیروان خود را از گزند حوادث محفوظ نگه دارند. شاهدش همان نامه‌ای است که در دوران غیبت صغری، از امام زمان علیه السلام صادر شده و در آن آمده است: «از رحمت خدا دور باد کسی که نام مرا در میان مردم ببرد». (۱۵۱) که ممکن است مراد از کلمه «ناس» اشاره به دشمنان اهل بیت علیهم السلام باشد. اگر این نامه در غیبت کبری صادر شده بود - مانند نامه‌های امام زمان علیه السلام به شیخ مفید رحمه الله - بدون شک می‌گرفتیم اتفاق نظر بر این است که نام صریح حضرت مهدی علیه السلام برده نشود، اما این نامه در دوران غیبت صغری صادر شده است. اگر از همه این احتمالات بگذریم، آنچه که ما را بر آن می‌دارد تا به هر علت و جهت شده، از ذکر نام صریح امام مهدی علیه السلام خودداری کنیم، این است که تعدادی از این روایات مربوط به پیش از ولادت امام مهدی علیه السلام است و برخی دیگر مربوط به پس از ولادت و برخی دیگر مربوط به دوران غیبت صغری است و در تمام آنها نهی شده است که نام صریح امام زمان علیه السلام برده شود، که نشان دهنده این است که این ممنوعیت مربوط به دوران غیبت صغری نیست. شاید هدف و مقصود امامان علیهم السلام این بوده که نام این خلیفه و این ذخیره الهی باید با رعایت ادب برده شود و

سزاوار است که از القاب امام مهدی علیه السلام مانند حجت، قائم، بقیة الله و... استفاده شود، همان گونه که خودشان چنین یاد می‌کردند، چنانکه در حدیثی، امام حسن عسکری علیه السلام به ابوهاشم چنین فرمود: «چه خواهید کرد در روزهایی که نه شخص او را می‌بینید و نه جایز است نامش را ببرید». ابوهاشم گوید: عرض کردم: پس چگونه نام او را یاد کنیم؟ حضرت فرمود: «بگوئید: الحجة من آل محمد علیهم السلام». (۱۵۲)

پرسش ۲۵

چرا به امام زمان علیه السلام منتقم گفته می‌شود؟ پاسخ هر یک از معصومین علیهم السلام به یک لقب مشهور شده‌اند، مثلاً حضرت علی علیه السلام به امیر مؤمنان و امام حسین علیه السلام به سید الشهداء مشهور گشته‌اند. تمام این لقب‌ها ریشه در روایات دارد. امامان معصوم علیهم السلام در برخی روایات و دعاها، لقب «منتقم» را به حضرت مهدی علیه السلام اختصاص داده‌اند. بلکه این لقب را خداوند به امام عصر - ارواحنا له الفداء - داده است. در روایات از امام زمان علیه السلام به عنوان انتقام گیرنده از دشمنان خدا و دشمنان پیامبر و امامان علیهم السلام، به ویژه منتقم خون امام حسین علیه السلام نام برده شده است. از جمله احادیثی که نام معصومین علیهم السلام را برمی‌شمرد، حدیث معراج است. در این حدیث آمده: «وقتی حضرت محمد صلی الله علیه و آله به دعوت پروردگار به دیدار ملک و ملکوت و عالم اعلی رفت، ندا رسید: سر خود را بالا بگیر و نگاه کن. آن حضرت سرش را بلند کرد، نگاهش به نورهای خیره کننده و مقدسی افتاد و به خداوند عرضه داشت: بار الها! این نورهای مقدس چه کسانی هستند؟ ندا رسید: اینها امامان می‌باشند و اینکه - در بین آنها قرار گرفته و - ایستاده است، همانا قائم - عجل الله فرجه الشریف - است؛ آنکه حلال مرا حلال و حرامم را حرام می‌کند، و به وسیله او از دشمنانم انتقام می‌گیرم». (۱۵۳) عایشه گوید: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در دیدار با فرشته وحی، دستور داد هیچ کس نزد او نرود. در این هنگام امام حسین علیه السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت. جبرئیل پرسید: این کودک کیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: فرزندم، او را گرفت و بر زانوی خود نشانید. جبرئیل گفت: او کشته خواهد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چه کسی او را می‌کشد؟ جبرئیل گفت: امت تو وی را خواهند کشت. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: او را می‌کشند؟ جبرئیل گفت: آری. رسول خدا صلی الله علیه و آله گریست. جبرئیل گفت: ای رسول خدا گریه مکن! خداوند به وسیله قائم شما اهل بیت، از آنها انتقام خواهد گرفت. پیامبر فرمود: حیب من، جبرئیل! قائم ما اهل بیت کیست؟ گفت: او نهمین فرد از نسل حسین علیه السلام است. (۱۵۴) امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «ومن قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل انه کان منصوراً» (۱۵۵)؛ و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولی‌اش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم، اما در قتل اسراف نکند، چون او مورد حمایت است. فرمود: «مقصود، حسین بن علی علیهما السلام است که مظلوم کشته شد و ما اولیای او هستیم و حضرت قائم علیه السلام از ماست و هرگاه قیام کند، انتقام خون حسین علیه السلام را می‌گیرد». پس آن قدر از آنها را می‌کشد که برخی می‌گویند: «در کشتن و انتقام گرفتن از قاتلان اسراف کرده است»، (۱۵۶) اما قرآن می‌فرماید: «هرگز در کشتن و انتقام گرفتن اسراف نمی‌کند». امام صادق علیه السلام نیز در تفسیر آن فرمود: «این آیه درباره امام حسین علیه السلام نازل شده است. پس اگر ولی او (امام زمان علیه السلام) تمام اهل زمین را بکشد، هرگز مسرف نخواهد بود». (۱۵۷)

پرسش ۲۶

امام زمان علیه السلام از چه کسانی انتقام می‌گیرد؟ پاسخ از روایات گذشته، چنین روشن شد که امام عصر - ارواحنا فداه - از دشمنان خدا و پیامبر و امامان، به ویژه از دشمنان حسین بن علی علیهما السلام انتقام می‌گیرد. اما چگونه این انتقام قابل تصور است، در حالی که قاتلان جدش بیش از هزاران سال از مرگشان گذشته است؟ این انتقام به دو صورت ممکن است انجام گیرد: ۱.

حضرت مهدی علیه السلام قاتلان امام حسین علیه السلام را زنده می کند و از آنها انتقام می گیرد. ۲. حضرت مهدی علیه السلام از نوادگان قاتلان امام حسین علیه السلام انتقام می گیرد، هر چند دهها واسطه بی آنان و اجدادشان که قاتلان امام حسین علیه السلام هستند، باشد. این انتقام به این دلیل است که آنان نیز جنایت‌های اجداد خود را تأیید می کنند، به همین جهت، آنان نیز مشمول انتقام حضرت حجت علیه السلام قرار خواهند گرفت، اگرچه هزاران سال از ماجرای کربلا گذشته باشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند! مهدی علیه السلام نوادگان قاتلان حسین علیه السلام را به سبب کارهای گذشته پدرانشان مؤاخذه می کند و از آنان انتقام می گیرد». (۱۵۸) هروی از امام رضا علیه السلام پرسید: ای فرزند رسول خدا! درباره این سخن امام صادق علیه السلام که فرمود: «اگر قائم علیه السلام خروج کند، نوادگان قاتلان حضرت سید الشهداء علیه السلام را به سبب اعمال پدرانشان، به قتل می رساند» چه می گویی؟ امام رضا علیه السلام فرمود: «همین است». هروی گفت: پس فرمایش خداوند که می فرماید: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى (۱۵۹)؛ هیچ گناه کاری گناه دیگری را بر دوش نمی کشد. چه می شود؟ آن حضرت فرمود: «راست گفت خداوند در تمام گفته هایش! بدان، نوادگان قاتلان امام حسین علیه السلام به اعمال پدرانشان راضی بوده و بدین کار افتخار می کنند، و هر کس از چیزی راضی باشد، مثل آن است که خودش آن عمل را انجام داده است. اگر مردی در مشرق کشته شود و در مغرب زمین کسی پیدا شود که به کشته شدن او راضی باشد، آن شخص در نزد خداوند شریک قاتل است. پس اینکه می بینی حضرت قائم علیه السلام آنها را می کشد، بدین سبب است که آنان به کارهای پدرانشان راضی می باشند». (۱۶۰)

پرسش ۲۷

چرا به امام زمان علیه السلام، قائم آل محمد علیهم السلام گفته می شود؟ پاسخ یونس بن عبد الرحمن از امام کاظم علیه السلام پرسید: آیا تو همان قائم به حق هستی؟ آن حضرت علیه السلام فرمود: «آری، من قائم به حق هستم، اما آن قائم به حقی که زمین را از دشمنان خدا پاک می کند و آن را پر از عدل و داد می کند، پس از آنکه پر از ظلم و جور شده است، او پنجمین فرزند از اولاد من است که غیبتش طولانی خواهد شد». (۱۶۱) عبد العظیم حسنی به امام جواد علیه السلام گفت: من امیدوارم که تو همان قائم از اهل بیت باشی که زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از جور و ستم شده است. آن حضرت در پاسخ او فرمود: «ای ابوالقاسم! هر یک از ما قائم به امر خدا و هدایت کننده به سوی دین می باشد، اما آن قائمی که خداوند به وسیله او زمین را از اهل کفر پاک می گرداند، همان است که ولادتش بر مردم مخفی شده است و از نظرها غایب خواهد شد». (۱۶۲) با عنایت به اینکه تمام معصومین علیهم السلام دارای این صفت هستند، اما این لقب مخصوص امام زمان علیه السلام است و تقریباً در تمام احادیثی که نام ایشان را می برند، این لقب درباره وجود مقدس امام زمان علیه السلام به کار رفته است. در شرح این لقب سخنانی گفته شده است که به جهت اختصار، به چند سخن بسنده می کنیم: ۱ - قیام و حمایت از دین امام حسین علیه السلام فرمود: «مرد عربی پس از مسلمان شدن، از پیامبر صلی الله علیه وآله پرسید: آیا پس از تو پیامبر هست؟ حضرت صلی الله علیه وآله فرمود: نه، من خاتم پیامبران هستم، اما بدان که پس از من امامانی از نسل من خواهند بود که قائم به قسط می باشند و تعدادشان همان تعداد نقبای بنی اسرائیل می باشد. اولین نفر آنها علی بن ابی طالب است که امام و خلیفه پس از من و نه نفر از صلب این است - و در همان حال دست به سینه ام گذارد - و قائم، نهمین فرد از آنهاست که در آخر الزمان، برای دین قیام می کند، همان گونه که من در نخستین روز برای دین چنین کردم...». (۱۶۳) ۲ - قیام به وسیله شمشیر علقمه بن محمد حضرمی می گوید: از امام صادق علیه السلام خواستم نام امامان را به من بگوید. آن حضرت علیه السلام فرمود: از گذشتگان، علی بن ابی طالب، امام حسن، امام حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی، سپس خودم. عرض کردم: یابن رسول الله! پس از تو کیست؟ فرمود: من به فرزندم، موسی وصیت کردم که او پس از من است. عرض کردم: و پس از موسی چه کسی خواهد بود؟ فرمود: فرزند او علی است که رضا لقب گرفته است و پس از او

فرزندش محمد و پس از محمد، فرزندش علی و پس از علی، فرزندش حسن و فرزند حسن، مهدی - صلوات الله علیهم اجمعین - سپس افزود: پدرم از پدرش، از جد خود، از علی علیه السلام، از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که: «قائم ما هرگاه خروج کند، سیصد و سیزده نفر به عدد رزمندگان جنگ بدر، گرد او جمع می‌شوند». پس زمانی که ظهور او فرا می‌رسد، شمشیری در غلاف بوده و در مقابلش قرار دارد، فریاد بر می‌آورد: «قم یا ولی الله فاقتل أعداء الله (۱۶۴)؛ برخیز، ای ولی خدا و دشمنان خدا را به قتل برسان!». ۳ - قیام پس از مردن نام او صقر بن ابی دلف می‌گوید: از ابوجعفر، امام جواد علیه السلام شنیدم که فرمود: «امام پس از من، فرزندم علی است، امر او امر من، گفتار او گفتار من و طاعت او طاعت من است. امام پس از او، فرزندش حسن است، امر او امر پدرش، گفتار او گفتار پدرش و طاعت او، طاعت پدرش می‌باشد». سپس سکوت کرد. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! چه کسی پس از حسن، امام خواهد بود؟ امام جواد علیه السلام به شدت گریست، سپس فرمود: «پس از حسن، فرزند او قائم به حق، امام منتظر است». عرض کردم: یابن رسول الله! چرا به وی قائم گفته می‌شود؟ فرمود: «چون قیام می‌کند، پس از آنکه نام وی مرده باشد و بیشترین معتقدان به امامتش مرتد شده باشند». (۱۶۵) ابو حمزه ثمالی می‌گوید: به ابوجعفر محمد بن علی، باقر علیه السلام گفتم: ای فرزند رسول خدا! مگر همه شما قائم به حق نیستید؟ فرمود: چرا. گفتم: پس چرا حضرت مهدی علیه السلام قائم نامیده شده است؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: «هنگامی که جدّم حسین علیه السلام به شهادت رسید، فرشتگان در درگاه خداوند به گریه و ضجّه و ناله افتادند و گفتند: خدایا! تو درباره کسی که برگزیده و فرزند برگزیده‌ات را به قتل رسانده است، سکوت می‌کنی؟ ندا رسید: ای فرشتگان! آرام باشید! قسم به عزّت و جلالم! از آنها انتقام خواهم گرفت؛ اگرچه مدّتی از این جرم و جنایت گذشته باشد. سپس حجاب‌ها را نسبت به فرزندان امام حسین علیه السلام از برابرشان کنار زد که فرشتگان با دیدن امامان از نسل امام حسین علیه السلام بسیار شاد و خرسند گشتند و در میان آنها یک نفر ایستاده و در حال نماز بود. ندا رسید: من به وسیله این قائم از آنها انتقام می‌گیرم». (۱۶۶) در روایات دیگر به تعبیرات دیگری برخورد می‌کنیم که تقریباً شبیه به یکدیگر می‌باشند، مثل: قائم بامر الله، (۱۶۷) قائم به قسط، (۱۶۸) قائم به حق. (۱۶۹)

پرسش ۲۸

چه نشانه‌هایی از پیامبران در امام مهدی علیه السلام وجود دارد؟ پاسخ در بسیاری از روایات، از نشانه‌های پیامبران در امام مهدی علیه السلام سخن گفته شده است. قائم آل محمد علیهم السلام وارث پیامبر و علی است و علی علیه السلام وارث هزار سنت از سنت‌های پیامبران گذشته می‌باشد. (۱۷۰) نشانه‌هایی ه از تمام پیامبران در امام مهدی علیه السلام وجود دارد، عبارتند از: ۱ - عمر طولانی آدم و نوح علیهما السلام ۱۰۰۰ سال (۱۷۱) و نوح علیه السلام ۲۵۰۰ سال عمر کردند. (۱۷۲) ۲ - پنهان ماندن تولد ابراهیم و موسی علیهما السلام ولادت حضرت ابراهیم و حضرت موسی علیهما السلام تا مدّت‌ها یک راز بود. مادر حضرت ابراهیم علیه السلام از ترس نمرود، فرزند خود را در غار گذاشت. مادر حضرت موسی علیه السلام نیز از ترس فرعون، فرزند خود را به نیل سپرد. نشانه‌ای که قائم آل محمد علیهم السلام از این دو پیامبر اولوالعزم دارد، این است که وی هنگامی به دنیا آمد که خلفای بنی عباس به دنبال کشتن او بودند. امام حسن عسکری علیه السلام از ترس باخیر شدن مأموران حکومت، بارداری همسر خویش را حتّی از نزدیکان خاصّ و بستگان بسیار نزدیک خود پنهان داشت. تنها حکیمه، که دختر امام جواد و عمّه امام عسکری علیه السلام بود، آن هم در شب ولادت حجّه بن الحسن - ارواحنا فداه - از این راز آگاه شد. حکیمه می‌گوید: ابومحمد در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه. ق کسی را نزد من فرستاد و فرمود: عمه جان! امشب افطارت را در خانه ما صرف کن؛ زیرا خدای - عزّوجلّ - تو را به تولّد ولیّ و حجّت خود بر آفریدگانش و جانشین پس از من، مسرور و شادمان خواهد ساخت. حکیمه گوید: از این سخنان بسیار خوشحال شدم، لباسم را پوشیدم و همان لحظه از خانه بیرون رفتم، تا به ابومحمد رسیدم. او در حیاط نشسته بود و کنیزانش اطراف وی را

گرفته بودند. عرض کردم: فدایت شوم! فرزندت از کدام یک از آنهاست؟ فرمود: از سوسن است. نگاهی به آنها انداختم و آثار بارداری را تنها در سوسن دیدم. (۱۷۳) ۳ - ناشناس بودن حضرت یوسف علیه السلام حضرت یوسف علیه السلام بنا بر علت‌ها و مصلحت‌هایی، مدتی غایب شد آن حضرت را برادرانش در کودکی به چاه انداختند. وی پس از نجات یافتن از چاه، همچنان از نظرها غایب بود و به طور ناشناس در بین مردم زندگی می‌کرد. مردم او را می‌دیدند، اما وی را نمی‌شناختند. (۱۷۴) امام مهدی علیه السلام نیز این گونه است و مردم او را می‌بینند، اما او را نمی‌شناسند. امام صادق علیه السلام فرمود: «نشانه‌ای از یوسف در او، این است که خداوند بین او و سایر مردم حجاب قرار داده. مردم او را می‌بینند، ولی او را نمی‌شناسند». (۱۷۵) ۴ - آزمایش سخت حضرت ایوب علیه السلام حضرت ایوب علیه السلام مورد آزمایش بسیار سخت قرار گرفت و در پایان با سربلندی از این آزمایش بیرون آمد و رحمت گسترده خداوند او را فرا گرفت و گرفتاری‌هایش رفع شد. امام زمان علیه السلام نیز پس از آزمایش بزرگ الهی، سرانجام گشایش برای او حاصل می‌شود و ظهور می‌کند. امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «نشانه‌ای که از ایوب علیه السلام در او هست، فرج پس از گرفتاری و آزمایش است». (۱۷۶) ۵ - جوانی حضرت یونس بن متی علیه السلام یونس بن متی علیه السلام پس از سال‌ها دوری و غیبت از قوم خود، بار دیگر به میان آنها بازگشت. مردم فکر می‌کردند یونس علیه السلام پیر شده است، اما دیدند که او هنوز جوان است. (۱۷۷) امام زمان علیه السلام پس از یک غیبت طولانی که روشن نیست چه قدر طول بکشد، در سیمای جوانی چهل ساله ظهور خواهد کرد. امام باقر علیه السلام به محمد بن مسلم فرمود: «آن شباهتی که از یونس بن متی علیه السلام در او هست، این است که پس از بازگشت از غیبت، به سیمای جوان خواهد بود». (۱۷۸) امام رضا علیه السلام نیز فرمود: «از نشانه‌های امام دوازدهم این است که آن بزرگوار از نظر سن پیر است، اما سیمایی جوان دارد که هر بیننده‌ای گمان می‌برد آن حضرت چهل ساله است و یا کم‌تر از چهل سال دارد». (۱۷۹) ۶ - نشانه‌ای از حضرت عیسی علیه السلام گروهی درباره حضرت عیسی علیه السلام گفتند که او هرگز متولد نشده و گروهی دیگر گفتند که وی مرده است. (۱۸۰) درباره امام عصر - ارواحنا له الفداء - نیز چنین سخنی گفته شده است. ۷ - نشانه‌ای از محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در روایات، درباره حضرت مهدی علیه السلام آمده است «یهتدی بهداه و یسیر بسیرته» (۱۸۱)؛ امام مهدی علیه السلام به روش پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را هدایت کرده و به سیره آن حضرت صلی الله علیه و آله عمل می‌کند. امام صادق علیه السلام فرمود: «امام مهدی علیه السلام راه و روش رسول خدا صلی الله علیه و آله را در پیش می‌گیرد». همچنین روایت شده است: «نشانه‌ای که امام مهدی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله دارد، این است که با شمشیر قیام می‌کند». (۱۸۲) امام باقر علیه السلام نیز فرمود: «آن نشانه‌ای که از محمد صلی الله علیه و آله دارد، این است که سیره و روش آن حضرت را در پیش می‌گیرد و آثارش را تبیین می‌کند. سپس شمشیر بر شانه خود می‌گذارد و در هشت ماه، دشمنان خدا را به قتل می‌رساند». (۱۸۳) چرا حضرت مهدی علیه السلام با شمشیر قیام می‌کند؟ از بین پاسخ‌هایی که به این پرسش داده شده است، به دو پاسخ از آنها بسنده می‌کنیم: ۱. احتمال دارد وقوع جنگ‌های هسته‌ای پیش از ظهور، باعث از بین رفتن تمدن بشر شود. از این رو، سلاحی غیر از شمشیر در عصر ظهور وجود نخواهد داشت. ۲. احتمال دارد شمشیر رمز قدرت باشد و حضرت مهدی علیه السلام با سلاح روز با دشمنان بجنگد.

پرسش ۲۹

آیا میراث پیامبران نزد امام مهدی علیه السلام وجود دارد؟ پاسخ حکومت حضرت مهدی علیه السلام تجلی قدرت لا یتناهی خداوند است. اراده و خواست خداست که به این بنده صالحش چنان قدرتی دهد تا یادآور خاطره تمام پیامبران باشد. اینک به معرفی میراث پیامبران که نزد امام مهدی علیه السلام وجود دارد، می‌پردازیم: ۱ - عمامه و پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور، عمامه سفید جدش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بر سر می‌نهد (۱۸۴) و پیراهن خون‌آلود او را -

در جنگ احد - می‌پوشد. امام صادق علیه السلام به یعقوب بن شعیب فرمود: «آیا نمی‌خواهی پیراهن قائم آل محمد علیهم السلام را که در روز ظهور به تن می‌کند، به تو نشان دهم؟» عرض کردم: آری. آن حضرت صندوقی را خواست که برای او آوردند و پیراهنی از آن بیرون آورد و در مقابل یعقوب باز کرد. یعقوب می‌گوید: ناگاه چشمم به آستین چپ پیراهن افتاد که آغشته به خون بود. آن حضرت فرمود: «این پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله است. روزی که دندان‌های پیشین آن حضرت را شکستند، این پیراهن را پوشیده بود. قائم علیه السلام با همین پیراهن قیام می‌کند». یعقوب می‌گوید: خون‌ها را بوسیدم و به چشم کشیدم. آن‌گاه امام پیراهن را پیچید و در جای خود قرار داد. (۱۸۵) ۲ - زره و شمشیر ذوالفقار پیامبر صلی الله علیه و آله امام صادق علیه السلام داشتن سلاح‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله را از نشانه‌های امامت می‌داند. حارثه بن المغیره نصری گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: امام به چه چیز شناخته می‌شود؟ آن حضرت فرمود: «به سکینه و وقار». عرض کردم: و دیگر به چه چیز؟ آن حضرت فرمود: «او را بوسیله شناختن حلال و حرام و نیاز مردم به او و بی‌نیازی او از مردم و سلاح پیامبر صلی الله علیه و آله نزد او می‌شناسی». (۱۸۶) ۳ - پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله پرچم پرافتخار پیامبر صلی الله علیه و آله که جبرئیل در روز بدر برای آن حضرت آورد و با به اهتزاز در آمدنش مسلمانان پیروز شدند، همراه مهدی خواهد بود. حضرت علی علیه السلام نیز این پرچم را در بصره به اهتزاز در آورد و چشم فتنه را کور کرد. مؤمنان اصرار ورزیدند تا حضرت علی علیه السلام آن پرچم را در صفین به اهتزاز در آورد، ولی آن حضرت نپذیرفت و فرمود: «این پرچمی است که بعد از من، کسی جز حضرت قائم علیه السلام آن را به اهتزاز در نمی‌آورد». (۱۸۷) حضرت زین العابدین، امام سجاد علیه السلام به ابو خالد کابلی فرمود: «گویا می‌بینم صاحب شما بر بلندی نجف در پشت کوفه قرار گرفته است، در حالی که پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را برافراشته است و آن را به سوی هیچ گروهی نمی‌برد مگر آنکه خداوند نابودشان می‌سازد». (۱۸۸) ۴ - عصای حضرت موسی علیه السلام امام باقر علیه السلام فرمود: «عصای موسی علیه السلام پیش از آنکه در دست حضرت موسی علیه السلام باشد، عصای حضرت آدم علیه السلام بود. سپس به حضرت شعیب علیه السلام و بعد به حضرت موسی علیه السلام رسید و اکنون این عصا نزد ماست. رنگ این عصا همچنان سبز است و همان شکل اول خود باقی است. اگر از آن بپرسی، پاسخ می‌دهد: این عصا برای قائم ما - عجل الله فرجه الشریف - ذخیره گردیده است. او با عصا همان کاری می‌کند که حضرت موسی علیه السلام انجام داد». (۱۸۹) ۵ - سنگ حضرت موسی علیه السلام سنگی که حضرت موسی علیه السلام بر آن زد و چشمه‌های آب از آن روان شد، نزد امام مهدی علیه السلام است. وقتی آن حضرت علیه السلام به سوی کوفه حرکت می‌کند، یکی از یاورانش فریاد می‌زند: هیچ کس آب و غذا بر ندارد. آن‌گاه سنگ حضرت موسی علیه السلام را بر شتر می‌نهند و همراه خود می‌برند. در هیچ منزلی فرود نمی‌آیند مگر آنکه چشمه‌ای از آن سنگ روان می‌شود و گرسنگان بی‌نیاز و تشنگان سیراب می‌شوند. (۱۹۰) ۶ - تابوت سکینه این همان صندوقی است که خداوند برای مادر موسی علیه السلام فرستاد تا نوزادش را در آن قرار دهد و در دریا رها کند. حضرت موسی علیه السلام در پایان عمر، لوح‌ها و زره و همه آثار نبوتش را در آن قرار داد. (۱۹۱) به گفته برخی محققان، تمثال‌های پیامبران خدا در این تابوت جای داشت. بنی اسرائیل این تابوت را در جنگ‌ها با خود حمل می‌کرد و در پرتو آن، پیروزی به دست می‌آورد. (۱۹۲) قائم آل محمد علیهم السلام هنگام ظهور و رفتن به سوی بیت المقدس، آن تابوت را همراه خاتم سلیمان علیه السلام و لوح‌های موسی علیه السلام بیرون می‌آورد. (۱۹۳) ۷ - مجموعه‌ای دیگر از آثار پیامبران امام صادق علیه السلام فرمود: «لوح‌ها و عصای موسی و خاتم سلیمان علیهما السلام نزد من است، ظرفی که حضرت موسی علیه السلام در آن برای خدا قربانی می‌کرد، تابوتی که فرشتگان آن را حمل کردند و آوردند، و نیز نامی که پیامبر برای حفظ مسلمانان از تیرهای مشرکان آن را در میان صف‌های لشکر قرار می‌داد، پیش من است». (۱۹۴) ۸ - کتاب‌های آسمانی تمام کتاب‌های آسمانی توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اهل بیت علیهم السلام انتقال یافت. اکنون همه آنها در اختیار آخرین ذخیره الهی است. روزی که حضرت بقیه الله - عجل الله فرجه الشریف - به فرمان

پروردگار از پس پرده غیبت بیرون آید، تمام آنها را با خود می‌آورد. امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند هیچ چیز به پیامبران نداد مگر اینکه آن را به محمد صلی الله علیه وآله نیز عطا کرد. آن صحفی که قرآن درباره‌اش فرمود: صحف ابراهیم و موسی، نزد ماست.» (۱۹۵) ۹ - قرآنی که حضرت علی علیه السلام آن را گرد آورد روزی که رسول خدا صلی الله علیه وآله دار فانی را وداع گفت، حضرت علی علیه السلام به سفارش وی در خانه نشست تا قرآن را گرد آورد. او پس از پایان کار، قرآن را به مسجد برد و به ابوبکر عرضه کرد. عمر گفت: ای علی! این قرآن را به جای خود برگردان، ما نیازی به آن نداریم. حضرت علی علیه السلام آن را گرفت و به خانه برگشت. هنگامی که عمر به خلافت رسید. روزی به علی علیه السلام گفت: اگر بخواهی می‌توانی قرآنی که نزد ابوبکر آوردی، اکنون بیاوری تا گرد آن جمع شویم. حضرت فرمود: «هیئات! راهی برای رسیدن به آن نیست. من در زمان ابوبکر چنان کردم تا بر شما اتمام حجت کرده باشم و در روز قیامت نگویید: ما از این غافل بودیم، یا برای ما نیاموردی. اکنون این قرآن نزد من است و جز پاکان و جانشینان من کسی به آن دست نمی‌زند.» عمر گفت: آیا زمانی برای اظهار این قرآن وجود دارد؟ حضرت فرمود: «آری! هنگامی که قائم از فرزندانم ظهور کند.» (۱۹۶) همچنین تمام کتاب‌ها و نوشته‌های معصومین علیهم السلام به نام‌های صحیفه جامعه (۱۹۷) که املائی رسول خدا و خطّ علی - علیهما السلام - بود، کتاب علی، (۱۹۸) مصحف فاطمه، (۱۹۹) جعفر ایضاً، (۲۰۰) جعفر احمر (۲۰۱) و صحیفه‌هایی که نام تمام پیامبران، پادشاهان و پیروان اهل بیت علیهم السلام بر آن نوشته است، نزد امام عصر قرار دارد. شایان ذکر است که قرآن کنونی، همان قرآنی است که علی علیه السلام آن را به دستور پیامبر صلی الله علیه وآله جمع کرد و می‌خواست آن را عرضه کند که با مخالفت شدید عمر بن الخطاب رو به رو گردید.

بخش هفتم: دولت جهانی حضرت مهدی علیه السلام

مقدمه

بر اساس آیات قرآن و روایات، دولت کریمه امام مهدی علیه السلام از ویژگی‌هایی برخوردار است که تاکنون هیچ دولتی، حق یا باطل، بر آن دست نیافته است. خداوند تمام آن زیبایی‌ها را برای حکومت آخرین ذخیره‌اش که در آخر الزمان استقرار خواهد یافت، قرار داده است. این بخش، به بیان تحولات عظیم آن روز، از جمله زنده شدن برخی مردگان و آمدن عیسی و سایر پیامبران علیهم السلام می‌پردازد.

پرسش ۳۰

آیا حکومت امام زمان علیه السلام، جهانی است؟ پاسخ ۱ - قرآن درباره جهانی شدن دین اسلام می‌گوید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (۲۰۲)؛ او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آنها را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هرچند مشرکان کراهت داشته باشند. با توجه به اینکه هنوز دین اسلام، دین تمام مردم جهان نشده است و وعده خداوند تخلف‌ناپذیر است، باید روزی برسد که این دین بر تمام جهان سایه افکند و این وعده ممکن نیست مگر با آمدن مهدی موعود علیه السلام که با تشکیل حکومت جهانی، دین اسلام را طبق وعده الهی، در جهان پیاده می‌کند. ۲ - در قرآن آمده است: «لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (۲۰۳)؛ در زبور، بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد. چون این وعده تاکنون تحقق نیافته است، بنابر روایات این وراثت به دست توانای امام مهدی علیه السلام تحقق خواهد یافت. (۲۰۴) ۳ - امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ طَوْعًا وَكَرْهًا»؛ و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، از روی اختیار یا از روی اجبار، در برابر - فرمان - او تسلیم‌اند، فرمود:

«إذا قام القائم لا يبقى أرض إلّا نودی فیها شهادة أن لا إله إلّا الله» (۲۰۵)؛ هنگام قیام قائم آل محمد علیهم السلام جایی روی زمین نمی‌ماند، مگر آنکه در آن شهادت به وحدانیت خدا داده خواهد شد. ۴ - بنابر روایات بسیاری از پیامبر و ائمه معصومین - علیهم السلام -، حضرت مهدی علیه السلام زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده بود. این روایات در تمام کتاب‌های سنّی و شیعه آمده است. ۵ - امام باقر علیه السلام فرمود: «یفتح الله له شرق الأرض وغربها» (۲۰۶)؛ خداوند برای او شرق و غرب زمین را فتح خواهد کرد. ۶ - افزون بر آنچه گذشت، برخی دیگر از روایات از حکومت حضرت مهدی علیه السلام بر حجاز، ایران، عراق، شام، روم، قسطنطنیه، ارمنیه، چین و بسیاری از کشورها خبر داده است.

پرسش ۳۱

امام زمان علیه السلام در چه روزی ظهور می‌کند؟ پاسخ معروف است که امام زمان علیه السلام در روز جمعه ظهور می‌کند، ولی بر اساس روایاتی که از امام باقر و امام صادق - علیهما السلام - نقل گردیده است، آن حضرت در روز شنبه قیام می‌کند. در کتاب خصال آمده است: امام صادق علیه السلام فرمود: «یخرج قائمنا أهل البيت یوم الجمعة» (۲۰۷)؛ قائم ما اهل بیت در روز جمعه قیام می‌کند. در کمال الدین آمده است: امام باقر علیه السلام فرمود: «یخرج القائم یوم السبت یوم عاشوراء الیوم الذی قتل فیہ الحسین علیه السلام» (۲۰۸)؛ حضرت قائم علیه السلام روز شنبه، روزی که امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، قیام می‌کند. شیخ طوسی رحمه الله می‌نویسد: امام باقر علیه السلام فرمود: «کأنی بالقائم یوم عاشوراء یوم السبت قائماً بین الرکن والمقام بین یدیه جبرئیل وینادی الیبعه لله، فیملاًها عدلاً کما ملئت ظلماً وجوراً» (۲۰۹)؛ گویا قائم علیه السلام را می‌بینم که در روز عاشورا، روز شنبه بین رکن و مقام ایستاده است، در حالی که جبرئیل در مقابلش قرار گرفته، ندا می‌کند: الیبعه لله. که با قیام خود، زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده بود. برخی از بزرگان گفته‌اند: بر اساس روایات، امام مهدی علیه السلام در روز شنبه قیام می‌کند. این روایات را شیخ صدوق رحمه الله در کمال الدین، شیخ طوسی رحمه الله در کتاب الغیبه و شیخ مفید رحمه الله در کتاب ارشاد (۲۱۰) نقل کرده است. در این روایات، همچنین تصریح شده است که امام زمان علیه السلام در روز شنبه قیام می‌کند. شاید در جمع بین این دو روایت، بتوان گفت: آن حضرت در روز جمعه ظهور می‌کند و در روز شنبه قیام می‌نماید، یعنی روز ظهور با روز قیام تفاوت دارد. اگر ملاک را روز عاشورا قرار دهیم، نه روز شنبه؛ باید دید امام حسین علیه السلام در چه روزی به شهادت رسید و بر اساس آن روز ظهور حضرت مهدی علیه السلام را مشخص کرد. به نظر می‌رسد که روز قیام، همان روز شنبه است؛ زیرا چه آنان که روز شنبه را مطرح کرده‌اند و چه آنان که روز عاشورا را گفته‌اند، روز خروج امام زمان علیه السلام را روز شنبه می‌دانند.

پرسش ۳۲

امام عصر علیه السلام چند سال حکومت می‌کند؟ پاسخ مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام معلوم نیست؛ زیرا روایاتی که در این باره وجود دارد، با هم اختلاف دارد. مدّت‌هایی که در روایات، برای حکومت مشخص شده، عبارت است از: چهل روز (۲۱۱)؛ هفت سال (۲۱۲)؛ هفت یا هشت یا نه سال (۲۱۳)؛ نه سال (۲۱۴)؛ ده سال (۲۱۵)؛ نوزده سال (۲۱۶)؛ بیست سال (۲۱۷)؛ سیصد و نه سال (۲۱۸). گروهی از دانشمندان بر این باورند که این احادیث باید توجیه گردند و الا با تعارضی که بین احادیث وجود دارد، همه اعتبار خود را از دست خواهند داد، و فقط روایت هفت سال که در اخبار و روایات اهل بیت علیهم السلام آمده، قابل قبول است. امام باقر علیه السلام درباره دوران حکومت مهدی علیه السلام به ابوبصیر فرمود: «فلک در گردش خود، چنان کند شود که هر سال به ده سال به طول انجامد». ابوبصیر پرسید: آیا ممکن است سال‌ها این اندازه طول بکشد؟ حضرت فرمود: «خداوند امر می‌کند که افلاک حرکت خویش را کاهش دهند». ابوبصیر پرسید: می‌گویند اگر نظام افلاک تغییر کند، به هم می‌ریزد. آن حضرت فرمود:

«این گفته زنادقه است، مسلمانان چنین سخنی را می‌گویند. خداوند برای پیامبرش شقّ القمر نمود و آفتاب را برای یوشع بن نون برگرداند و خبر داده است که روز قیامت برابر است با هزار سال». (۲۱۹) امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «یملک القائم سبع سنین، تکون سبعین سنه من سنیکم هذه» (۲۲۰)؛ حضرت قائم علیه السلام هفت سال حکومت می‌کند که برابر است با هفتاد سال از سال‌های شما. شیخ مفید رحمه الله در ارشاد می‌گوید: «روایت شده که مدت حکومت حضرت قائم علیه السلام نوزده سال است، اما سال‌هایی که روزها و ماه‌های طولانی است، و این امری است غیبی و دانستنش بر ما پوشیده است و این چنین برای ما روایت شده است. پس ما به یک طرف جزم و قطع نمی‌کنیم، گرچه روایت هفت سال اظهر است». (۲۲۱)

پرسش ۳۳

محلّ سکونت امام مهدی علیه السلام کجاست؟ پاسخ ۱ - دوران پیش از غیبت بدون شک، امام عصر - ارواحنا له الفداء - در شهر سامرا به دنیا آمد. آن حضرت تا روز شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در منزل پدرش در شهر سامرا بود. حکیمه، عمه امام حسن عسکری علیه السلام چندین بار حضرت مهدی علیه السلام را پیش از شهادت امام عسکری علیه السلام، در خانه پدرش دیده بود و امام عسکری علیه السلام در یکی از ملاقات‌های احمد بن اسحاق با ایشان که در منزل آن حضرت بود، فرزند خود را به او نشان داد. (۲۲۲) یعقوب بن منقوش از امام عسکری علیه السلام پرسیده بود: مولای من! بعد از شما، چه کسی به امامت می‌رسد؟ آن حضرت فرمود: «پرده را کنار بزن. او نیز پرده را کنار زد و کودکی از پس پرده بیرون آمد و بر زانوی پدر نشست». امام عسکری علیه السلام در حال احتضار به پیشکار خود به نام عقید فرمود: «وارد اتاق شو، کودکی را در حال سجده می‌بینی، او را نزد من بیاور». (۲۲۳) ۲ - دوران غیبت صغری در دوران غیبت صغری که حدود ۷۴ سال طول کشید، محلّ سکونت حضرت مهدی علیه السلام مشخص نبود. به نظر می‌رسد آن حضرت در عراق سکونت داشت؛ زیرا چهار نایب خاص آن حضرت که با او رابطه مستقیم داشتند، در عراق، به ویژه در شهر بغداد می‌زیستند. و از اینکه نامه‌های مردم را می‌گرفتند و به حضرت می‌رساندند و جوابش را دریافت می‌کردند. می‌توان حدس زد که حضرت محل سکونت خود را جایی قرار داده بود که امکان دسترسی نایبان و تماس با حضرتش آسان باشد؛ بدین جهت، جز این چهار نفر، کسی از محل سکونت آن حضرت اطلاعی نداشت. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «برای قائم علیه السلام دو غیبت است، یکی از آن دو کوتاه و دیگری طولانی. در غیبت نخست کسی جای او را نمی‌داند، مگر شیعیان خاص او». (۲۲۴) به نظر می‌رسد: منظور از شیعیان خاص، نواب اربعه باشند. ۳ - دوران غیبت کبری امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: «ونعم المنزل طیبه». (۲۲۵) علامه مجلسی رحمه الله فرمود: «همین جمله دلالت می‌کند که آن حضرت بیشتر در مدینه و اطراف آن می‌باشد». (۲۲۶) امام باقر علیه السلام به کوه طوی اشاره فرمود. (۲۲۷) با این وجود، هیچ کس محل سکونت او را نمی‌داند. (۲۲۸) امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی بر محل سکونت امام زمان آگاهی نمی‌یابد، نه فرزندان او و نه شخص دیگری، جز خدمتکار حضرت مهدی علیه السلام». (۲۲۹) امام عصر - ارواحنا له الفداء - به ابراهیم بن مهزیار فرمود: «پدرم از من پیمان گرفته که در سرزمین پهناور و دور دست مسکن گزینم تا از نیرنگ‌های گمراهان و متمردان امت تازه به دوران رسیده و گمراه، نهان و مصون باشم. این پیمان مرا بر فراز تل‌های بلند و ریگزارها و سرزمین‌های مورد اطمینان افکنده است». (۲۳۰) علامه مجلسی رحمه الله از علی بن فاضل، داستان ورودش به جزیره خضراء را نقل کرده است. گرچه علی بن فاضل در این جزیره موفق به دیدار امام زمان علیه السلام نشده است. اما وی از ملاقات‌هایی که با برخی داشته، چنین استنباط کرده است که این جزیره محلّ سکونت آن حضرت می‌باشد. برخی با استناد به این ماجرا می‌خواهند بگویند: محل سکونت امام زمان علیه السلام در همین جزیره است. برخی دیگر پا را فراتر نهاده، با منطبق نمودن اوصاف جزیره خضراء - که اطراف آن را آب‌های سفیدی گرفته است - بر مثلث برمودا عقیده دارند که مثلث برمودا محل سکونت امام زمان علیه السلام است و می‌گویند: کسی نمی‌تواند به آن محل

برسد، زیرا هر چه قدرت‌های بزرگ تلاش کرده‌اند به آن برسند، بی‌نتیجه بوده است. (۲۳۱) این نظریه صحیح نیست، زیرا، اولاً: کسی از محل زندگی امام عصر - ارواحنا له الفداء - اطلاع دقیقی ندارد. ثانیاً: اصل ماجرای علی بن فاضل به دلیل تناقضاتی که در آن مشاهده می‌شود، مورد خدشه است و از اصل درستی برخوردار نمی‌باشد، تا چه رسد به انطباق برمودا بر آن جزیره مورد ادعا. (۲۳۲) با استناد برخی روایات، امام عصر - ارواحنا فداء - در همه جا حضور پیدا می‌کند و یوسف‌وار، به طور ناشناس در بین مردم رفت و آمد می‌کند و بر فرش مردم قدم می‌گذارد، در حالی که مردم او را نمی‌شناسند. (۲۳۳) بنابراین، آن حضرت در همه جا حضور پیدا می‌کند، اما ما او را نمی‌شناسیم. یکی از مکان‌هایی که بنابر روایت امام صادق علیه السلام، حضرت مهدی علیه السلام در آنجا حضور پیدا می‌کند، صحرای عرفات است. امام زمان علیه السلام همه ساله در ایام حج، در عرفات حضور پیدا می‌کند. امام صادق علیه السلام فرمود: «زمانی فرا رسد که مردم امام خود را نبینند، امام آنها، ایام حج آنها را می‌بیند، ولی آنها او را نمی‌توانند ببینند». (۲۳۴) بسیاری از علما در کربلا، نجف، کوفه، مدینه، مکه، مسجد الحرام و شهرهایی که دارای مکان‌های مقدّس است، امام علیه السلام را زیارت کرده‌اند. ۴ - دوران ظهور در دوران ظهور، امام عصر علیه السلام در مسجد سهله که ده‌ها هزار پیامبر در آن نماز گزارده‌اند، اقامت دارد. امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: «ای ابامحمد! گویا آمدن حضرت قائم - عجل الله فرجه الشریف - به مسجد سهله را می‌بینم که همراه زن و فرزندان خود، در آنجا اقامت می‌کنند». ابوبصیر می‌گوید: عرض کردم: آیا مسجد سهله منزل او خواهد بود؟ حضرت فرمود: «آری این (مسجد) منزل ادریس علیه السلام است و خداوند پیامبری را مبعوث نکرده، مگر آنکه در آنجا نماز خوانده است. هر کس در این مسجد بیتوته کند، مانند آن است که در چادر و خیمه پیامبر صلی الله علیه و آله اقامت کرده است». (۲۳۵)

پرسش ۳۴

چه تحولاتی در زمان امام عصر علیه السلام رخ می‌دهد؟ پاسخ در روایات بسیاری، معصومین علیهم السلام از تحولات عظیم در زمان امام عصر - ارواحنا له الفداء - خبر داده‌اند، از جمله اینکه امام مهدی علیه السلام دو کار اساسی انجام می‌دهد که طلیعه تمام برنامه‌هایش می‌باشد: ۱. دولت‌های باطل را سرنگون می‌سازد. امام صادق علیه السلام فرمود: «إذا قام القائم، ذهب دولة الباطل». (۲۳۶) ۲. جهان را پر از عدل و داد می‌سازد. در دولت مهدی موعود - عجل الله فرجه الشریف - دیگر به کسی ظلم نمی‌شود؛ بشر استثمار نمی‌گردد؛ سطح فکر بشر به عالی‌ترین درجه می‌رسد؛ بیماری، بیکاری، پریشانی و سرگردانی در دولت آن حضرت از بین می‌رود و تمامی منابع و گنج‌ها مورد استفاده و بهره‌برداری قرار می‌گیرد؛ انسان‌ها در سراسر گیتی از نعمت رفاه، آسایش، امنیت، عدالت، صلح و صفا برخوردار خواهند شد. و اینها در سایه اجرای درست و کامل تعالیم حیات‌بخش اسلام و احکام جاوید و خرد پسند قرآن حاصل می‌گردد. آزادی، آسایش، لذت، اتحاد، اتفاق، برادری و برابری که از آغاز خلقت، همه انسان‌ها در جستجوی آن هستند، در حکومت واحد جهانی آخرین برگزیده خدا پدید می‌آید (۲۳۷). حضرت مهدی علیه السلام اسلام ناب محمدی را در جامعه پیاده می‌کند، اینک به بخشی از فعالیت‌های آن حضرت در دوران حکومتش می‌پردازیم: ۱. دزدان و غارتگران اموال کعبه را دستگیر و دست بنی شیبه را بدین جهت قطع خواهد کرد. ۲. دشمنان امیر مؤمنان علیه السلام، اگر اسلام ناب محمدی را نپذیرند، توسط آن حضرت کشته می‌شوند. ۳. از دشمنان انتقام می‌گیرد. ۴. به تمام قوانین و رسم‌های جاهلیت پایان می‌دهد. ۵. صلیب را خرد می‌کند. ۶. رفاه، امنیت، عدل و مساوات را به بالاترین حدّ خود می‌رساند. ۷. سالی دو بار اموالی را بین مردم تقسیم می‌کند و ماهی دو مرتبه حقوق می‌دهد. ۸. ظلم و جور را از بین می‌برد. ۹. امنیت کامل را برقرار می‌سازد. ۱۰. به طور مساوی اموال را بین مردم تقسیم می‌کند. (۲۳۸) ۱۱. دست خود را بر سر مردم می‌کشد و عقل‌های آنان را کامل می‌گرداند. ۱۲. دانش‌های مخفی را بر بشر ظاهر می‌گرداند. ۱۳. آموزش‌های قرآنی و علوم وابسته به آن را در همه جا فراگیر می‌سازد. ۱۴.

تمام گنج‌های زمین را بیرون می‌آورد و به بهره‌برداری می‌رساند. ۱۵. مسجدی در نجف می‌سازد که هزار در دارد. ۱۶. بزرگراه‌ها را توسعه می‌دهد. ۱۷. نهر آبی از کنار قبر ابی عبد الله الحسین علیه السلام به نجف می‌برد. ۱۸. دستور می‌دهد آنان که طواف مستحبی دارند حجر الأسود و مطاف را به افرادی که طواف واجب دارند، بسپارند، تا مزاحمتی برای انجام اعمالشان نباشد. امام عصر تحوّل عظیم و شگرف در جهان به وجود می‌آورد. امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: «هنگامی که قائم ما علیه السلام ظهور می‌کند، مردم را به امر جدیدی دعوت می‌کند، همان‌گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین کرد.» (۲۳۹)

پرسش ۳۵

رجعت چیست و ادله آن کدام است؟ پاسخ در بسیاری از روایات، ائمه معصومین علیهم السلام از زنده شدن گروهی از مردگان هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام سخن گفته‌اند. برخی از مردگان به اذن خداوند زنده می‌شوند و مدتی جهت بهره جستن از حکومت امام عصر علیه السلام در سایه حکومت آن حضرت زندگی خواهند کرد. آیا زنده شدن مردگان ممکن است؟ آیا تاکنون مرده‌ای زنده شده است؟ علت زنده شدن آنها چیست؟ زنده شدن مردگان نه تنها عقلاً محال نیست، بلکه واقع شده است و قرآن نیز در چند آیه، به این موارد اشاره فرموده است، از جمله می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ وَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ» (۲۴۰)؛ آیا نگاه نمی‌کنید به سرنوشت کسانی که از شهرهایشان خارج گردیدند، در حالی که هزاران نفر بودند، پس خداوند به آنان گفت: بمیرید، سپس همه را زنده گردانید. «أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ لَبِثْتُ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوها لَحْمًا، فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (۲۴۱)؛ یا همانند کسی که از کنار یک آبادی - ویران شده - عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن به روی سقف‌ها فرو ریخته بود (و اجساد و استخوان‌های اهل آن، در هر سو پراکنده بود. او با خود) گفت: چگونه خداوند اینها را پس از مرگ زنده می‌کند؟ (در این هنگام) خدا او را یک‌صد سال میراند، سپس زنده کرد و به او فرمود: چقدر درنگ کردی؟ گفت: یک روز یا بخشی از یک روز. فرمود: نه، بلکه یک‌صد سال درنگ کردی. نگاه کن به غذا و نوشیدنی خود (که همراه داشتی، با گذشت سال‌ها) هیچ‌گونه تغییر نیافته است! (خدایی که چنین مواد فاسد شدنی را در طول این مدت حفظ کرده، بر همه چیز قادر است) ولی به مرکب خود نگاه کن (چگونه از هم متلاشی شده، این زنده شدن تو پس از مرگ هم برای اطمینان خاطر توست، و هم) برای اینکه تو را نشانه‌ای برای مردم (در مورد معاد) قرار دهیم. (اکنون به استخوان‌های مرکب سواری خود) نگاه کن که چگونه آنها را برداشته، به هم پیوند می‌دهیم و گوشت بر آن می‌پوشانیم! هنگامی که (این حقایق) بر او آشکار شد، گفت: می‌دانم خدا بر هر کاری تواناست. «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لِمَ تُؤْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَلَئِن لِّيُطَمِّنَنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَعَلَّمَ إِبْرَاهِيمَ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (۲۴۲)؛ و (به خاطر بیاور) هنگامی که ابراهیم علیه السلام گفت: خدایا! به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟ فرمود: مگر ایمان نیاورده‌ای؟! گفت: چرا، ولی می‌خواهم قلبم آرامش یابد. فرمود: در این صورت چهار نوع مرغ از مرغان انتخاب کن و آنها را (پس از ذبح کردن) قطعه قطعه کن، سپس بر هر کوهی قسمتی از آن قرار بده، بعد آنها را فراخوان، به سرعت به سوی تو می‌آیند و بدان که خداوند غالب و حکیم است. مرحوم طبرسی در مجمع البیان، در تفسیر آیه «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ» (۲۴۳) می‌فرماید: «بنابر روایات فراوان از ائمه علیهم السلام، خداوند هنگام ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام، گروهی از شیعیان و پیروان را که از دنیا رفته‌اند، زنده می‌گرداند تا به ثواب یاری آن حضرت بشتابند و در دولت‌ش اظهار شادمانی و سرور و خوشحالی بنمایند». همچنین خداوند عده‌ای از دشمنان خود را زنده می‌گرداند، تا به وسیله حضرت مهدی علیه السلام از آنها انتقام

گرفته شود... و هیچ عاقلی شک ندارد که این کار مقذور خداوند متعال و غیر محال است و خداوند شبیه همین را در امت‌های گذشته انجام داده و قرآن در موارد متعددی در این باره سخن گفته است. (۲۴۴) مرحوم صدوق در کتاب اعتقادات، درباره اعتقاد به رجعت می‌فرماید: «اعتقاد ما درباره رجعت این است که حق است». (۲۴۵) مرحوم سید مرتضی، ضمن نقل اجماع امامیه بر زنده شدن و رجعت عده‌ای از مؤمنان هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌نویسد: «آنچه را که شیعه امامیه معتقدند، هیچ عاقلی شبهه نمی‌کند که این کار مقذور خداوند متعال است و جزو محالات شمرده نمی‌شود». (۲۴۶) شیخ مفید رحمه الله می‌فرماید: «خداوند هنگام ظهور و قیام امام مهدی علیه السلام، گروهی از مردگان را به صورت‌های قبلی خودشان زنده می‌کند و بر می‌گرداند. پس به یک دسته عزت می‌بخشد و دسته دیگر را ذلیل و خوار می‌گرداند... تمام امامیه بر همین نظر هستند، مگر عده بسیار کمی که روایات را تأویل می‌کنند». (۲۴۷) و از زمان شیخ صدوق رحمه الله تاکنون، بزرگان شیعه بخش عظیمی از کتاب‌ها و نوشته‌های خود را به رجعت اختصاص داده‌اند، که علامه آغا بزرگ طهرانی در کتاب خود (۲۴۸) بخشی از آنها را نام برده است. از جمله بزرگانی که سالیان درازی وقت خود را صرف دفاع از این عقیده کرده است، مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد رضا طبسی (پدر نگارنده) است که حاصل تلاش‌های وی کتابی در دو جلد به نام «الشیعة والرجعة» می‌باشد.

پرسش ۳۶

چه کسانی هنگام ظهور حضرت زنده می‌شوند؟ پاسخ کسانی که برای بهره جستن از حکومت امام زمان علیه السلام و کمک به آن حضرت زنده می‌شوند، دو دسته هستند: ۱. دسته اول کسانی هستند که نامشان در روایات آمده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «از پشت شهر کوفه (۲۴۹)، همراه قائم علیه السلام، بیست و هفت مرد خارج می‌شوند. پانزده نفر از آنان جزء یاران حضرت موسی علیه السلام هستند. هفت نفر از آنان جزء اصحاب کهف هستند. یوشع بن نون، سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، مقداد و مالک اشتر نیز جزء آنان هستند. پس اینان در خدمت امام زمان علیه السلام به عنوان یاران و فرمانروایان حکومتش خواهند بود». (۲۵۰) امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر فرمود: «ای مفضل! تو همراه چهل و چهار نفر زنده می‌شوی و همراه حضرت قائم علیه السلام خواهی بود و تو در طرف راست حضرت قائم علیه السلام خواهی بود و امر و نهی می‌کنی». (۲۵۱) همچنین درباره داود رقی فرمود: «هرکس دوست دارد که به مردی از اصحاب حضرت قائم علیه السلام بنگرد، به این مرد نگاه کند». (۲۵۲) نیز درباره یاران امام حسین علیه السلام فرمود: «امام حسین علیه السلام همراه یاران خود - که در کربلا شهید شدند - خواهد آمد». (۲۵۳) طبری در دلائل الإمامة نام عده‌ای از زنان را آورده است که برای یاری رساندن به امام زمان علیه السلام زنده می‌شوند. مفضل گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «سیزده زن همراه قائم آل محمد علیهم السلام خواهند آمد». عرض کردم: برای چه کاری؟ فرمود: «به مداوای مجروحان و سرپرستی بیماران خواهند پرداخت، همان‌گونه که همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند». عرض کردم: آنها را برایم نام ببرید. حضرت فرمود: «قنواة دختر رشید هجری، ام ایمن، حبابه والیه، سمیه مادر عمار یاسر، زبیده، ام خالد احمسیه، ام سعید حنفیه، صیانه ماشطه و ام خالد جهنیه». (۲۵۴) ۲. دسته دوم کسانی هستند که نامشان در روایات نیامده، اما اوصافشان ذکر شده است. این افراد عبارتند از: ۱ - کسانی که چهل صبح دعای عهد را بخوانند امام صادق علیه السلام فرمود: «آنان از یاوران قائم ماعلیه السلام باشند و اگر چنین کسی پیش از ظهور بمیرد، خداوند او را از قبر بیرون خواهد آورد، تا در خدمت آن حضرت باشد». (۲۵۵) ۲ - کسانی که هر شب جمعه، سوره اسراء را بخوانند امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس هر شب جمعه سوره اسراء را بخواند، نخواهد مرد تا حضرت قائم علیه السلام را درک کند و جزو یارانش قرار بگیرد». (۲۵۶) ۳ - هر کس شبیه سلمان فارسی رحمه الله باشد در گفتگویی که پیامبر صلی الله علیه و آله با سلمان فارسی رحمه الله داشت، آن حضرت پس از برشمردن نام امامان معصوم علیهم السلام به سلمان فرمود: «یا سلمان! إنک مدرکه ومن کان مثلك ومن تولاه هذه المعرفة؛ ای

سلمان! تو او را درک خواهی کرد و همچنین هر کس همانند تو باشد و هر کس چنین ولایت و معرفتی نسبت به او داشته باشد. (۲۵۷) ۴ - شهیدان چهارمین گروهی که در ایام ظهور حضرت مهدی علیه السلام زنده می‌شوند و به دنیا باز می‌گردند، شهیدان هستند، آنان که پیکرشان در راه اسلام و قرآن، آماج تیرهای دشمن قرار گرفت و با بدنی غرقه به خون به دیدار معبود خود شتافتند. آنان نیز برمی‌گردند تا پس از درک محضر امام زمان علیه السلام به مرگ طبیعی از دنیا بروند. امام باقر علیه السلام در گفتگویی که با زراره داشت، ضمن اینکه بین مرگ طبیعی و کشته شدن در راه خدا فرق گذاشت، به وی فرمود: «لیس من قتل بالسيف كمن مات علی فراشه، إن من قتل لا بد أن يرجع إلى الدنيا یذوق الموت (۲۵۸)؛ چنین نیست هر کس کشته می‌شود، با آن که در رختخواب مرده باشد، یکسان باشد. همانا هر کس در دنیا کشته شود، ناچار باید برگردد تا مرگ را بچشد». ۵ - مؤمنان پیامبر صلی الله علیه و آله به سلمان رحمه الله فرمود: «سلمان! هر کس همانند تو باشد و یا اهل ولایت و معرفت باشد، او نیز برمی‌گردد. شکی نیست که سلمان مصداق بارز مؤمن است». همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله به سلمان فرمود: «وکل من محض الإیمان محضاً (۲۵۹)؛ و هر کس ایمان داشته باشد، او نیز باز خواهد گشت».

پرسش ۳۷

آیا پیامبران در حکومت مهدی علیه السلام نقشی دارند؟ پاسخ یکی از وعده‌های بزرگ خداوند به پیامبران این بود که آنها را یاری خواهد داد، اما بسیاری از آنان شکست خوردند و کشته شدند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ (۲۶۰)؛ ما به یقین، پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به پا می‌خیزند، یاری می‌دهیم». امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فرمود: «به خدا قسم! مصداق این آیه در رجعت خواهد بود. آیا نمی‌دانی بسیاری از پیامبران در دنیا یاری نشدند و کشته شدند؟! همچنین امامان معصوم علیهم السلام کشته شدند و یاری نشدند. این در رجعت به تحقق خواهد رسید». (۲۶۱) آن حضرت علیه السلام در روایت دیگری فرمود: «همراه امام حسین علیه السلام هفتاد پیامبر خواهند آمد، همان گونه که همراه حضرت موسی علیه السلام آمده بودند». (۲۶۲) از روایت امام باقر علیه السلام که در تفسیر همین آیه از امیر مؤمنان علیه السلام آمده است، معلوم می‌شود که تمام پیامبران به امر پروردگار زنده خواهند شد و همه رجعت خواهند کرد و به کمک امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌آیند و در رکاب او شمشیر خواهند زد. (۲۶۳) ممکن است این هفتاد پیامبر فقط همراه امام حسین علیه السلام رجعت می‌کنند و بقیه به تنهایی با همراه برخی دیگر باز می‌گردند. ظاهراً پیامبران کم رجعت می‌کنند، مثلاً گروهی با امام زمان علیه السلام، گروهی دیگر با امام حسین علیه السلام و همچنین گروه دیگری با امام علی علیه السلام رجعت می‌کنند. در روایات، از چند پیامبر نام برده شده است که رجعت خواهند کرد، آنان عبارتند از: ۱ - عیسی بن مریم علیهما السلام بسیاری از روایات شیعه و سنی تصریح کرده‌اند که حضرت عیسی علیه السلام رجعت خواهد کرد. حضرت عیسی علیه السلام پس از آنکه به آسمان عروج کرد، در همان جا به سر برد، و تا ظهور امام زمان علیه السلام در آنجاست. وی همراه هشتصد مرد و چهارصد زن به زمین خواهد آمد. (۲۶۴) حضرت عیسی علیه السلام یکی از بزرگ‌ترین یاران امام مهدی علیه السلام است که از طرف خداوند به عنوان وزیر دست راست حضرت مهدی علیه السلام رجعت خواهد کرد. (۲۶۵) از مهم‌ترین کارهای حضرت عیسی علیه السلام در دولت حضرت مهدی علیه السلام این است که با دانه‌ای که در دست دارد، صلیب را خرد می‌کند، دجال را به هلاکت می‌رساند و اموال حضرت قائم علیه السلام را می‌گیرد و بین مردم تقسیم می‌کند. (۲۶۶) ۲ - الیاس پیامبر علیه السلام دومین پیامبری که همراه مهدی آل محمد علیهم السلام خواهد بود، حضرت الیاس علیه السلام است که گفته می‌شود وی جدّ حضرت نوح است. برخی گفته‌اند: والیسع را جانشین خود در بنی اسرائیل کرده است و خدا او را به آسمان بالا برده است. همه ساله در روز عرفه، او و خضر علیهما السلام در صحرای عرفات حضور پیدا می‌کنند و در کنار یکدیگر

می‌باشند. (۲۶۷) از گفتگوی امام صادق علیه السلام با الیاس علیه السلام در کنار کعبه، معلوم می‌شود که وی از جمله پیامبرانی است که همراه مهدی علیه السلام خواهد بود، چون او در ضمن گفتگو شمشیر خود را به امام نشان داد، سپس نقاب از چهره کنار زد و اظهار داشت: من الیاس علیه السلام هستم. (۲۶۸) ۳ - دانیال علیه السلام ۴ - یونس علیه السلام امام حسین علیه السلام پیش از شهادت خود، در مورد رجعت امیر مؤمنان و برخی پیامبران در زمان حکومت مهدی علیه السلام، به یاران خود چنین فرمود: «... دانیال و یونس علیهما السلام به سوی امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌روند و اظهار می‌دارند: خدا و پیامبرش راست می‌گفتند، سپس آن دو را همراه هفتاد مرد (به سوی بصره) روانه می‌کند تا جنگجویان - و شورشیان علیه دولت حضرت مهدی علیه السلام را سرکوب نمایند. آنها نیز در پی فرمان - شورشیان را به قتل می‌رسانند». (۲۶۹)

پرسش ۳۸

آیا امام مهدی علیه السلام احکام جدیدی می‌آورد؟ پاسخ در برخی از روایات آمده است که امام زمان علیه السلام هنگام ظهور، امر جدیدی خواهد آورد، همان‌گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله در آغاز اسلام، امر جدید آورد. (۲۷۰) مراد از امر جدید احکامی نیست که خارج از دستورهای قرآن و اسلام باشد؛ چون احکام اسلام از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است، گرچه برخی از آنها بنا به علت و مصلحت‌هایی، هنوز گفته نشده یا به مرحله اجرا گذارده نشده است. شاید مراد از امر جدید طرح‌های جدیدی در ارائه احکام الهی باشد که ممکن است برای مردم تازگی داشته باشد؛ زیرا در روایت آمده است: «إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأُ غَرِيبًا وَسَيَعُودُ غَرِيبًا». فاصله گرفتن مردم از اسلام و قرآن آن دو را به غربت می‌کشاند. بنابراین، مردم در زمان ظهور آن حضرت با قرآن و اسلام کاملاً بیگانه خواهند بود و با آمدن حجت خدا، فکر می‌کنند آن حضرت احکام جدیدی را آورده است. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «وهدهم إلى أمر قد دثر»؛ آنها را به چیزی که پنهان شده بود، هدایت خواهد کرد. (۲۷۱)

پرسش ۳۹

محل حکومت امام زمان علیه السلام کدام شهر است؟ پاسخ از اینکه امام مهدی علیه السلام در مسجد سهله سکونت می‌کند و این مسجد در کنار شهر کوفه است، معلوم می‌شود که مرکز حکومت امام زمان شهر کوفه می‌باشد. افزون بر این، از ظواهر احادیث بر می‌آید که تمام برنامه‌های امام مهدی علیه السلام در شهر کوفه به اجرا گذارده می‌شود. امام عصر - ارواحنا له الفداء - اگرچه در مکه ظهور می‌کند، اما در مکه نمی‌ماند، بلکه همراه نیروها به طرف شهر کوفه حرکت خواهد کرد. بدین سبب است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس خانه‌ای در کوفه دارد، آن را از دست ندهد». (۲۷۲) امیر مؤمنان علیه السلام نیز فرمود: «به اندازه موضع یک قدم در کوفه برایم بهتر است که در مدینه خانه‌ای داشته باشم». (۲۷۳) حضرت مهدی علیه السلام در کنار مسجد کوفه مسجدی می‌سازد که هزار در دارد. (۲۷۴) امام زمان علیه السلام نیروهای خود را از کوفه به سراسر جهان می‌فرستد. (۲۷۵)

پرسش ۴۰

سرنوشت اقلیت‌های دینی در حکومت حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟ پاسخ یکی از وعده‌های الهی که در حکومت قائم آل محمد علیهم السلام تحقق پیدا می‌کند، این است که بساط شرک و کفر برچیده خواهد شد، بلکه طبق فرموده قرآن کریم «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (۲۷۶) ندای توحید سراسر جهان را فرا خواهد گرفت، و به فرموده امام باقر علیه السلام: «جز دین محمد صلی الله علیه و آله دینی باقی نمی‌ماند». (۲۷۷) در اینجا روایات بر دو دسته هستند: دسته اول بر آنند که حضرت با آنها مصالحه می‌کند، اما در عین حال کاملاً محدود خواهند شد. ابوبصیر گوید: به امام صادق عرض کردم: صاحب الأمر علیه السلام با اهل ذمه چه

خواهد کرد؟ حضرت فرمود: «مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با آنان مصالحه می‌کند و آنها با کمال ذلّت جزیه می‌پردازند» (۲۷۸) و از دسته دوم چنین به دست می‌آید که پس از اتمام حجّت بر آنها و نپذیرفتن حق از سوی آنان، نابود خواهند شد؛ چرا که با فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام از آسمان و حضور وی در نماز جماعت امام مهدی علیه السلام و تبلیغ او از اسلام و شکستن صلیب توسط وی، دیگر جای هیچ عذر و بهانه‌ای برای پیروان مسیح علیه السلام - که در آن زمان پیروان زیادی خواهند داشت - باقی نخواهد بود. با این بیان فقط خداپرستان روی زمین باقی خواهند ماند.

بخش هشتم: یاران حضرت مهدی علیه السلام در دوران غیبت و حضور

مقدمه

در بسیاری از روایات سخن از یاران امام مهدی علیه السلام به میان آمده است. لابد می‌پرسید: اینان چه کسانی هستند؟ چند نفرند؟ دارای چه ملیتی هستند؟ از چه طایفه‌ای می‌باشند؟ در کدام یک از شهرها زندگی می‌کنند؟ اکنون چه می‌کنند؟ و در حکومت امام مهدی علیه السلام چه خواهند کرد؟ پاسخ این پرسش‌ها را در این بخش خواهید یافت.

پرسش ۴۱

حضرت خضر علیه السلام کیست و در دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام چه نقشی دارد؟ پاسخ حضرت خضر علیه السلام چند هزار سال عمر کرده است. آن حضرت در سفر دریایی، همراه حضرت موسی علیه السلام بود. او از بهترین یاران ذوالقرنین بود. خداوند به او عمر طولانی داد تا برهانی قوی بر طولانی بودن عمر امام زمان علیه السلام باشد و او را زنده نگه داشت تا مونس تنهایی امام زمان علیه السلام در زمان غیبت باشد. در روایات، ویژگی‌های حضرت خضر علیه السلام بیان شده است، که برخی از آنها را ذکر می‌کنیم: ۱. وی از جمله کسانی است که به چشمه آب حیات دست پیدا کرد و مقداری از آن را نوشید. (۲۷۹) ۲. حضرت خضر علیه السلام اکنون زنده است و تا نفع صور زنده خواهد بود. امام رضا علیه السلام فرمود: «حضرت خضر علیه السلام از آب حیات نوشید. پس او زنده است تا نفع صور دمیده شود». (۲۸۰) ۳. خداوند قدرت نیرومندی به خضر عطا کرد. طریحی می‌نویسد: «خداوند به حضرت خضر علیه السلام قدرت بسیار بالایی عطا کرد (۲۸۱) او فرمانده پیش‌قراولان لشکر ذوالقرنین بود». (۲۸۲) ۴. امام صادق علیه السلام فرمود: «خضر علیه السلام بر هیچ تخته خشکیده‌ای نمی‌نشست مگر آنکه سرسبز می‌گشت و به همین جهت، خضر نامیده شد». (۲۸۳) ۵. قرآن کریم هرچند آشکارا نام او را نبرده است، اما از او به عنوان عالم یاد کرده است. در سوره کهف در جریان ملاقات حضرت موسی علیه السلام با حضرت خضر علیه السلام چنین آمده است: «فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» (۲۸۴)؛ (در آنجا) بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که رحمت عظیمی از سوی خود به او داده، و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم. ۶. هر جا نامش برده شود، فوراً حاضر می‌گردد. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «هر جا از او یاد شود، همان جا حاضر می‌شود. پس هر یک از شما به یاد او افتاد، بر او سلام کند». (۲۸۵) ۷. همه ساله در مراسم حج حضور دارد. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «وإنه ليحضر الموسم كل سنة فيقضي جميع المناسك ويقف بعرفة فيؤمن على دعاء المؤمنين» (۲۸۶) حضرت خضر علیه السلام همه ساله در مراسم حج حضور می‌یابد و تمام مناسک حج را نیز انجام می‌دهد و در عرفات، در کنار سایر حجاج خانه خدا می‌ایستد و به دعای مؤمنان آمین می‌گوید». حضرت خضر علیه السلام در ایام حضور معصومین، نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کرد، گرچه بیشتر کارها و برنامه‌هایش را کسی جز معصومین نمی‌داند. او در زمان غیبت حضرت بقیه الله الأعظم - ارواحنا له الفداء -، کارهای زیادی را انجام می‌دهد که از آن بی‌اطلاع هستیم. امام رضا علیه السلام درباره او فرمود: «حضرت

خضرعلیه السلام آن سلامی که به سایر معصومان داشته، بدون تردید همان را نسبت به امام زمان علیه السلام هر روز ادامه می‌دهد. (۲۸۷) همچنین آن کارهایی که سایر معصومین علیهم السلام از جمله امام صادق علیه السلام به حضرت خضرعلیه السلام واگذار کرده بودند، یقیناً در زمان غیبت امام زمان علیه السلام به او واگذار خواهد شد؛ از قبیل رسیدن به فریاد در ماندگان در بیابان‌ها و کمک به گمشدگان. از همه مهم‌تر آن است که خداوند به وسیله حضرت خضرعلیه السلام، امام زمان علیه السلام را در ایام غیبت از تنهایی بیرون می‌آورد. امام رضاعلیه السلام می‌فرماید: «وسیئونس الله به وحشۀ قائمنا ویصل به وحدته (۲۸۸)؛ و در آینده خداوند به وسیله او، وحشت قائم ما - علیه السلام - را در ایام غیبتش به انس مبدل خواهد کرد و یار و یاور آن حضرت علیه السلام در تنهایی خواهد بود». خداوند عمر طولانی به حضرت خضرعلیه السلام عنایت فرمود تا بهترین دلیل بر طولانی بودن عمر حضرت مهدی علیه السلام باشد و بدین وسیله بهانه را از دست دشمنان بگیرد. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «عبد صالح، یعنی خضرعلیه السلام، همانا خداوند هرگز عمر او را طولانی ننمود، تا اینکه نبوتی برایش مقدر کرده باشد، و نه به جهت کتابی که بر او نازل شود، و نه به جهت شریعتی که با آن شریعت پیامبر را نسخ کرده باشد، و نه برای امامتی که بنندگان را به پیروی از او ملزم کند، و نه برای اطاعتی که خداوند برای او فرض کرده باشد، بلکه چون خداوند می‌دانست که تقدیری در عمر حضرت قائم - عجل الله فرجه الشریف - در ایام غیبت خواهد داشت و بسیاری از مردم این امر را انکار خواهند کرد، خواست تا عمر حضرت قائم علیه السلام را به درازای عمر عبد صالح حضرت خضرعلیه السلام طولانی نماید، بدین جهت او را زنده نگه داشت، تا دلیلی برای استدلال طول عمر حضرت قائم علیه السلام و ابطال حجّت منکران باشد». (۲۸۹)

پرسش ۴۲

آیا تعداد یاران امام زمان علیه السلام مشخص است؟ پاسخ یاران امام عصر - ارواحنا له الفداء - به چند گروه تقسیم می‌شوند: ۱. یارانی که حضرت مهدی علیه السلام نهضت خود را با آنان آغاز می‌کند. ۲. یارانی که به برکت مقدم بقیه الله - ارواحنا فداه - از قبرها برمی‌خیزند. ۳. یارانی که همراه حضرت عیسی علیه السلام از آسمان فرود می‌آیند. گروه اول ۳۱۳ نفر هستند. در روایات، محل سکونت این گروه و تعداد افرادی که از هر منطقه به یاری امام زمان علیه السلام می‌آیند، مشخص شده است. امام صادق علیه السلام به تقاضای ابوبصیر، محل سکونت یاران امام مهدی علیه السلام و تعداد آنها از هر منطقه را بدین شرح بیان فرمود: ۱. اسوان: ۱ نفر ۲. اصحاب کهف: ۷ نفر ۳. اصطخر: ۲ نفر ۴. اهواز: ۲ نفر ۵. باغه: ۱ نفر ۶. بافاد: ۱ نفر ۷. بدا: ۱ نفر ۸. بدو: ۱ نفر ۹. برید: ۲ نفر ۱۰. بصره: ۳ نفر ۱۱. بلیس: ۱ نفر ۱۲. بیرم: ۱ نفر ۱۳. بیروت: ۹ نفر ۱۴. جابروان: ۳ نفر ۱۵. جبل غرر: ۸ نفر ۱۶. جرجان: ۱۲ نفر ۱۷. جوقان: ۱ نفر ۱۸. حار: ۱ نفر ۱۹. حران: ۱ نفر ۲۰. حلب: ۳ نفر ۲۱. حلوان: ۲ نفر ۲۲. حیوان: ۱ نفر ۲۳. خلاط: ۱ نفر ۲۴. خیر: ۱ نفر ۲۵. دیبله: ۱ نفر ۲۶. دمیاط: ۱ نفر ۲۷. دیلم: ۴ نفر ۲۸. رافقه: ۲ نفر ۲۹. رقه: ۳ نفر ۳۰. ری: ۷ نفر ۳۱. ری: ۱ نفر ۳۲. سجستان: ۳ نفر ۳۳. سلیمه: ۵ نفر ۳۴. سمنند: ۴ نفر ۳۵. سنجار: ۴ نفر ۳۶. سیمسیاط: ۱ نفر ۳۷. سیراف (شیراز): ۱ نفر ۳۸. صامغان: ۲ نفر ۳۹. صنعاء: ۲ نفر ۴۰. صیدائیل: ۱ نفر ۴۱. طازبند شرقی: ۱ نفر ۴۲. طالقان: ۲۴ نفر ۴۳. طالقان: ۱ نفر ۴۴. طبرستان: ۹ نفر ۴۵. طبریه: ۱ نفر ۴۶. طرابلس: ۲ نفر ۴۷. طوس: ۵ نفر ۴۸. طهر: ۱ نفر ۴۹. عبثه: ۱ نفر ۵۰. عکبرا: ۱ نفر ۵۱. فرغانه: ۱ نفر ۵۲. فسطاط: ۴ نفر ۵۳. قابس: ۱ نفر ۵۴. قارب: ۱ نفر ۵۵. قرمس: ۲ نفر ۵۶. قریات: ۲ نفر ۵۷. قزوین: ۲ نفر ۵۸. قلمز: ۲ نفر ۵۹. قم: ۱۸ نفر ۶۰. قیروان: ۲ نفر ۶۱. کوئا: ۱ نفر ۶۲. کور کرمان: ۳ نفر ۶۳. کوفه: ۱۴ نفر ۶۴. مداین: ۸ نفر ۶۵. مدینه: ۲ نفر ۶۶. مرو رود: ۲ نفر ۶۷. مرو: ۱۲ نفر ۶۸. مولیان: ۲ نفر ۶۹. نسوی: ۱ نفر ۷۰. نصیبین: ۱ نفر ۷۱. نیشابور: ۱۸ نفر ۷۲. وادی القری: ۱ نفر ۷۳. وشیج: ۴ نفر ۷۴. هرات: ۱۲ نفر ۷۵. همدان: ۴ نفر ۷۶. پناهندگان به روم: ۱۱ نفر ۷۷. مفقود در سلاط: ۱ نفر ۷۸. المتخلی بصیقلیه: ۱ نفر ۷۹. فراری از قبیله خود: ۱ نفر ۸۰. فراریان به سروانیه: ۲ نفر ۸۱. گردشگر به دنبال حق از یخشب: ۱ نفر ۸۲. مسافران عانه به انطاکیه: ۲ تاجر و ۱ غلام

۸۳. المحتج بكتاب الله على الناصب از سرخس: ۱ نفر ۸۴. وارد شوندگان سرانديب: ۲ نفر (دلایل الامامة، ص ۳۰۷). ۱. در برخی روایات، نام این شهرها نیز آمده است: «صاغان، قرغانه، شام، ترمذ، موعود، ترقعه، دمشق، فلسطین، بعلبک، نوغان، حائر، نور، قالیقا، بروجرد، رها، مراغه، فالس، قبه، تربده، خبوان، طهی، ارم و سردانه». (۲۹۰) ۲. در برخی از احادیث به نام یاران امام مهدی علیه السلام نیز اشاره شده. (۲۹۱) ۳. تعداد یاران آن حضرت در برخی روایات، با تعدادی که ذکر شد، تفاوت دارد. مثلاً در روایت دیگر آمده است که از ری یک نفر به کمک امام زمان علیه السلام می‌آید، و در روایت دیگر این تعداد ۷ نفر ذکر شده است. (۲۹۲) ۴. در برخی روایات، نام برخی از شهرها تکرار شده است، مانند طالقان و شهر ری. (۲۹۳) ۵. در برخی روایات، به نام‌های متشابه برخی شهرها پرداخته است که ممکن است یک شهر باشند، مانند قرغانه و فرغانه (۲۹۴) صامغان (۲۹۵) و صاغان (۲۹۶). ۶. در برخی روایات، تعداد افراد ذکر شده، کمتر از ۳۱۳ نفر است. ۷. شهرهایی که ذکر شده‌اند، محل سکونت یاران مهدی علیه السلام در زمان ظهور آن حضرت می‌باشد. بنابراین ممکن است آنان اهل شهرهای یاد شده نباشند و فقط در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام ساکن آن شهر باشند. ۸. امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: «همه یاران حضرت مهدی علیه السلام جزء نجبا، قضات، فقهای دین و حکام هستند». ۹. نام بسیاری از شهرهای ایران در بین نام‌ها وجود دارد که در حدود سی شهر می‌باشد. ۱۰. با مقایسه بین شهرهای یاد شده و تعداد افرادی که از آن مناطق به یاری امام زمان علیه السلام می‌آیند، معلوم می‌شود بیشترین یاران آن حضرت علیه السلام را ایرانیان تشکیل می‌دهند. آیا یاران امام زمان علیه السلام فقط ۳۱۳ نفرند؟ یاران آن حضرت بیشتر از ۳۱۳ نفرند. در سخنان معصومین علیهم السلام تعداد یاران آن حضرت پنج هزار، ده هزار، دوازده هزار و پانزده هزار نفر نیز آمده است. (۲۹۷) علاوه بر آنها هشتصد مرد و چهارصد زن همراه حضرت عیسی علیه السلام از آسمان می‌آیند. (۲۹۸) و پیوستن هفتاد هزار صدیق که زنده می‌شوند و در کوفه به امام عصر - ارواحنا له الفداء - می‌پیوندند، بهترین دلیل بر آن است که یاران حضرت مهدی علیه السلام بیش از ۳۱۳ نفر هستند. در توجیه این عدد که در اخبار آمده، دو احتمال داده شده است: ۱. علّامه مجلسی رحمه الله می‌گوید: «یاران حضرت مهدی علیه السلام به هنگام ظهور سیصد و سیزده نفرند. بنابراین منافاتی ندارد که افراد دیگری بعد از ظهور آن حضرت به وی پیوندند». (۲۹۹) ۲. ممکن است این عدّه جزو فرماندهان ارشد سپاه و کارگزاران عالی رتبه حکومت حضرت مهدی علیه السلام باشند. امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر رحمه الله فرمود: «گویا می‌بینم قائم را بر منبر کوفه و سیصد و سیزده نفر یار همراهش بر گردش حلقه زده‌اند، همان‌هایی که صاحبان پرچم‌ها می‌باشند، آنان که حاکمان خدا در روی کره زمین بر بندگانش خواهند بود. (۳۰۰)

پرسش ۴۳

نقش علما در حکومت امام زمان علیه السلام چیست؟ پاسخ جهت روشن شدن این پرسش، نخست باید نقش علما را در دوران حضور امامان معصوم - علیهم السلام - بررسی کرد، آن‌گاه به غیبت و سپس دوران حضور و ظهور امام زمان علیه السلام بپردازیم. در دوران ۲۶۰ ساله حضور معصومین علیهم السلام، علما پس از امامان علیهم السلام، بزرگ‌ترین و عظیم‌ترین نقش را در عالم اسلام ایفا کرده‌اند. آنان پاسدار ارزش‌های دینی بودند. فقیهان در سراسر کشورهای اسلامی، به نمایندگی از معصومین علیهم السلام، احکام الهی را به مردم می‌رساندند. در حقیقت، آنان نقش رابط بین معصومین علیهم السلام و مردم را ایفا کرده‌اند. از سوی دیگر، امامان معصوم علیهم السلام به پاس تلاش فقیهان، پیوسته آنها را تأیید و حمایت می‌کردند و مردم را به سوی آنها ارجاع می‌دادند. در دوران غیبت صغری نیز بزرگانی همچون عثمان بن سعید و دیگر نمایندگان حضرت مهدی علیه السلام و فقیهانی مانند شیخ صدوق و شیخ کلینی، نقش عظیمی در گسترش مکتب اهل بیت علیهم السلام داشته‌اند. علما در دوران غیبت کبری، به مرزبانی مرزهای عقیدتی پرداختند و زمینه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام را فراهم نمودند. یاران حضرت علیه السلام را علما، فقها و

قضات تشکیل می‌دهند. آنان به نمایندگی از حضرت در سراسر جهان پخش می‌شوند و برنامه‌های حکومت امام زمان علیه السلام را در جامعه پیاده می‌کنند. بنابراین، علما بیشترین سهم را در تشکیل حکومت امام مهدی علیه السلام بر عهده دارند، البته برخی از علمای غیر متعهد و منحرف و دنیادوست پیدا خواهند شد که با حضرت مهدی علیه السلام اعلام جنگ خواهند نمود. آنان از گروه بتریه هستند (۳۰۱) و تعدادشان شانزده هزار نفر می‌باشد. آنان در پشت شهر کوفه به جنگ با آن حضرت می‌پردازند، آن حضرت سه روز به آنها مهلت می‌دهد تا از مواضع خود دست بردارند و سپس همه آنها را به قتل خواهد رساند. (۳۰۲)

پرسش ۴۴

ابدال کیانند؟ پاسخ از جمله پرسش‌هایی که در ذهن بسیاری از مردم آمده، این است که ابدال چه کسانی هستند، چند نفرند، ویژگی‌های آنان کدام است و در کجا زندگی می‌کنند؟ پاسخ می‌دهیم: در روایات و احادیث شیعه و سنی، فراوان سخنی از ابدال به میان آمده است و پرسش‌گران نیز همین سؤال‌ها را از معصومان داشته‌اند و ما نیز جهت روشن شدن این امر آن گفتگوها را خدمت خوانندگان تقدیم می‌داریم: ۱ - منظور از ابدال چیست؟ علامه طریحی می‌نویسد: «الأبدال قوم من الصالحین لا تخلو الدنيا منهم، إذا مات واحداً بدل الله مكانه آخر (۳۰۳)؛ ابدال گروهی از مردم صالح و نیکوکاری‌اند که هرگز زمین از وجودشان خالی نمی‌شود، هر یک از آنها اجلس فرا رسد و بمیرد، خداوند شخص دیگری را جایش قرار می‌دهد». همچنین آورده است: «هریک از آنان بمیرد، یک نفر از دیگر مردمان به جای او قرار می‌دهد». (۳۰۴) خالد بن هشام فارسی گوید: به امام رضاعلیه السلام عرض کردم: مردم گمان دارند که در روی زمین گروهی به نام ابدال وجود دارند، اینان کیانند؟ حضرت در پاسخ فرمود: «راست گفتند. منظور از ابدال همان اوصیا و جانشینان هستند که خداوند پس از مرگ و رحلت هر پیامبری آنها را بدل و جانشین او قرار می‌دهد، تا اینکه به حضرت محمدصلی الله علیه وآله آنها را خاتمه داد». (۳۰۵) و از این گفتگو روشن می‌شود که ابدال جانشینان انبیای الهی هستند، همچنان که از دیگر روایات نیز به دست می‌آید که منظور از ابدال، امامان معصوم علیهم السلام هستند و نیز احتمال دارد که یاران خاص امامان علیهم السلام باشند. (۳۰۶) مرحوم محدث قمی، ضمن بیان اینکه مراد از ابدال، امامان معصوم علیهم السلام و یا طبق فرموده امام رضاعلیه السلام اوصیای الهی هستند، ابراز تردید کرده از اینکه شامل امامان معصوم علیهم السلام باشد، چرا که در دعای روایت شده از امّ داوود از امام صادق علیه السلام که در نیمه رجب وارد شده دلالت دارد که ابدال غیر از امامان هستند، اگرچه صراحتی در این خصوص ندارد و ممکن است حمل بر تأکید باشد (۳۰۷) و دعای مورد نظر این است که حضرت می‌فرماید: «اللهم صلّ علی الأبدال والأوتاد والسیاح والعباد والمخلصین والزهاد وأهل الجّد والاجتهاد واخصص محمّداً وأهل بیته بأفضل صلواتک وأجزل کراماتک...» (۳۰۸) و آنچه که نظریه مرحوم محدث قمی را تأیید می‌کند، آنکه در برخی روایات، عده‌ای از زنان را جزو ابدال شمرده‌اند (۳۰۹) و یا اینکه گفته شده: هر کس چند ویژگی در او باشد، جزو ابدال شمرده خواهد شد (۳۱۰) و یا در پاسخ اینکه ابدال از کجا به این مرتبه رسیده‌اند؟ گفته شده: به وسیله جود و سخا و نصیحت و خیرخواهی مسلمانان. (۳۱۱) که همه اینها دلالت بر این دارد که ابدال غیر معصومان علیهم السلام می‌باشند. و ممکن است در حال حاضر بر خادمان و گروه سی نفری از همراهان حضرت مهدی علیه السلام منطبق شود. چنانچه علامه مجلسی رحمه الله از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «لا بدّ لصاحب هذا الأمر من عزله ولا بدّ فی عزلته من قوّة وما بثلاثین من وحشته (۳۱۲)؛ صاحب الزمان علیه السلام را به ناچار غیبتی است و در آن غیبت، قدرت و قوّت برای او لازم است که در آن زمان به وسیله سی نفر از همراهانش از وحشت و تنهایی بیرون می‌آید، که با تعداد ابدال کاملاً سازگار است». ۲ - ابدال چند نفر هستند؟ باید گفت: در بین روایات اختلاف است و تعداد آنها بین سی تا هشتاد نفر بیان شده است، که ذیلاً آورده می‌شود: الف) سی نفر: احمد بن حنبل در مسند از عباده بن صامت از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «الأبدال فی هذه الأمیة ثلاثون مثل ابراهیم خلیل الرحمن، کلمّا مات رجل أبدل الله تبارک وتعالی مكانه

رجلاً (۳۱۳)؛ ابدال در این امت سی نفرند، مانند ابراهیم خلیل. و هر یک از اینان که از دنیا برود، خداوند دیگری را جایگزین می‌کند. (ب) چهل نفر: طبرانی در المعجم الکبیر از ابن مسعود از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «لا یزال أربعون رجلاً من أمتی قلوبهم علی قلب ابراهیم یدفع الله بهم عن أهل الأرض یقال لهم الأبدال...» (۳۱۴)؛ پیوسته چهل نفر هستند که قلبشان همانند قلب ابراهیم است که خداوند به وسیله آنها بلاها را از اهل زمین دور می‌گرداند که به آنان ابدال گفته می‌شود. (ج) هفتاد نفر: فخر الدین طریحی آورده است: «الأبدال قوم یقیم الله بهم الأرض وهم سبعون...» (۳۱۵)؛ ابدال گروهی هستند که خداوند به وسیله آنان زمین را برپا می‌دارد که تعدادشان هفتاد نفر است. (د) شصت نفر: مرحوم محدث قمی در سفینه البحار از ثعلبی از مردی از اهل عسقلان در دیداری که با الیاس داشته از او می‌پرسد که ابدال چند نفر هستند؟ حضرت در پاسخ می‌فرماید: شصت نفر. (۳۱۶) (ه) هشتاد نفر: و در فردوس الأخبار مرسلاً از انس بن مالک نقل کرده: «الأبدال أربعون رجلاً وأربعون امرأة، كلما مات رجل منهم، أبدل الله مكانه رجلاً و كلما مات امرأة أبدل الله مكانها امرأة» (۳۱۷)؛ ابدال چهل نفر مرد و چهل نفر زن هستند و هرگاه یکی از مردان بمیرد، خداوند مرد دیگری به جای او قرار می‌دهد و هرگاه یکی از آن زنان بمیرد، زن دیگری را به جای او قرار می‌دهد. ۳ - ابدال دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟ در کتابهای شیعه و سنی به روایاتی چند اشاره شده که پیامبر صلی الله علیه و آله چند ویژگی از ویژگی‌های ابدال را بیان فرموده است. الف) قلب‌های ابدال همانند قلب ابراهیم علیه السلام است. عباده بن صامت از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «الأبدال ثلاثون رجلاً قلوبهم علی قلب ابراهیم علیه السلام». (۳۱۸) شاید مراد پیامبر صلی الله علیه و آله از این تشبیه این است که این چند نفر از نظر شدت و صلابت و ایستادگی و مقاومت در برابر باطل همانند ابراهیم علیه السلام می‌باشند که وی در برابر باطل آن‌گونه ایستاد و از خود سرسختی نشان داد. (ب) سپر بلاى انسانها. همچنین ابن مسعود از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود: «یدفع الله بهم عن أهل الأرض». (۳۱۹)؛ خداوند به وسیله آنها، بلاها را از مردم زمین دور می‌گرداند. (ج) دارای سه ویژگی دیگر. و از دیگر ویژگی‌هایی که برای ابدال نقل شده است، این است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «الرضا بالقضاء والصبر عن محارم الله والغضب فی ذات الله» (۳۲۰)؛ راضی بودن به حکم و قضای الهی، صبر پیشه کردن بر محارم خدا - خودداری کردن از آلوده شدن به حرام -، خشمگین شدن برای خدا. (د) داشتن مواسات و احسان و عفو. از دیگر مشخصه‌های ابدال است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «یعفون عن ظلمهم ویحسنون إلی من أساء إلیهم ویتواسون فیما آتاهم الله عزّوجلّ» (۳۲۱)؛ گذشت و عفو از کسانی که به آنان ظلم کنند، نیکی و احسان به آنان که در حقشان بدی کنند، ایثار و مواسات در آنچه که خدای به آنان داده است. (و) جود و سخا و خیرخواهی. ابن مسعود از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت کرده: «لا یزال أربعون رجلاً من أمتی، قلوبهم علی قلب ابراهیم یدفع الله بهم عن أهل الأرض یقال لهم الأبدال، قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إنهم لم یدرکوها بصلوة ولا بصوم ولا صدقة. قالوا: یا رسول الله! فیم أدرکوها؟ قال: بالسخاء والنصیحة للمسلمین» (۳۲۲)؛ پیوسته چهل نفر از امت من هستند که قلب‌هایشان همانند قلب حضرت ابراهیم علیه السلام می‌باشد، خداوند به وسیله آنها - بلاها را - از اهل زمین دور می‌گرداند که به آنان ابدال گفته می‌شود. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بدانید که اینان هرگز این مقام را از خواندن نماز و روزه و صدقه بدست نیاورده‌اند. عرض کردند: ای رسول خدا! پس به چه چیز به این مقام رسیدند؟ فرمود: به وسیله جود و بخشش و خیرخواهی مسلمانان. ۴ - ابدال در کجا زندگی می‌کنند؟ ابدال نه از طایفه و ملیت خاصی هستند و نه از شهر و وطن بخصوصی. بلکه ممکن است یک یا چند نفر از یک شهر و یا کشور بخصوصی باشند و نیز ممکن است هر یک از یک منطقه و شهر و دیار باشند، به ویژه اگر ابدال را بر یاران امام زمان علیه السلام منطبق کنیم که بی‌شک در شهرهای مختلف زندگی می‌کنند. مگر بر نقل فخر الدین طریحی در مجمع البحرین که چهل نفر از ابدال را از اهل شام می‌داند و بقیه آنها را از دیگر شهرها می‌داند، آورده است: «الأبدال قوم یقیم الله بهم الأرض وهم سبعون؛ أربعون بالشام وثلاثون بغیرها» (۳۲۳)؛ ابدال قومی هستند که خداوند به برکت آنها زمین را برپا می‌دارد و عددشان هفتاد نفر است، چهل نفر در

شام و سی نفر در بقیه شهرها هستند». ۵ - آیا می‌توان جزء ابدال بود؟ پاسخ می‌دهیم: با عنایت به اینکه ابدال در همه دوران‌ها و مکان‌ها وجود دارند، بدون هیچ شک و شبهه‌ای می‌توان یکی از آنها بود. همان‌گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود، مردم را به این نکته توجه داد که هرگز اینان به وسیله نماز و روزه و زکات به این مقام نرسیده‌اند، بلکه به وسیله جود و سخا و خیرخواهی مسلمانان بوده است. همچنین در پاسخ برخی که عرض کردند: یا رسول الله! ما را بر اعمال و کردار اینان راهنمایی کن. فرمود: «گذشت کردن از کسانی که در حقشان ظلم کرده‌اند و نیز احسان در برابر بدی و مواسات در آنچه که خداوند به آنها داده است». و دیگر صفاتی که اگر در کسی یافت شود، جزء ابدال خواهد بود، چنان‌که روایات آن از نظر تان گذشت که همه آنها دلیل بر این است که هر کس با داشتن چنین اوصافی می‌تواند جزء ابدال باشد، اما این بدان معنا نیست که هر کس چنین چیزی را مدعی شد، فوراً از او بپذیریم.

بخش نهم: دشمنان حضرت مهدی علیه السلام

مقدمه

تمام پیامبران الهی و اوصیای آنها، در راستای دعوت به خداپرستی با دشمنان فراوانی رو به رو بوده‌اند که قرآن کریم به بسیاری از آنها اشاره کرده است. اوج این دشمنی‌ها نسبت به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود، چنانکه خود آن حضرت فرمود: «هیچ پیامبری همانند من آزار و اذیت ندید». امام زمان علیه السلام نیز دشمنان بسیاری داشته و خواهد داشت، چون به جنگ تمام قدرت‌های غاصب و ستمگر خواهد رفت، از این رو بسیاری از قدرت‌ها، طوایف، قبایل، ملیت‌ها، گروه‌ها و مکاتب انحرافی با آن حضرت اعلام جنگ می‌کنند، اما وی پس از اتمام حجت بر آنها، زمین را از لوث وجودشان پاک می‌گرداند. آخرین بخش این کتاب را به پاسخ برخی از این پرسش‌ها در مورد دشمنان امام زمان علیه السلام اختصاص داده‌ایم.

پرسش ۴۵

دشمنان امام زمان علیه السلام چه کسانی هستند؟ پاسخ ۱ - منحرفان فکری یکی از گروه‌هایی که با امام زمان علیه السلام جنگ می‌کند، گروهی است که قرآن را با اندیشه باطل خود تفسیر می‌کنند. در روایات آمده است: «آزاری که آنان هنگام ظهور به امام زمان علیه السلام می‌رسانند، بیش از آزاری است که پیامبر صلی الله علیه و آله از مردم نادان زمان خود دید، چون افرادی پیامبر صلی الله علیه و آله را آزار دادند که سنگ و چوب را می‌پرستیدند، اما کسانی که با قائم آل محمد علیهم السلام جنگ می‌کنند، کسانی هستند که کتاب خدا را در برابر آن حضرت تفسیر می‌کنند». (۳۲۴) ۲ - بت‌ریه بت‌ریه شاخه‌ای از زیدیه و منسوب به مغیره بن سعد هستند. برخی گفته‌اند: بت‌ریه یاران کثیر النوا، حسن بن ابی صالح، سالم بن ابی حفصه، حکم بن عیینه، سلمه بن کهیل و ابوالمقدم ثابت بن حداد هستند که مردم را به محبت و ولایت علی علیه السلام دعوت کردند، اما محبت او را با محبت ابوبکر و عمر مخلوط کردند. آنان محبت ابوبکر و عمر را قبول دارند، ولی نسبت به عثمان، طلحه، زبیر و عایشه بغض ورزیدند و نظرشان بر این بود که باید در کنار فرزندان علی علیه السلام علیه دشمنان قیام کرد. (۳۲۵) حسن بن سلیمان نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود: آنان چهار هزار نفر هستند. (۳۲۶) شیخ مفید رحمه الله درباره تعداد آنان نوشته است: «بضعه عشر آلاف أنفوس» (۳۲۷)، مراد ایشان از این عبارت، چند ده هزار نفر می‌باشد. ابن رستم طبری تعداد آنها را شانزده هزار نفر می‌داند. (۳۲۸) امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور می‌کند و به سوی کوفه می‌رود، عده‌ای که به آنها بت‌ریه گفته می‌شود، در حالی که اسلحه بر دوش دارند، در مقابل امام قرار می‌گیرند و می‌گویند: برگرد به همان جایی که آمده‌ای! ما نیازی به بنی فاطمه نداریم». (۳۲۹)

امام صادق علیه السلام فرمود: «چهار هزار از حاملان قرآن و پشمینه پوشان معروف به زیدیه، از بیعت با آن حضرت خودداری می‌کنند و می‌گویند: آمدن امام حسین علیه السلام در این زمان، سحری عظیم است. پس هر دو سپاه در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند، امام زمان علیه السلام آنها را موعظه می‌کند و سه روز به آنان مهلت می‌دهد. پس از پایان گرفتن مهلت، امام زمان علیه السلام دستور جنگ با آنان را صادر می‌کند». (۳۳۰) امام باقر علیه السلام نیز فرمود: «وقتی حضرت مهدی علیه السلام به کوفه می‌رود، شانزده هزار نفر از بتریه که خود را قاریان قرآن و فقهای دین می‌دانند، ولی نفاق و دورویی سر تا پای آنها را فرا گرفته است، در حالی که اسلحه بر دوششان است، نزد آن حضرت می‌آیند و می‌گویند: ای فرزند فاطمه بر گرد که هیچ نیازی به تو نداریم. اینجاست که حضرت مهدی علیه السلام شمشیر خواهد کشید و در روز دوشنبه از بعد از ظهر تا شب، همه آنها را در پشت شهر نجف به قتل می‌رساند». (۳۳۱) ۳ - مرجئه سومین گروه از دشمنان امام زمان علیه السلام که حضرت هنگام ظهور با آنان جنگ می‌کند و همه آنها را به قتل می‌رساند، کج اندیشان مرجئه هستند که بر اثر عقاید انحرافی خود، فرسنگ‌ها از اسلام فاصله می‌گیرند و عظیم‌ترین گناهان را بی‌پروا انجام می‌دهند. علمای طریقی درباره این گروه می‌نویسد: «مرجئه گروهی از مسلمانان هستند و عقیده دارند هرگز گناه ضرری به ایمان نمی‌زند». همچنین ابن قتیبه می‌گوید: «مرجئه کسانی هستند که قائل به ایمان قولی و زبانی بدون عمل می‌باشند». برخی نیز گفته‌اند: «مرجئه همان جبریه هستند که گویند: هیچ‌گاه بنده از خود اختیاری ندارد». (۳۳۲) بشیر می‌گوید: «در سفری که به مدینه داشتم، همین که به در خانه امام باقر علیه السلام رسیدم، قاطر زین شده‌ای بر در خانه آن حضرت یافتم، بدین جهت برای ملاقات با آن حضرت، پشت در خانه نشسته، منتظر بیرون آمدن وی شدم. همین که امام علیه السلام بیرون آمد، سلام کردم. آن حضرت از قاطر پیاده شد، به سوی من آمد و فرمود: اهل کجا هستی؟ عرض کردم: اهل عراق. فرمود: کدام شهر؟ عرض کردم: کوفه. فرمود: چه کسی در این سفر تو را همراهی می‌کرد؟ گفتم: گروهی از محدّثه. فرمود: محدّثه کیانند؟ عرض کردم: مرجئه. فرمود: وای بر آنها! اگر فردا قائم ماقیام کند، به چه کسی پناه خواهند برد؟ عرض کردم: آنان گویند: در آن روز همه مشمول عدل او قرار می‌گیریم و با شما برابر هستیم. فرمود: «هرکس توبه کند، خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد و هرکس نفاقی در درون داشته باشد، او را از رحمت خود دور خواهد کرد و هرکس ایده باطلش را در آن روز اظهار کند، خداوند خونس را خواهد ریخت». سپس فرمود: «قسم به آنکه جانم در قبضه اوست، امام زمان علیه السلام آنها را خواهد کشت، همان‌گونه که قصاب گوسفند خود را می‌کشد». عرض کردم: آنان گویند: هنگامی که امور بر حضرت مهدی علیه السلام سامان گرفت، وی قطره خونی را نخواهد ریخت. حضرت علیه السلام فرمود: «قسم به آنکه جانم در دست اوست! چنین چیزی نخواهد بود، تا ما و شما خون و عرق را از پیشانی‌مان پاک گردانیم و سپس به پیشانی خود اشاره نمود». (۳۳۳) امام زمان علیه السلام با اهالی بنو کلاب، (۳۳۴) ارمینیه، (۳۳۵) کوفه، (۳۳۶) عرب، (۳۳۷) مکه، مدینه، بصره، دمیسان، کرد، اعراب، شام، بنی امیه، بنو ضبّه، غنی، باهله، ازد و ری جنگ خواهد کرد. (۳۳۸)

پرسش ۴۶

آیا امام زمان علیه السلام کشته می‌شود؟ پاسخ بنا بر برخی روایات، امام عصر - عَجَلُ اللَّهِ فرجه الشریف - فوت می‌کند. بنا بر برخی روایات دیگر، آن حضرت شهید می‌شود. از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آیا رجعت حق است؟ حضرت فرمود: آری. سؤال شد: اولین کسی که رجعت خواهد کرد، کیست؟ فرمود: «امام حسین علیه السلام پس از حضرت قائم علیه السلام، همراه یاران خود و هفتاد پیامبر بر خواهد گشت. آن‌گاه حضرت قائم علیه السلام انگشت خود را به امام حسین علیه السلام می‌دهد و از دنیا می‌رود. امام حسین علیه السلام او را غسل می‌دهد و کفن و دفن می‌کند». (۳۳۹) علامه مجلسی رحمه الله می‌گوید: اگر کسی سؤال کند: امام حسین علیه السلام را چه کسی غسل خواهد داد؟ در جواب می‌گوییم: «چون امام حسین علیه السلام در این دنیا شهید شده است،

احتیاج به غسل ندارد، یا امامان علیهم السلام بعد از آن حضرت که به دنیا باز می‌گردند، ایشان را غسل می‌دهند و بر او نماز می‌گذارند». (۳۴۰) و از امام حسن، امام صادق و امام رضا علیهم السلام نقل شده که فرموده‌اند: «ما منّا إلّا مسموم أو مقتول؛ ما کشته یا مسموم از دنیا خواهیم رفت». بنابراین امام عصر - ارواحنا له الفداء - نیز به شهادت خواهد رسید. در کتاب‌های معتبر، بحثی از چگونگی شهادت حضرت مهدی علیه السلام به میان نیامده است، اما شیخ احمد احسائی در ذیل حدیث «مؤمن یایابکم مصدق بر جعتکم» نوشته است: «در روایت منتخب البصائر، درباره حضرت مهدی علیه السلام آمده است: پس او کشته می‌شود و زنی از طایفه تمیم به نام سعیده که محاسنی همانند مردان دارد، وقتی آن حضرت از کوچه‌ای عبور می‌کند، آن زن از روی بام خانه خود، سنگی بر سر آن حضرت می‌زند». (۳۴۱)

فهرست منابع

۱. الإرشاد محمد بن محمد بن النعمان ۲. إثبات الوصیة علی بن الحسین مسعودی ۳. إثبات الهداة محمد بن الحسن حرّ عاملی ۴.
- إسعاف الراغبین ابن الصبّان ۵. إعلام الوری فضل بن الحسن طبرسی ۶. إلیزام الناصب شیخ علی یزدی ۷. أوائل المقالات محمد بن محمد بن النعمان ۸. با خورشید سامرا محمد جواد طبسی ۹. بحار الأنوار علّامه محمد باقر مجلسی ۱۰. بشارة الإسلام سید مصطفی کاظمی ۱۱. بصائر الدرجات محمد بن الحسن صفّار قمی ۱۲. البیان فی أخبار صاحب الزمان محمد بن یوسف گنجی شافعی ۱۳.
- پاسخ ما کانون اعتقاد دینی مشهد ۱۴. تأویل الآیات شرف الدین نجفی ۱۵. التاج الجامع للأصول منصور علی ناصف ۱۶. تبصرة الولی فیمن رأى القائم المهدی سید هاشم بحرانی ۱۷. التذکرة فی أحوال الموتی والآخرة محمد بن احمد قرطبی ۱۸. تذکرة الخواص سبط ابن الجوزی ۱۹. تفسیر العیاشی محمد بن مسعود بن عیاش ۲۰. تفسیر المیزان علّامه سید محمد حسین طباطبایی ۲۱.
- تفسیر القمی علی بن ابراهیم قمی ۲۲. تقریب المعارف ابوالصلاح حلبی ۲۳. تهذیب الأحکام محمد بن الحسن طوسی ۲۴. الثقات ابن حبان ۲۵. جزیره خضراء افسانه یا واقعیت؟ ابوالفضل طریقه‌دار ۲۶. جوانان یاوران مهدی محمد باقر پور امینی ۲۷. حقّ الیقین علّامه محمد باقر مجلسی ۲۸. حلیة الأبرار سید هاشم بحرانی ۲۹. الخرائج والجرائح قطب راوندی ۳۰. خورشید مغرب محمد رضا حکیمی ۳۱. دادگستر جهان ابراهیم امینی ۳۲. دلائل الإمامة محمد بن جریر بن رستم طبری ۳۳. الذریعة آغا بزرگ تهرانی ۳۴.
- رجال الکشی ابوعمر و کشی ۳۵. زنان در حکومت امام زمان محمد جواد طبسی ۳۶. سفینه البحار شیخ عباس قمی ۳۷. سنن ابن ماجه ابن ماجه قزوینی ۳۸. سنن ابی داود سلیمان بن اشعث سجستانی ۳۹. سنن ترمذی محمد بن عیسی ترمذی ۴۰. شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید ۴۱. الشیعة والرجعة محمد رضا طبسی ۴۲. الصواعق المحرقة احمد بن حجر عسقلانی ۴۳. عصر الظهور علی کورانی ۴۴.
- عقد الدرر سلمی ۴۵. عقیده أهل السنة والأثر عبد المحسن عباد ۴۶. علل الشرائع شیخ صدوق ۴۷. عیون أخبار الرضا شیخ صدوق ۴۸. غایة المرام سید هاشم بحرانی ۴۹. الفتوحات المکیة ابن العربی ۵۰. فرائد السمطین ابراهیم بن محمد حموی ۵۱.
- فردوس الأخبار دیلمی ۵۲. الفصول المهمّة ابن الصبّان مالکی ۵۳. قصص الأنبياء ابن کثیر دمشقی ۵۴. الکافی محمد بن یعقوب کلینی ۵۵. کامل الزیارات جعفر بن محمد بن قولویه ۵۶. کتاب الخصال شیخ صدوق ۵۷. کتاب الغیبة محمد بن الحسن طوسی ۵۸.
- کتاب الغیبة محمد بن ابراهیم نعمانی ۵۹. کفایة الأثر محمد بن علی الخزاز ۶۰. کمال الدین شیخ صدوق ۶۱. کنز العمیال متقی هندی ۶۲. المحاسن ابوعبد الله برقی ۶۳. مجمع البحرین فخر الدین طریحی ۶۴. مجمع البیان حسین بن علی طبرسی ۶۵. مختصر بصائر الدرجات محمد بن سلیمان حلّی ۶۶. المستدرک علی الصحیحین حاکم ابوعبد الله نیشابوری ۶۷. مشارق الأنوار حمزوی ۶۸.
- مشکاة الأنوار طبرسی ۶۹. مصباح الزائر ابراهیم بن علی کفعمی ۷۰. معجم أحادیث الإمام المهدی محمد جواد طبسی و جمعی از نویسندگان ۷۱. الملاحم والفتن ابن طاووس حلّی ۷۲. مناقب آل أبی طالب ابن شهر آشوب ۷۳. منتخب الأثر لطف الله صافی ۷۴.
- منتهی الآمال شیخ عباس قمی ۷۵. منهاج السنة ابن تیمیه ۷۶. النجم الثاقب میرزا حسین نوری ۷۷. نور مهدی جمعی از نویسندگان

۷۸. ینابیع المودّة محمد بن سلیمان قندوزی

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

۱ قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشهای ۲ قرآن کریم / چهار رنگ - رحلی خط نیریزی / الهی قمشهای ۳ قرآن کریم / وزیر خط نیریزی / الهی قمشهای ۴ قرآن کریم / وزیر (با ترجمه) خط عثمان طه / الهی قمشهای ۵ قرآن کریم / وزیر (بدون ترجمه) خط عثمان طه ۶ کلیات مفاتیح الجنان / وزیر خط افشاری / الهی قمشهای ۷ کلیات مفاتیح الجنان / جیبی خط افشاری / الهی قمشهای ۸ کلیات مفاتیح الجنان / نیم جیبی خط افشاری / الهی قمشهای ۹ منتخب مفاتیح الجنان / جیبی خط افشاری / الهی قمشهای ۱۰ منتخب مفاتیح الجنان / نیم جیبی خط افشاری / الهی قمشهای ۱۱ ارتباط با خدا واحد تحقیقات ۱۲ آئینه اسرار حسین کریمی قمی ۱۳ آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات ۱۴ آقا شیخ مرتضای زاهد محمد حسن سیف اللهی ۱۵ آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش ۱۶ از زلال ولایت واحد تحقیقات ۱۷ امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش ۱۸ امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات ۱۹ امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی ۲۰ انتظار بهار و باران واحد تحقیقات ۲۱ انتظار و انسان معاصر عزیز الله حیدری ۲۲ اهمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی ۲۳ با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی ۲۴ بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی ۲۵ پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی ۲۶ پرچم هدایت محمد رضا اکبری ۲۷ تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری ۲۸ تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری ۲۹ تاریخ سید الشهداء علیه السلام شیخ عباس صفایی حائری ۳۰ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / فارسی واحد تحقیقات ۳۱ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / عربی واحد تحقیقات ۳۲ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / انگلیسی واحد تحقیقات ۳۳ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / اردو واحد تحقیقات ۳۴ تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی ۳۵ جلوه‌های پنهانی امام عصر علیه السلام حسین علی پور ۳۶ چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی ۳۷ چهل حدیث / امام مهدی در کلام امام علی علیهما السلام سید صادق سیدنژاد ۳۸ حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی ۳۹ حکمت‌های جاوید محمد حسین فهیم‌نیا ۴۰ ختم سوره‌های یس و واقعه واحد پژوهش ۴۱ خزائن الأشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری ۴۲ خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی ۴۳ خوشه‌های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه) ۴۴ دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی ۴۵ داستانهایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد ۴۶ داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی ۴۷ در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی ۴۸ در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / همراهی ۴۹ دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی ۵۰ رسول ترک محمد حسن سیف اللهی ۵۱ روزنه‌هایی از عالم غیب سید محسن خزازی ۵۲ زیارت ناحیه مقدّسه واحد تحقیقات ۵۳ سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی ۵۴ سرود سرخ انار الهه بهشتی ۵۵ سقا خود تشنه دیدار طهورا حیدری ۵۶ سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه) ۵۷ سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی ۵۸ ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد الله هاشمی شهیدی ۵۹ عریضه‌نویسی سید صادق سیدنژاد ۶۰ عطر سبب حامد حجتی ۶۱ عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی المقدس الشافعی ۶۲ علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات ۶۳ علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان ۶۴ فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی ۶۵ فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی ۶۶ فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی ۶۷ فوز اکبر محمد باقر فقیه‌ایمانی ۶۸ کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۶۹ کرامت‌های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۷۰ کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله / منصور پهلوان ۷۱ کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی ۷۲ گردی از رهگذر دوست

(مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتیجی) ۷۳ گفتمان مهدویت آیت الله صافی گلپایگانی ۷۴ گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی ۷۵ مشکاة الانوار علامه مجلسی رحمه الله ۷۶ مفرد مذکر غائب علی مؤذنی ۷۷ مکمال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی / حائری قزوینی ۷۸ منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله ۷۹ منشور نینوا مجید حیدری فر ۸۰ مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات عزیز الله حیدری ۸۱ مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب ۸۲ مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد علامه مجلسی رحمه الله / ارومیه‌ای ۸۳ مهر بیکران محمد حسن شاه‌آبادی ۸۴ میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی ۸۵ ناپیدا ولی با ما / فارسی واحد تحقیقات ۸۶ ناپیدا ولی با ما / انگلیسی واحد تحقیقات ۸۷ ناپیدا ولی با ما / بنگالا واحد پژوهش ۸۸ ناپیدا ولی با ما / ترکی استانبولی واحد پژوهش ۸۹ نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله ۹۰ نشانه‌های ظهور او محمد خادمی شیرازی ۹۱ نشانه‌های یار و چکامه انتظار مهدی عزیزاده ۹۲ نهج البلاغه / وزیری سید رضی رحمه الله / محمد دشتی ۹۳ نهج البلاغه / جیبی سید رضی رحمه الله / محمد دشتی ۹۴ و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی ۹۵ وظایف منتظران واحد تحقیقات ۹۶ ویژگی‌های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری ۹۷ هدیه احمدیه / جیبی میرزا احمد آشتیانی رحمه الله ۹۸ هدیه احمدیه / نیم‌جیبی میرزا احمد آشتیانی رحمه الله ۹۹ یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی ۱۰۰ یار غائب از نظر (مجموعه اشعار) محمد حجتی ۱۰۱ ینابیع الحکمة / عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی جهت تهیه و خرید کتابهای فوق، می‌توانید با نشانی: قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن‌های ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ تماس حاصل فرمایید.

پی‌نوشت‌ها

۱۳۸۵۱

(۱) سوره انبیاء آیه ۱۰۵ (۲) تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۳۳۷ (۳) همان، ص ۳۲۹ (۴) خورشید مغرب، ص ۶۶ (۵) همان، ص ۶۶ و ۶۷ (۶) جهت اطلاع بیشتر، ر. ک: همان، ص ۷۱ - ۷۴ (۷) نگارنده تمام این روایات را در «معجم احادیث الامام المهدی»، ج ۵ با همکاری گروهی از نویسندگان گرد آورده است. (۸) سوره قصص، آیه ۵ (۹) دلائل الامامة، ص ۲۳۷ (۱۰) تأویل الآیات، ج ۱، ص ۳۳۲ و معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۲۶۲ (۱۱) سوره نمل، آیه ۶۲ (۱۲) تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶ (۱۳) نور مهدی، ص ۳۷ (۱۴) معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱ - ۵ (۱۵) سنن ترمذی، ج ۲، ص ۵۰۵ (۱۶) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸ (۱۷) سنن ابوداود، ج ۲، ص ۳۶۷ (۱۸) الصواعق المحرقة، ص ۱۶۳ (۱۹) اسعاف الراغبین، ص ۱۴۵ (۲۰) کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۴ (۲۱) مشارق الأنوار، ص ۱۱۲ (۲۲) عقد الدرر، ص ۳۳ (۲۳) اسعاف الراغبین، ص ۱۴۵ (۲۴) عقیده أهل السنّة والأثر، ص ۱۸ (۲۵) الصواعق المحرقة، ص ۱۶۳ (۲۶) مشارق الأنوار، ص ۱۱۲ (۲۷) الناج الجامع للأصول، ج ۵، ص ۳۴۳ (۲۸) صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۰۱ (۲۹) همان، ج ۴، ص ۲۲۶۶ (۳۰) المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۷ (۳۱) همان ج ۳، ص ۲۱۱ (۳۲) همان، ج ۴، ص ۵۵۸ (۳۳) همان، ج ۴، ص ۵۵۸ (۳۴) همان، ص ۴۶۳ (۳۵) منهاج السنه، ج ۴، ص ۲۱۱ (۳۶) تاریخ البخاری، ج ۱، ص ۳۱۷ (۳۷) همان، ج ۳، ص ۳۴۶ (۳۸) کفایه الاثر، ص ۱۴۹ (۳۹) کفایه الاثر، ص ۲۲۳ (۴۰) معجم احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۱۴۸ (۴۱) مصباح الزائر، ص ۳۱۲ (۴۲) اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸ (۴۳) مناقب، ال ابی طالب، ج ۱، ص ۳۰۱ (۴۴) محاسن برقی، ص ۱۵۵، الثقات ابن حبان، ج ۷، ص ۴۹ (۴۵) کمال الدین، ج ۲، ص ۴۱۲ (۴۶) الفصول المهمه، ص ۲۷۴ (۴۷) همان، ص ۲۷۲ (۴۸) البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۵۲۱ (۴۹) تذکره الخواص، ص ۳۲۵ (۵۰) الشیعة والرجعة، ج ۱، ص ۱۲۲ (۵۱) شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۷۹ (۵۲) بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۷ (۵۳) کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۴ و با خورشید سامرا. ص ۲۸۸ (۵۴) با خورشید سامرا،

ص ۲۹۰. ۵۵) تبصرة الولی فی من رأی القائم المهدی، ص ۹۳. ۵۶) کتاب الغیبة، ص ۲۱۷. ۵۷) همان، ص ۱۳۴ و کفایه الاثر، ص ۲۸۹. ۵۸) کمال الدین، ج ۱، ص ۴۳. ۵۹) حقّ یقین، ص ۳۲۰. ۶۰) حقّ یقین، ص ۳۲۱؛ با تلخیص و تصرف. ۶۱) کتاب الغیبه، ص ۱۰۶. ۶۲) حقّ یقین، ص ۳۲۵ و منتهی الامالی، ج ۲، ص ۵۰۸. ۶۳) منتهی الامالی، ج ۲، ص ۵۰۸. ۶۴) بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۴۲. ۶۵) بحار الانوار ج ۵۸ (ص ۱۷۶. ۶۶) همان (ص ۲۳۴. ۶۷) کمال الدین، ج ۱، ص ۲۱۰. ۶۸) تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۹۷. ۶۹) پاسخ ما، ص ۱۷. ۷۰) همان، ص ۲۰. ۷۱) سوره ص، آیه ۸۰ و ۷۲. ۷۲) سوره عنکبوت آیه ۱۴. ۷۳) سوره صافات آیه ۱۴۴. ۷۴) رجوع شود به: بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۲۵ - ۲۸۸. ۷۵) الشیعة والرجعة، ج ۱، ص ۲۹۵ و فردوس الاخبار دیلمی، ج ۳، ص ۸۶. ۷۶) رجوع شود به: الشیعة والرجعة، ج ۱، ص ۲۹۳ - ۳۰۰. ۷۷) رجوع شود به: الشیعة والرجعة، ج ۱، ص ۳۲۹ - ۳۳۹. ۷۸) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۱. ۷۹) سوره اشقاق آیه ۱۹. ۸۰) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۰. ۸۱) معجم احادیث الامام المهدی، ج ۵، ص ۶۴. ۸۲) کتاب الغیبة، ص ۲۶. ۸۳) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۰. ۸۴) کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۰ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۱. ۸۵) غیبت نعمانی، ص ۱۷۶. ۸۶) کتاب الغیبة، ص ۲۰۲. ۸۷) کتاب الغیبة، ص ۱۰۶. ۸۸) سوره فتح، آیه ۲۵. ۸۹) علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۴۱. ۹۰) سوره قصص، آیه ۵. ۹۱) سوره انبیا آیه ۱۰۵. ۹۲) سوره نور، آیه ۵۵. ۹۳) تذکرة الخواص ص ۲۶۳، عقد الدرر ص ۳۲، منهاج السنه ج ۴ ص ۲۱۱. ۹۴) محاسن برقی ص ۱۵۵، کمال الدین ج ۲، ص ۴۱۲. ۹۵) معجم احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۱۴۸. ۹۶) غیبت نعمانی، ص ۸۱. ۹۷) الشیعة والرجعه، ج ۱، ص ۴۳۲، ضمناً در کتابهای اهل سنت به انتظار فرج نیز اشاره شده که می توان به المعجم الکبیر طبرانی، ج ۱۰، ص ۱۲۴، مسند شهاب ج ۱، ص ۶۲، تاریخ بغداد ج ۲، ص ۱۵۴ مراجعه کرد. ۹۸) منتهی الامال، ج ۲، ص ۴۸۳. ۹۹) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲. ۱۰۰) همان. ۱۰۱) جزوه درس های استاد مکارم شیرازی پیرامون انگیزه پیدایش مذهب، ص ۴۷. ۱۰۲) همان، ص ۴۶. ۱۰۳) سوره عصر، آیه ۳. ۱۰۴) بشاره الاسلام، ص ۲۸. ۱۰۵) الزام الناصب، ص ۲۸۸. ۱۰۶) بشاره الاسلام، ص ۲۸. ۱۰۷) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۳. ۱۰۸) اعلام الوری، ص ۴۲۴. ۱۰۹) نامش عثمان و فرزند عنبسه است، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵. ۱۱۰) عقد الدرر، ص ۷۲. ۱۱۱) همان، ص ۹۰. ۱۱۲) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲. ۱۱۳) معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۲۵۳. ۱۱۴) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸. ۱۱۵) کتاب الغیبة، ص ۲۸۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰. ۱۱۶) همان، ص ۲۰۶. ۱۱۷) غیبت نعمانی، ص ۲۵۷. ۱۱۸) منتهی الامال، ج ۲، ص ۴۹۷ با اندکی تصرف و تلخیص. ۱۱۹) غیبة نعمانی، ص ۲۶۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰ و عقد الدرر، ص ۸۷. ۱۲۰) عقد الدرر، ص ۸۶. این شهرها عبارتند از: دمشق، فلسطین، اردن و حلب. ۱۲۱) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲. ۱۲۲) تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۵۶ و بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۱. ۱۲۳) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰. ۱۲۴) سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۹۳. ۱۲۵) بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳. ۱۲۶) الملاحم والفتن، ابن طاووس، ص ۸۴. ۱۲۷) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۲۴؛ التذکره فی احوال الموتی والآخرة، ص ۵۳، فوائد المسمطین، ج ۲، ص ۹۱. ۱۲۸) نام دیگر قدس است (عصر الظهور، ص ۲۲۸. ۱۲۹) سنن ترمذی ج ۴ ص ۵۳۱. ۱۳۰) دلائل الإمامة، ص ۳۱۴. ۱۳۱) ینایع الموده، ص ۴۴۹. ۱۳۲) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۷. ۱۳۳) بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶. ۱۳۴) سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۶۵. ۱۳۵) النجم الثاقب، ص ۴۴۴. ۱۳۶) دعبل گفت: خروج امام لا- مجاله خارج بقوم علی اسم الله و البرکات یمیز فینا کل حق و باطل و یجزی علی النعماء و النقمات (۱۳۷) منتخب الاثر، ص ۵۰۵. ۱۳۸) مناقب آل الی طالب، ج ۴، ص ۳۳۹.

۲۹۱۵۱۳۹

۱۳۹) منتخب الاثر، ص ۵۰۵. ۱۴۰) منتخب الاثر، ص ۵۰۵. ۱۴۱) بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳. ۱۴۲) همان، ص ۳۱. ۱۴۳) همان، ص ۳۱. ۱۴۴) همان. ۱۴۵) بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳. ۱۴۶) همان، ص ۳۲. ۱۴۷) همان. ۱۴۸) کمال الدین، ج ۱، ص ۴۲۳. ۱۴۹) دلائل الامامة، ص ۲۳۷. ۱۵۰) کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹. ۱۵۱) کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۲. ۱۵۲) مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص

۲۸۴. ۱۵۳) کفایة الاثر، ص ۱۵۳؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۲؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۵۸ و اثبات الهداء، ص ۱۵۴. ۶۵۱) کفایة الاثر، ص ۱۸۷. ۱۵۵) سوره اسراء، آیه ۳۳. ۱۵۶) تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰. ۱۵۷) الکافی، ج ۸، ص ۲۵۵؛ تاویل الایات، ج ۱، ص ۲۸۰ و کامل الزیارات، ص ۶۳. ۱۵۸) کامل الزیارات، ص ۶۳. ۱۵۹) سوره انعام، آیه ۱۶۴. ۱۶۰) بحار الانوار، ج ۵۲؛ و عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۴۷. ۱۶۱) کفایة الاثر، ص ۲۶۵. ۱۶۲) همان، ص ۲۷۸. ۱۶۳) کفایة الاثر، ص ۱۷۳، ۳۳۴، ۳۳۸، ۱۶۴) کفایة الاثر، ص ۲۶۳. ۱۶۵) همان، ص ۲۷۹. ۱۶۶) علل الشرایع، ص ۱۶۰ و معجم احادیث الامام المهدي، ص ۳۱۰. ۱۶۷) معجم احادیث الامام المهدي، ج ۵، ص ۲۲۲. ۱۶۸) کفایة الاثر، ص ۷۶. ۱۶۹) همان، ص ۱۴۵. ۱۷۰) بصائر الدرجات، ص ۱۱۴. ۱۷۱) مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۵۸۸. ۱۷۲) الشیعه و الرجعة، ج ۱، ص ۲۹۵. ۱۷۳) با خورشید سامرا، ص ۲۸۴، به نقل از غیبة طوسی، ص ۱۴۱. ۱۷۴) بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷ و ص ۲۲۴. ۱۷۵) همان، ص ۲۲۴. ۱۷۶) کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۱ و بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷. ۱۷۷) بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸. ۱۷۸) همان. ۱۷۹) منتخب الاثر، ص ۲۲۱. ۱۸۰) بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸. ۱۸۱) کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۰ و بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۴. ۱۸۲) همان. ۱۸۳) بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸. ۱۸۴) عقد الدرر، ص ۲۷۷. ۱۸۵) غیبت نعمانی، ص ۲۴۳. ۱۸۶) غیبت نعمانی، ص ۲۴۲. ۱۸۷) معجم احادیث الامام المهدي، ج ۳، ص ۳۸۶. ۱۸۸) همان، ص ۲۰۱. ۱۸۹) بصائر الدرجات، ص ۱۸۳. ۱۹۰) همان، ص ۱۸۸. ۱۹۱) الشیعه و الرجعة، ج ۱، ص ۱۶۴. ۱۹۲) الشیعه و الرجعة، ص ۱۶۳. ۱۹۳) بصائر الدرجات، ص ۱۷۵. ۱۹۴) همان، ص ۱۳۵. ۱۹۵) همان. ۱۹۶) الشیعه و الرجعة، ج ۱، ص ۴۱۹. ۱۹۷) بصائر الدرجات، ص ۱۴۲. ۱۹۸) همان، ص ۱۴۷. ۱۹۹) همان، ص ۱۵۱. ۲۰۰) معجم الامام المهدي، ج ۳، ص ۳۸۸. ۲۰۱) بصائر الدرجات، ص ۱۵۱. ۲۰۲) سوره توبه، آیه ۳۳. ۲۰۳) سوره انبیاء، آیه ۱۰۵. ۲۰۴) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۷. ۲۰۵) تفسیر عیاشی ج ۱، ص ۱۸۳، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰. ۲۰۶) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱. ۲۰۷) خصال صدوق، ج ۲، ص ۳۹۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۹. ۲۰۸) کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳؛ تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۳۳۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵. ۲۰۹) کتاب الغیبة، ص ۴۵۳. ۲۱۰) امام صادق علیه السلام فرمود: «و یقوم یوم عاشوراء و هو الیوم الذی قتل فیہ الحسین بن علی لکأنی فی یوم السبت، العاشر من المحرم» (ارشاد مفید، ص ۳۴۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰؛ اعلام الوری، ص ۴۳۱). ۲۱۱) فتوحات مکیه، ج ۳، ص ۳۱. ۲۱۲) ینابیع الموده، ص ۳۳۱، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱. ۲۱۳) الشیعه و الرجعة، ج ۱، ص ۲۲۴. ۲۱۴) و ۵ - همان. ۲۱۵) ۲۱۶) غیبت نعمانی، ص ۳۳۱. ۲۱۷) همان، ص ۱۸۱. ۲۱۸) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱. ۲۱۹) الشیعه و الرجعة، ج ۱، ص ۲۲۴؛ ارشاد مفید، ص ۳۴۵. ۲۲۰) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶. ۲۲۱) ارشاد مفید، ص ۳۴۵. ۲۲۲) بشاره الاسلام، ص ۱۶۷. ۲۲۳) کتاب الغیبة، ص ۱۶۵. ۲۲۴) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۵. ۲۲۵) همان، ص ۱۵۳. ۲۲۶) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۸. ۲۲۷) تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶. ۲۲۸) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳. ۲۲۹) همان. ۲۳۰) با خورشید سامرا، ص ۸۲. ۲۳۱) جزیره خضراء افسانه یا واقعیت، ص ۴۷ (به نقل از ناجی نجار). ۲۳۲) جهت کسب اطلاعات بیش تر می توانید به کتاب «جزیره خضراء افسانه یا واقعیت؟» تحقیق و ترجمه ابوالفضل طریقه دار مراجعه نمایید. ۲۳۳) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۴. ۲۳۴) کافی، ج ۱، ص ۳۳۷ و ص ۳۳۹؛ غیبت نعمانی، ص ۲۰۴. ۲۳۵) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷. ۲۳۶) الکافی، ج ۸، ص ۲۸۷. ۲۳۷) نور مهدي، ص ۷۲. ۲۳۸) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳ تا ۳۶۰. ۲۳۹) همان، ص ۳۶۶. ۲۴۰) سوره بقره، آیه ۲۴۳. ۲۴۱) همان، آیه ۲۵۹. ۲۴۲) سوره بقره، آیه ۲۶۰. ۲۴۳) سوره نمل، آیه ۸۳. ۲۴۴) مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۶۷. ۲۴۵) الشیعه و الرجعة، ج ۲، ص ۲۴۸. ۲۴۶) همان، ص ۲۵۸. ۲۴۷) أوائل المقالات، ص ۸۹. ۲۴۸) الذریعة الی تصانیف الشیعه ج ۱، ص ۹۰. ۲۴۹) شاید منظور امام، شهر نجف اشرف باشد. ۲۵۰) ارشاد مفید، ص ۳۶۵. ۲۵۱) دلایل الامامة، ص ۲۴۸. ۲۵۲) رجال کشی، ص ۴۰۲. ۲۵۳) مختصر بصائر الدرجات، ص ۴۸. ۲۵۴) دلایل الامامة ص ۲۶۰. ۲۵۵) بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۵. ۲۵۶) معجم احادیث الامام المهدي، ج ۵، ص ۱۲۲. ۲۵۷) دلایل الامامة، ص ۲۳۷. ۲۵۸) تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۱۲ و بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۹. ۲۵۹) دلایل الامامة، ص ۲۳۷. ۲۶۰)

سوره غافر آیه ۵۱. ۲۶۱) معجم الامام المهدي، ج ۵، ص ۳۸۴. ۲۶۲) همان، ج ۴، ص ۸۹. ۲۶۳) الشيعة و الرجعه، ج ۲، ص ۹۲. ۲۶۴) فردوس الاخبار، ج ۵، ص ۵۱۵. ۲۶۵) همان، ج ۱، ص ۵۳۰. ۲۶۶) همان، ص ۵۳۱. ۲۶۷) مجمع البحرين، ص ۳۱۶. ۲۶۸) کافی، ج ۱، ص ۲۴۲. ۲۶۹) الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۹۴. ۲۷۰) امام باقر علیه السلام فرمود: «ان قائمنا اذا قام دعا الناس الى امر جديد كما دعا اليه رسول الله» غيب نعماني، ص ۳۲۱. ۲۷۱) اعلام الوری، ص ۴۳۱. ۲۷۲) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶. ۲۷۳) همان، ص ۳۸۵ و ۲۷۴) ارشاد مفید، ص ۳۴۱. ۲۷۵) همان. ۲۷۶) سوره توبه، آیه ۳۳. ۲۷۷) بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۴۰. ۲۷۸) دادگستر جهان، ص ۳۹۳. ۲۷۹) مجمع البيان، ص ۲۳۶. ۲۸۰) سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۸۹. ۲۸۱) مجمع البحرين، ص ۲۳۶. ۲۸۲) اثبات الوصیة، ص ۲۹؛ قصص الانبياء ابن كثير، ج ۲، ص ۱۴۰. ۲۸۳) تفسير الميزان، ج ۱۶، ص ۳۵۲. ۲۸۴) سوره كهف، آیه ۶۵. ۲۸۵) كمال الدين، ج ۲، ص ۳۹۰. ۲۸۶) همان، ص ۳۹۱. ۲۸۷) معجم احاديث الامام المهدي، ج ۴، ص ۱۶۷؛ حليه الابرار، ج ۲، ص ۶۸۳. ۲۸۸) معجم احاديث الامام المهدي، ج ۴، ص ۱۶۷؛ حليه الابرار، ج ۲، ص ۶۸۳. ۲۸۹) اعلام الوری، ص ۴۰۶. ۲۹۰) دلائل الامامه، ص ۳۰۷. ۲۹۱) بشاره الاسلام، ص ۲۰۹.

۳۴۱ تا ۲۹۲

۲۹۲) دلائل الامامة، ص ۳۰۷. ۲۹۳) همان. ۲۹۴) بشارة الاسلام، ص ۲۰۹. ۲۹۵) دلائل الامامة، ص ۳۰۷. ۲۹۶) بشاره الاسلام، ص ۲۰۹. ۲۹۷) غيبه نعماني، ص ۳۰۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۳؛ جوانان ياوران مهدي (ع) ص ۱۶. ۲۹۸) معجم احاديث الامام المهدي، ج ۱، ص ۵۳۴؛ زنان در حكومت امام زمان (ع) ص ۲۰. ۲۹۹) حق اليقين، ص ۳۵۲. ۳۰۰) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶. ۳۰۱) شاخه‌ای از طوايف زيديه هستند و به مغیره بن سعد - ابتر لقب گرفته بود - نسبت داده می‌شوند. حسن بن سليمان تعداد اين گروه را چهل هزار نفر می‌داند. رجوع شود به: مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۹۰. ۳۰۲) دلائل الامامة، ص ۳۴۲. ۳۰۳) مجمع البحرين، ص ۴۲۵، ماده بدل. ۳۰۴) همان. ۳۰۵) سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۴. ۳۰۶) همان. ۳۰۷) سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۴. ۳۰۸) مفاتيح الجنان، ص ۲۶۴. ۳۰۹) فردوس الاخبار ج ۱، ص ۱۱۹. ۳۱۰) همان، ج ۲، ص ۸۴. ۳۱۱) المعجم الكبير، ج ۱۰، ص ۲۲۴. ۳۱۲) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۳. ۳۱۳) مسند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۳۲۲. ۳۱۴) المعجم الكبير طبرانی، ج ۱۰، ص ۲۲۴. ۳۱۵) مجمع البحرين، ص ۴۲۵. ۳۱۶) سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۸. ۳۱۷) فردوس الاخبار، ج ۱، ص ۱۱۹. ۳۱۸) فوائد الاصول، ص ۶۹. ۳۱۹) المعجم الكبير، ج ۱، ص ۲۲۴. ۳۲۰) فردوس الاخبار، ج ۲، ص ۸۴. ۳۲۱) حلیة الاولیاء ج ۱، ص ۸. ۳۲۲) معجم الكبير، ج ۱۰، ص ۲۲۴. ۳۲۳) مجمع البحرين، ص ۴۲۵. ۳۲۴) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۳. ۳۲۵) مجمع البحرين، ص ۲۳۰. ۳۲۶) مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۹۰. ۳۲۷) ارشاد مفید، ص ۳۴۳، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸. ۳۲۸) دلائل الامامة، ص ۲۴۲. ۳۲۹) ارشاد مفید، ص ۳۴۲، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸. ۳۳۰) مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۹۰. ۳۳۱) دلائل الامامة، ص ۲۴۲. ۳۳۲) مجمع البحرين، ص ۳۵. ۳۳۳) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶؛ کافی، ج ۸، ص ۸۱، غيبه نعماني، ص ۲۸۳. ۳۳۴) الشيعة و الرجعة، ج ۱، ص ۱۶۰. ۳۳۵) همان، ص ۱۶۲. ۳۳۶) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۷. ۳۳۷) همان، ص ۳۵۵. ۳۳۸) همان، ص ۳۶۳. ۳۳۹) حق اليقين، ص ۳۵۲ و منتخب بصائر الدرجات، ص ۴۸. ۳۴۰) همان، ص ۳۵۱. ۳۴۱) شرح الزياره، ج ۳، ص ۵۳.